دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

مقدّمه: فضیلت و اهمّیت حج. 4
فصل اول: کلیات 6
انواع حج و عمره. 7
تفاوت حجّ تمتّع با حجّ إفراد و قِران 8
حجّ إفراد و قران. 10
استفتائات حج افراد و قران 11
ساختار حجّ تمتّع 12
احکام کلّی حجّ تمتّع. 14
فصل دوم: حجّ واجب (حَجّةالاسلام) 16
شرایط وجوب حَج. 17
عقل و بلوغ. 18
استطاعت. 19
الف: استطاعت مالی 20
ب ـ استطاعت بدنی 25
ج ـ استطاعت طریقی. 26
د ـ استطاعت زمانی 27
استفتائات استطاعت 28
فصل سوم: نیابت در حج 31
شرایط نایب. 33
شرایط منوبٌ عنه 34
استفتائات نیابت 37
فصل چهارم: اعمال عمره‌ي تمتّع 40
اوّل: احرام 41
میقات های احرام عمره‌ی تمتّع 42
مسائل مربوط به میقات. 44
استفتائات میقات ها 46
واجبات احرام 48
اوّل ـ پوشیدن دو جامه‌ی احرام 48
دوم ـ نیت. 50
سوّم ـ لبّیك گفتن 52
استفتائات احرام 54
مستحبّات احرام. 55
مکروهات احرام 56
محرّمات احرام. 57
محرّمات اختصاصی مردان 59
1ـ پوشیدن لباس دوخته 59
2ـ پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد 60
3 ـ پوشاندن سر 61
4 ـ سایه بر سر قرار دادن 62
محرّمات اختصاصی زنان 63
1ـ پوشاندن صورت 63
2ـ پوشیدن دستکش. 64
محرّمات مشترک بین زن و مرد 65

1ـ استفاده از بوی خوش 65
2ـ نگاه در آینه 66
3 ـ استفاده از زینت 67
4ـ روغن مالیدن به بدن 68
5ـ زدودن مو از بدن 69
6ـ ناخن گرفتن 70
7ـ بیرون آوردن خون از بدن 71
8ـ فسوق 72
9ـ جدال (سوگند به لفظ جلاله) 73
10ـ کشتن حشرات ساکن بدن 74
11ـ کندن گیاه و درخت حرم 75
12ـ حمل سلاح 76
13ـ شکار حیوانات صحرایی 77
14ـ عقد ازدواج 78
15ـ آمیزش 79
16ـ استمناء (خودارضایی) 80
17 ـ فرو بردن سر در آب 81
احکام کفّارات 82
استفتائات محرّمات احرام 83
آداب و مستحبّات مکه‌ی مکرّمه 87
دوّم: طواف 88
شرایط طواف 89
شرط اوّل ـ نیت 90
شرط دوّم ـ طهارت از حَدَث اکبر و اصغر 91
شک در طهارت 93
شرط سوّم ـ پاك بودن بدن و لباس 94
شرط چهارم ـ ختنه بودن 95
شرط پنجم ـ پوشاندن عورت 96
شرط ششم ـ غصبی نبودن لباس طواف 97
شرط هفتم ـ موالات در طواف 98
واجبات طواف 99
احکام ترك طواف و شك در آن 101
استفتائات طواف 102
آداب و مستحبات طواف 105
سوّم: نماز طواف 106
آداب و مستحبات نماز طواف 107
طواف مستحب 108
استفتائات طواف مستحب 109
چهارم: سعی 110
استفتائات سعی 112
آداب و مستحبّات سعی 113
پنجم: تقصیر 115

احکام بین عمره‌ی تمتّع و حجّ تمتّع 116
استفتائات احکام بین عمره‌ی تمتّع و حج 117
فصل پنجم: اعمال حجّ تمتّع 119
اوّل: احرام 119
دوّم: وقوف در عرفات 120
آداب و مستحبات وقوف در عرفات 121
سوّم: وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه) 123
استفتائات وقوف در مشعرالحرام 124
آداب و مستحبّات وقوف به مشعرالحرام 125
چهارم: رمی جَمَره‌ی عقبه 126
استفتائات رمی جمرات 128
آداب و مستحبات رَمْی جمرات 129
پنجم: قربانی 130
استفتائات قربانی 132
ششم: تقصیر یا حلق 134
استفتائات تقصیر و حلق 136
هفتم: اعمال مکه مکرّمه 137
هشتم: بیتوته در مِنا 139
استفتائات بیتوته در منا 141
آداب و مستحبات در منا 143
نهم: رمی جمرات سه‌گانه 144
استفتائات رمی جمرات سه‌گانه 145
استفتائات خروج از مکه و منا 146
فصل ششم: عمره‌ی مفرده 147
استفتائات عمره‌ی مفرده 149
استفتائات متفرّقه 152
گلچینی از پیام ها و بیانات 157

مقدّمه: فضیلت و اهمّیت حج

حج در اصطلاح شرع مقدّس، مجموعه ای از مناسک خاص است که یکی از ارکان زیربنایی اسلام به شمار می آید، چنان که در روایتی از حضرت امام باقر [علیه السّلام] آمده است: «بُنِیَ الْإِسْلامُ عَلَی خَمْسٍ عَلَی الصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلایة»[۱] ؛ «اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت.»

حج خواه حجّ واجب باشد یا مستحب، فضیلت و پاداش فراوان دارد و از پیامبر اعظم و اهل بیت مطهّر آن حضرت [علیهم السلام] روایات بسیاری در فضیلت حج وارد شده است. امام صادق [علیه السّلام] میفرمایند: «الْحَاجُّ وَ الْمُعْتَمِرُ وَفْدُ اللَّهِ إِنْ سَأَلُوهُ أَعْطَاهُمْ وَ إِنْ دَعَوْهُ أَجَابَهُمْ وَ إِنْ شَفَعُوا شَفَّعَهُمْ وَ إِنْ سَکَتُوا ابْتَدَأَهُمْ وَ یعَوَّضُونَ بِالدِّرْهَمِ أَلْفَ أَلْفِ دِرْهَمٍ.»[۲] ؛ «حج گزاران و عمره گزاران، مهمان خدا هستند. اگر از خدا چیزی بخواهند به آنان عطا کند، اگر او را فراخوانند آنها را اجابت کند، اگر از کسی شفاعت کنند، شفاعت آنها را می پذیرد، اگر ساکت بمانند، خداوند خود (بدون درخواست) به آنان عطا می نماید و در ازای یک درهم (که در حج یاعمره هزینه کنند) ، یک میلیون درهم به آنان می دهد.«

حج، از مهمترین واجبات دینی و از ارکان شریعت اسلامی و فریضه ای بی مانند می باشد ؛ گویی همه ی جوانب مهمّ فردی و اجتماعی، و زمینی و آسمانی، و تاریخی و جهانیِ دین، قرار است در آن مرور شود. معنویّت در آن هست، ولی بدون انزوا و گوشه نشینی و خلوت گزینی. اجتماع در آن هست، ولی به دور از درگیری و بدگویی و بدخواهی. از سویی حظّ روحی از مناجات و ابتهال و ذکر الهی، و از سوی دیگر پیوند، اُنس و ارتباط مردمی. حاجی با یک چشم، پیوند دیرین خود با تاریخ ـ با ابراهیم و اسماعیل و هاجر، با رسول خدا در هنگام ورود پیروزمندانه به مسجدالحرام، و با خیل مؤمنان صدر اوّل ـ را مینگرد و با چشمی دیگر، انبوه مؤمنان هم روزگار خود را که هر کدام می توانند دستی برای همیاری و اعتصام جمعی به حبل الله باشند.

تدبّر و اندیشیدن در پدیده ی حج، حج گزار را به این باور قطعی می رساند که بسیاری از آرمانها و آرزوهای دین برای بشریّت، بدون هم افزایی و همدلی و همکاری مجموعه ی دین داران، به بار نمی نشیند، و با پیدایش این همدلی و همکاری، کید معاندان و دشمنان، مشکل مهمّی بر سر این راه پدید نمی آورد.

---

[۱]. وسائل الشیعه، ج۱، ص۱۳، باب۱، ح۱ .

[۲]. الکافی، ج۴، بَابُ فَضْلِ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ وَ ثَوَابِهِمَا، ص۲۵۵، ح۱۴.

وجوب حج و حکم ترک آن

م۱- حج از ضروریات دین است و وجوب آن با دلایل فراوان در کتاب و سنّت به اثبات رسیده است.

م۲- کسی که با دارا بودن شرایط و علم به وجوب حج، آن را ترک کند، گناه کبیره مرتکب شده است.

خداوند متعال در قرآن کریم میفرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيهِ سَبِيلًا وَمَنْ كفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِى عَنِ الْعَالَمِينَ» ؛ [1] «حج گزاردن بیت الله، برای خداوند، بر آنان که استطاعت دارند، واجب است و هر که کفر ورزد (و حج نگزارد) البتّه خداوند از جهانیان بی نیاز است.»

و از حضرت امام صادق [علیه السّلام] چنین روایت شده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلامِ وَ لَمْ يمْنَعْهُ مِنْ ذَلِکَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يمْنَعُهُ فَلْيمُتْ يهُودِياً أَوْ نَصْرَانِياً.»[۲] ؛ «هر که بمیرد و حج واجب نگزارده باشد، در حالی که نیازی ستوه آور یا بیماری سخت نداشته یا حاکمی او را از حج باز نداشته باشد، پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد.»

---

[1]. سوره ی آل عمران، بخشی از آیه ی ۹۷.

[۲]. تهذیب الاحکام، ج۵، بَابُ كيفِيةِ لُزُومِ فَرْضِ الْحَجِّ مِنَ الزَّمَانِ ، ص۱۷.

م۳ ـ حج و عمره دو نوع است: واجب و مستحب ؛ همچنین حجّ و عمره ای که انسان انجام می دهد یا برای خودش انجام می دهد یا از طرف دیگری و به نیابت از او، که آن را حجّ و عمره ی نیابتی می نامند.

م۴ ـ در شریعت اسلام بر هر شخص مستطیع واجب است یک بار در طول عمر حج به جا آورد که حَجّةالاسلام نامیده می شود. ممکن است وجوب حج به دلیل باطل شدن حج یا به جهت نذر و مانند آن نیز باشد.

م۵ ـ حج به سه نوع «تمتّع»، «إفراد» و «قِران» تقسیم می شود. نوع اوّل (تمتّع) ، بر افرادی واجب است که وطن آنها ۴۸ میل (تقریباً ۸۲ کیلومتر) از مکّه فاصله دارد. نوع دوّم و سوّم (إفراد و قِران) ، بر کسانی واجب می شود که ساکن مکّه اند یا محلّ اقامت آنان کمتر از مسافت یاد شده از مکّه فاصله دارد.

م۶ ـ حجّ تمتّع در برخی اعمال، با دو نوع دیگر حج تفاوت هایی دارد.

حجّ تمتّع، عبادتی است شامل دو بخش: عمره و حج.

بخش اوّل، عمره ی تمتّع است که مقدّم بر حج است و با آن فاصله ی زمانی ـ هر چند کم ـ دارد، در این فاصله حاجی از احرام خارج می شود و تا زمان مُحرم شدن برای حج، استفاده (تمتّع) از آنچه به خاطر احرام بر او حرام است، برایش حلال می شود ؛ به همین دلیل این نوع حج، حجّ تمتّع نامیده شده است.

بخش دوّم، حجّ تمتّع است که بعد از عمره انجام می شود و هر دو باید در یک سال انجام شوند ؛ بر خلاف حج إفراد و قِران که فقط مشتمل بر حج هستند و عمره عبادتی مستقل از آنها است و «عمره ی مفرده» نامیده می شود ؛ از این رو ممکن است عمره ی مفرده در یک سال و حجّ إفراد یا قِران در سال دیگر انجام شود.

م۷ ـ عمره ی تمتّع و عمره ی مفرده، احکام مشترکی دارند که در فصل چهارم خواهد آمد و تفاوت هایی دارند که در فصل ششم بیان می شود.

م۸ ـ عمره نیز مانند حج، گاهی واجب و گاهی مستحب است.

م۹ ـ عمره برای کسانی که از مکه دورند و وظیفه ی آنان عمره تمتّع و حجّ تمتّع است، در صورتی واجب می شود که برای عمره و حجّ تمتع استطاعت داشته باشند، زیرا حجّ تمتّع مرکب از دو عمل است و هر دو باید در یک سال انجام شود و استطاعت حج و عمره از هم جدا نیست، اما کسانی که در مکه یا در فاصله ی کمتر از ۴۸ میل به مکه هستند، اگر شرایط استطاعت را ـ که در مورد حج بیان می شود[۱]ـ داشته باشند، در تمام عمر یک بار عمره بر آنها واجب می شود و وجوب آن مانند وجوب حج، فوری است[۲] و در وجوب آن استطاعت برای حج معتبر نیست ؛ بلکه اگر فرد برای عمره مستطیع باشد، عمره بر او واجب است، هر چند برای حج مستطیع نباشد ؛ عکس آن نیز چنین است، یعنی اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد، ولی برای عمره مستطیع نباشد، باید حج را به جا آورد.

م۱۰ ـ بر شخص مکلّف جایز نیست بدون احرام وارد مکه ی مکرّمه شود و اگر در غیر موسم حج بخواهد وارد مکه شود، واجب است با احرام عمره ی مفرده وارد شود.

دو گروه از این حکم مستثنا هستند:

الف) کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد به مکه رفت و آمد کنند.

ب) کسانی که پس از اعمال حج یا عمره از مکه خارج شده اند و می خواهند در همان ماه قمری انجام حج یا عمره، دوباره وارد مکه شوند.

---

[۱]. مسئله ی ۲۷ به بعد.

[۲] . یعنی در اوّلین سال ممکن پس از استطاعت باید انجام دهد و تأخیر آن بدون عذر جایز نیست.

حجّ إفراد و قِران

م۱۱ ـ کیفیت حجّ إفراد مانند حجّ تمتّع است، با این تفاوت که میقات حجّ تمتّع مکه است و میقات حج إفراد میقات های پنج گانه ای است که بیان خواهد شد. میقات برای کسی که بین میقات ـ یا محاذی میقات ـ و مکه سکونت دارد، منزلش است و میقات کسی که در مکه است ادنی الحل می باشد و واجب نیست برای احرام به یکی از میقات ها برود ؛ همچنین قربانی در حجّ تمتّع واجب و در حجّ إفراد مستحب است.

م۱۲ ـ کیفیت حجّ قِران مانند حج إفراد است، با این تفاوت که در حجّ قِران باید در حال احرام بستن، قربانی همراه محرم باشد ؛ در این صورت قربانی بر او واجب است. همچنین در حجّ قِران، احرام هم با لبّیک گفتن محقق می شود و هم با اِشعار یا تقلید ؛[1] ولی در حجّ إفراد فقط با لبّیک گفتن محقق می شود.

---

[1]. اشعار یعنی مجروح و خون آلود کردن کوهان شتر تا معلوم باشد که برای قربانی حج است و تقلید یعنی نعلین یا نخی به گردن حیوان آویزان شود تا معلوم باشد حیوان برای قربانی حج است.

س۱- کسی که حجّ إفراد واجب یا مستحب به جا می آورد و پیش از آن بارها عمره به جا آورده است، آیا واجب است برای این حجّ إفراد، عمره ی دیگری به جا آورد؟

ج: عمره بر او واجب نیست، مگر در مواردی که حج از تمتّع به إفراد تبدیل شود.

س۲- کسی که برای حجّ إفراد مُحرم شده است، آیا می تواند قبل یا پس از تقدیم طواف و سعی، به جدّه یا محلّ دیگر برود و از آنجا به عرفات؟

ج: اگر بتواند وقوف عرفات و مشعر را درک کند، اشکال ندارد.

س۳- زنی که حجّ إفراد انجام می دهد آیا می تواند شب عید قربان بعد از رمی جمره ی عقبه تقصیر کند؟

ج: می تواند در مِنا تقصیر کند.

س۴- مقدار مسافت شرعی که ساکنان آن محدوده ، حجّ إفراد به جا می آورند، حدود ۸۲ کیلومتر است ؛ این فاصله از کجا تا کجا باید حساب شود؟

ج: آخر شهر محل سکونت تا ابتدای شهر مکه ملاک است.

ساختار حجّ تمتّع

م۱۳ ـ حجّ تمتّع مرکب از دو عمل است: عمره ی تمتّع و حجّ تمتّع. عمره ی تمتّع مقدّم بر حج است و هر یک از آن دو دارای اعمال مخصوصی است که به آنها اشاره می شود.

م۱۴ ـ اعمال عمره ی تمتّع عبارتند از:

۱. احرام

۲. طواف کعبه

۳. نماز طواف

۴. سعی

۵. تقصیر

م۱۵ ـ اعمال حجّ تمتّع عبارتند از:

۱. احرام

۲. وقوف در عرفات

۳. وقوف در مشعرالحرام

۴. زدن ریگ (رَمْی) به جَمَره ی عقبه

۵. قربانی

۶. تراشیدن سر یا تقصیر

۷. طواف حج

۸. نماز طواف

۹. سعی

۱۰. طواف نساء

۱۱. نماز طواف نساء

۱۲. بیتوته [۱] در مِنا

۱۳. زدن ریگ (رمی) به جمرات سه گانه

---

[۱] . بیتوته: حضور شبانه در یک محل.

م۱۶ ـ شرایط صحّت حجّ تمتّع ـ عمره ی تمتّع و حجّ تمتّع ـ عبارتند از:

اوّل: نیت ؛ یعنی زمانی که می خواهد برای عمره ی تمتّع مُحرم شود، قصد انجام حجّ تمتّع را داشته باشد، در غیر این صورت حجّ او صحیح نیست.

دوّم: عمره و حج، در ماه های حج انجام شوند.

سوّم: عمره و حج در یک سال انجام شوند.

چهارم: در «حج واجب» عمره و حج برای یک شخص باشد و توسّط یک شخص انجام شود.

م۱۷ ـ کسی که وظیفه اش حجّ تمتّع است نمی تواند بدون دلیل و عمداً به حجّ إفراد یا قران عدول کند.

م۱۸ ـ کسی که وظیفه ی اوّلیّه اش حجّ تمتّع است و قبل از احرام میداند به علّت تنگی وقت نمی تواند عمره را تمام کند و به حج برسد، واجب است به نیّت حجّ إفراد مُحرم شود و پس از اتمام حج، عمره ی مفرده انجام دهد و اگر بعد از احرام به عمره ی تمتّع، متوجّه شد نمی تواند عمره را تمام کند و به حج برسد، باید نیّت را به حجّ إفراد برگرداند و پس از اتمام حج، عمره ی مفرده انجام دهد.

م۱۹ ـ زنی که وظیفه اش حجّ تمتّع است، نسبت به عدول و عدم عدول به افراد چند صورت دارد:

الف ـ در میقات حائض است و احتمال می دهد قبل از تنگی وقت برای احرام حجّ تمتّع پاک شود و بتواند پس از غسل کردن اعمال عمره ی تمتّع را انجام دهد و پس از احرام حج، به وقوف در عرفات از اوّل ظهر روز عرفه برسد ؛ در این صورت می تواند به عمره ی تمتّع مُحرم شود، سپس اگر پاک شد و وقت کافی برای انجام اعمال عمره و رسیدن به وقوف عرفات از اوّل ظهر را داشت، باید اعمال عمره را انجام دهد و مُحرم به احرام حج شود و اگر پاک نشد یا پاک شد ولی وقت کافی برای انجام اعمال عمره نداشت، باید با همان احرام عمره ی تمتّع به حجّ إفراد عدول کند و پس از آن عمره ی مفرده انجام دهد، و این عمل از حجّ تمتّع کفایت می کند.

ب ـ در میقات حائض است و اطمینان دارد تا وقت احرام برای حج و رسیدن به وقوف عرفات پاک نمی شود یا اگر پاک شود وقت کافی برای انجام اعمال عمره و رسیدن به وقوف در عرفات از اوّل ظهر نخواهد داشت ؛ در این صورت باید در میقات به قصد مافی الذّمّه یا حجّ إفراد مُحرم شود و پس از اتمام حج، عمره ی مفرده انجام دهد و این عمل کافی از حجّ تمتّع است.[۱]

ج ـ در میقات پاک است و برای عمره ی تمتّع مُحرم می شود و در مسیر مکّه ی مکرّمه یا در مکّه

پیش از انجام طواف عمره و نماز یا در حال طواف پیش از اتمام دور چهارم، حائض می شود و تا وقتی که بتواند اعمال عمره را انجام دهد و به وقوف در عرفات از اوّل ظهر برسد، پاک نمی شود ؛ در این صورت مخیر است بین عدول به حجّ إفراد با همان احرام عمره ی تمتّع و پس از انجام حجّ إفراد، عمره ی مفرده انجام دهد و این عمل کفایت از حجّ تمتّع می کند و بین اینکه طواف عمره و نماز آن را رها کند و پس از انجام سعی و تقصیر و خروج از احرام عمره، مُحرم به احرام حج شود و پس از انجام وقوفین و اعمال مِنا، قبل یا بعد از طواف حج و نماز آن و سعی، طواف عمره و نماز آن را قضا کند و این عمل کفایت از حجّ تمتّع می کند و تکلیف دیگری ندارد.

د - صورت قبل، اگر پس از اتمام دور چهارم حائض شود، باید طواف و نماز آن را رها کند و از مسجدالحرام خارج شود و سعی و تقصیر را انجام دهد و از احرام عمره خارج شود و پس از درک وقوف عرفات و مشعر و اعمال مِنا و بازگشت به مکه، بعد از انجام طواف و نماز آن و سعی یا پیش از آن، طواف عمره و نماز آن را به طوری که در ذیل مسأله ۳۵۱ می آید تدارک کند. این عمل مجزی از حج تمتّع است و تکلیف دیگری ندارد.

---

[۱] . در صورت کشف خلاف، حکم آن در استفتائات نیت احرام می آید.

فصل دوم: حجّ واجب (حَجّة الاسلام)

م۲۰ ـ در آئین اسلام بر هر مکلّف مستطیع، در طول عمر یک بار حج واجب می شود، که حَجّة الاسلام نامیده می شود.

م۲۱ ـ وجوب حج فوری است ؛ یعنی در صورت تحقّق شرایط استطاعت باید در همان سال به حج برود و به تأخیر انداختن آن بدون عذر جایز نیست و اگر به تأخیر انداخت معصیت کرده است و حج بر عهده اش باقی است ـ هر چند استطاعت از بین برود ـ و واجب است در اوّلین سال امکان آن را به جا آورد.

م۲۲ ـ اگر انجام حج در سالی که استطاعت پیدا کرده است، مشروط به فراهم آوردن برخی مقدّمات ـ مانند سفر کردن و تهیه ی اسباب و امکانات آن ـ باشد، باید نسبت به آن اقدام کند، به گونه ای که مطمئن باشد در آن سال حج را درک می کند ؛ پس اگر کوتاهی کند و در نتیجه نتواند حج را به جا آورد، معصیت کرده و حج بر ذمّه ی او باقی می ماند و باید آن را ادا کند، هر چند شرایط استطاعت از بین برود.

م۲۳ ـ حَجّة الاسلام در صورت وجود شرایط زیر واجب می شود:

الف) عقل، ب) بلوغ، ج) استطاعت.

عقل و بلوغ

م۲۴ ـ شرط اوّل: عقل است ؛ بنابراین حج بر مجنون واجب نیست.

م۲۵ ـ شرط دوّم: بلوغ است ؛ بنابراین، حج بر غیر بالغ ـ هر چند نزدیک به بلوغ باشد ـ واجب نیست و اگر غیر بالغ حج انجام دهد گرچه حجّ او صحیح است، لیکن از حَجّة الاسلام کفایت نمی کند.

اگر غیر بالغِ مستطیع مُحرم شود و قبل از وقوف در مشعرالحرام بالغ شود، حجّ او از حجّةالاسلام کفایت می کند.

م۲۶ ـ اگر غیر بالغ یکی از مُحرّمات احرام را مرتکب شود، در صورتی که عمل حرام، شکار باشد، کفّاره ی آن بر عهده ی ولی او است، امّا در مورد محرّمات دیگر، پرداخت کفّاره واجب نیست، نه بر غیر بالغ و نه بر ولی او.

م۲۷ ـ بهای قربانی حجّ شخص نابالغ بر عهده ی ولی او است.

م۲۸ ـ در حجّ واجب، اذن شوهر برای زن و اذن والدین برای فرزند شرط نیست ؛ حتّی در صورت عدم رضایت شوهر یا والدین، واجب است به حج برود.

م۲۹ ـ شرط سوّم: استطاعت (توانایی بر انجام دادن حج) است ؛ که شامل چند امر است:

الف ـ استطاعت مالی

ب ـ استطاعت بدنی و جسمی

ج ـ استطاعت طریقی

د ـ استطاعت زمانی

تفصیل هر یک از این موارد بدین شرح است:

الف: استطاعت مالی

م۳۰ ـ برای تحقق استطاعت مالی موارد زیر باید تأمین باشد:

الف) هزینه ی رفت و برگشت و توشه ی سفر

ب) هزینه ی زندگی افراد تحت تکفل در زمان سفر

ج) ضروریات زندگی و آنچه در زندگی بدان نیاز دارد

د) برخورداری از زندگی متعارف پس از بازگشت (رجوع به کفایت) .

۱- هزینه ی رفت و برگشت و توشه ی سفر

م۳۱ ـ منظور از توشه ی سفر، چیزهایی است که در سفر بدان نیاز است ؛ مانند خوراک، نوشیدنی و دیگر لوازم و نیازهای سفر.

م۳۲ ـ بر کسی که توشه و هزینه ی رفت و برگشت ندارد و مالی هم برای تهیّه ی آنها ندارد، حج واجب نیست، هر چند بتواند با کسب و کار آنها را تهیه کند.

م۳۳ ـ داشتن عین لوازم سفر برای استطاعت شرط نیست ؛ بلکه اگر مکلّف، پول یا مالی داشته باشد که بتواند آنها را هزینه کند، کافی است و مستطیع است.

م۳۴ ـ کسی که از دیگری پولی به قدر استطاعت حج طلب دارد، در صورتی که می تواند آن طلب را که وقت ادای آن فرا رسیده یا شخص مدیون پیش از وقت، می تواند آن را بپردازد، باید آن را بگیرد و به حج برود.

م۳۵ـ زنی که مهریه اش برای مخارج حج کافی است و آن را از شوهر طلبکار است، در صورتی که شوهر توان پرداخت نداشته باشد، نمی تواند آن را مطالبه کند و مستطیع نیست ؛ ولی اگر شوهر توان پرداخت دارد و مطالبه ی مهر برای زن مفسده ندارد، واجب است مهریه را مطالبه کند و به حج رود. و اگر مطالبه ی مهریّه برای زن مفسده دارد مثل اینکه به نزاع و کشیده می شود، مطالبه ی مهریه واجب نبوده و مستطیع نیست.

م۳۶ ـ کسی که مخارج حج را ندارد ولی می تواند به آسانی آن مبلغ را از دیگری وام بگیرد و بعداً ادا کند واجب نیست که با گرفتن وام، خود را مستطیع کند. ولی اگر وام گرفت حج بر او واجب می شود.

م۳۷ ـ کسی که بدهکار است و غیر از مقدار لازم برای مخارج حج، مالی برای پرداخت بدهی ندارد،

اگر بدهی مدّت دار باشد و اطمینان داشته باشد که وقت ادای بدهی، توانایی پرداخت آن را دارد و نیز اگر وقت ادای بدهی فرارسیده باشد، ولی طلبکار به تأخیر پرداخت راضی است و بدهکار مطمئن است که وقت مطالبه می تواند بدهی را بپردازد، واجب است به حج برود ؛ در غیر این دو صورت حج واجب نیست.

م۳۸ ـ کسی که نیاز به ازدواج دارد به طوری که اگر ازدواج نکند به مشقت شدید دچار می شود و امکان ازدواج برای او هست، در صورتی حج بر او واجب می شود که علاوه بر مخارج حج، هزینه ازدواج را هم داشته باشد.

م۳۹ ـ اگر اجرت وسیله ی نقلیه در سال استطاعت بیش از حدّ متعارف باشد، در صورتی که توان پرداخت مازاد را بدون مشقّت شدید داشته باشد، واجب است آن را بپردازد و به حج برود و صِرف گرانی مانع استطاعت نیست ؛ ولی اگر توانایی پرداخت مازاد را ندارد یا پرداخت آن اجحاف بر او باشد، واجب نیست آن را بپردازد و مستطیع نیست و حکم خرید یا اجاره ی چیزهای دیگری که در سفر حج به آنها نیاز دارد نیز چنین است. همچنین اگر لازم باشد مال خود را به قدری کمتر از قیمت معمول بفروشد که موجب مشقّت زیاد باشد، واجب نیست بفروشد.

م۴۰ ـ ملاک استطاعت مالی برای حج، توانایی انجام آن به نحو متعارف بین مردم است و اگر کسی اعتقاد دارد که به این نحو استطاعت ندارد ولی احتمال می دهد که اگر تلاش کند بتواند راهی بیابد که با وضع مالی فعلی مستطیع شود، واجب نیست تلاش کند ؛ ولی اگر شک در استطاعت مالی داشته باشد واجب است وضعیت مالی خود را بررسی کند.

۲- هزینه ی زندگی افراد تحت تکفّل در زمان سفر

م۴۱ـ در تحقّق استطاعت مالی، شرط است که مخارج افراد تحت تکفّل را تا بازگشت از حج داشته باشد.

م۴۲ ـ افراد تحت تکفّل، کسانی اند که عرفاً عنوان عائله بر آنان صدق می کند، هر چند نفقه دادن به آنان واجب نباشد.

۳ـ ضروریات زندگی

م۴۳ ـ از شرایط وجوب حج بر مکلّف، دارا بودن ضروریات زندگی است و هر آنچه که عرفاً شایسته ی موقعیت او است و به آن نیاز دارد. امّا لازم نیست عین آنها موجود باشد، بلکه اگر پول یا چیزی که بتواند آن را صرف تأمین آنها کند، در اختیار داشته باشد، مستطیع است.

م۴۴ ـ شئون عرفی اشخاص متفاوت است. مثلاً کسی که داشتن خانه ی شخصی از ضروریات زندگی او است یا شأن عرفی او اقتضا می کند خانه داشته باشد و سکونت در منزل استیجاری،

سازمانی یا وقفی برای او مشقّت شدید دارد یا موجب وهن او است، برای تحقّق استطاعت او، داشتن خانه ی ملکی یا هزینه ی آن شرط است.

م۴۵ ـ اگر مالی داشته باشد که برای رفتن به حج کفایت کند، امّا برای نیاز ضروری مانند تهیه ی مسکن، علاج بیماری یا تأمین لوازم زندگی به آن احتیاج داشته باشد، مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست.

م۴۶ ـ کسی که ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم خانه، وسیله ی نقلیه و ابزار کار و مانند آن را بیشتر از شأن خود دارد، اگر فروش مقدار زائد موجب مشقت شدید یا وهن او نمی شود و قیمت حاصل از فروش آن برای مخارج حج کافی است یا آن را تکمیل می کند، باید مقدار زائد را بفروشد و به حج رود.

م۴۷ ـ اگر مکلّف مثلاً زمین بفروشد تا برای سکونت خانه بخرد، در صورتی که خانه نیاز ضروری یا عرفی او باشد، با گرفتن پول زمین مستطیع نمی شود، هر چند به مقدار مخارج حج یا مکمّل آن باشد.

م۴۸ ـ کسی که بعضی از اموالش از نیاز او خارج شده ـ مانند خودروی قدیمی که با خرید خودروی جدید به آن نیاز ندارد ـ و پول حاصل از فروش آن برای استطاعت یا تکمیل آن کافی است، با وجود شرایط دیگر، حج بر او واجب است.

۴ـ بهره مندی از زندگی متعارف پس از بازگشت (رجوع به کفایت)

م۴۹ ـ یکی از شرایط تحقّق استطاعت مالی، «رجوع به کفایت» است. یعنی بعد از بازگشت از حج، مال یا محلّ درآمدی مثل تجارت، زراعت، صنعت، اجاره ی مغازه و مانند آن داشته باشد، به طوری که برای زندگی مناسب با شأن عرفی خود و خانواده اش کافی باشد.

م۵۰ ـ کسی که پس از بازگشت از حج راه درآمدی ندارد، ولی می تواند با وجوه شرعی مانند خمس و زکات و امثال آن زندگی اش را اداره کند، حج بر او واجب است.

م۵۱ ـ رجوع به کفایت در استطاعت زن نیز شرط است ؛ بنابراین اگر زن شوهردار در حال حیات شوهر مستطیع شود، نفقه ای که شوهر به او میپردازد، برای تحقّق استطاعت کافی است. ولی زنی که شوهر ندارد، باید بعد از بازگشت از حج، مال یا درآمد کافی برای اداره ی زندگی مناسب با شأن عرفی داشته باشد. در غیر این صورت مستطیع نیست.

م۵۲ ـ اگر شخصی هزینه و لوازم سفر را نداشته باشد، ولی دیگری مخارج حجّ او را بدهد، مثل اینکه به او بگوید: حج به جا آور و هزینه ی آن بر عهده ی من، در این صورت حج بر او واجب می شود و باید آن را قبول کند. این حج را «حجّ بذلی» گویند. در حجّ بذلی رجوع به کفایت شرط نیست و لازم

نیست عین اسباب و لوازم مورد نیاز را داده باشد، بلکه پرداخت قیمت کافی است ؛ امّا اگر مال را به عنوان انجام حج به او ندهد، بلکه صرفاً مالی را که کافی برای حج است به او ببخشد، قبول آن واجب نیست، امّا اگر هدیه را بپذیرد در صورت دارا بودن رجوع به کفایت، حج واجب می شود.

م۵۳ ـ حجّ بذلی از حَجّةالاسلام کفایت می کند و در صورتی که در سالهای بعد مستطیع شود، واجب نیست حج به جا آورد.

م۵۴ ـ اگر کسی از طرف مؤسّسه یا شخصی برای انجام کاری به حج دعوت و مشرّف شود، در صورتی که در مقابل دعوت به حج متعهّد به انجام کاری است، حجّش حجّ بذلی نیست.

مسائل متفرّقه ی استطاعت مالی

م۵۵ ـ کسی که مستطیع است، نمی تواند بعد از رسیدن زمانی که باید مال را برای رفتن به حج صرف کند، خود را از استطاعت خارج کند ؛ بلکه بنا بر احتیاط واجب قبل از آن نیز نباید خود را از استطاعت خارج کند.

م۵۶ ـ در تحقّق استطاعت مالی شرط نیست که استطاعت در محلّ اقامت حاصل باشد، بلکه حصول آن در میقات نیز کافی است. بنابراین اگر در میقات استطاعت حاصل باشد حج واجب است و از حَجّةالاسلام کفایت می کند.

م۵۷ ـ کسی که با رسیدن به میقات قادر به انجام حج می شود، در صورتی مستطیع و حج بر او واجب است که بقیّه ی شرایط استطاعت مالی را دارا باشد ؛ پس اگر افرادی مانند خدمه ی کاروان مخارج افراد تحت تکفّل و ضروریات و لوازم زندگی مناسب شأن و رجوع به کفایت را دارا باشند، حج بر آنان واجب است و از حَجّةالاسلام کفایت می کند. در غیر این صورت حجّ آنان مستحبّی است و در صورتی که بعداً مستطیع شوند، واجب است حَجّةالاسلام را به جا آوردند.

م۵۸ ـ کسی که برای خدمت در حج با اجرتی که با آن مستطیع می شود اجیر شود، هر چند واجب نیست برای تحصیل استطاعت اجیر شود، امّا بعد از قبول اجاره، حج بر او واجب می شود، به شرط آنکه انجام مناسک حج مزاحم خدماتی که برای آن اجیر شده است نباشد، وگرنه با این اجرت در این سال مستطیع نمی شود.

م۵۹ ـ کسی که استطاعت مالی ندارد، اگر برای نیابت از دیگری اجیر شود و پس از عقد اجاره با مالی غیر از اجرت نیابت مستطیع شود، باید در آن سال حج را برای خود و در سال بعد حجّ نیابتی را انجام دهد، امّا اگر عقد اجاره برای همان سال بوده است، اجاره باطل است.

م۶۰ ـ اگر شخص مستطیع بر اثر غفلت یا عمداً قصد حجّ استحبابی کند ـ هر چند هدفش تمرین برای انجام هر چه بهتر مناسک در سال بعد باشد یا با اعتقاد به عدم استطاعت باشد ـ بعد معلوم شود

مستطیع بوده است، کفایت آن از حَجّةالاسلام محلّ اشکال است و بنا بر احتیاط واجب، باید در سال بعد حج را به جا آورد، مگر آنکه قصد داشته وظیفه ی فعلی را انجام دهد و خیال می کرده وظیفه ی فعلی اش حجّ استحبابی است، در این صورت از حجّة الاسلام کفایت می کند.

ب ـ استطاعت بدنی

م۶۱ ـ استطاعت بدنی، توانایی جسمی لازم برای رفتن به حج است. بنابراین بر بیمار و سالمندی که قدرت رفتن به حج را ندارد یا رفتن برایش مشقّت شدید دارد، حج واجب نیست.

م۶۲ ـ استطاعت بدنی باید تا زمان احرام باقی باشد ؛ بنابراین اگر کسی به قصد حج سفر کند ولی قبل از احرام، بیماری، او را از ادامه ی راه بازدارد، معلوم می شود استطاعت بدنی نداشته است و حج بر او واجب نیست و لازم نیست برای حج نایب بگیرد. ولی اگر حج از قبل بر او مستقر شده است، در صورتی که از بهبودی و توانایی انجام حج بدون مشقّت شدید ، هر چند در سال های آینده، ناامید باشد، باید نایب بگیرد ؛ ولی اگر امید به بهبودی و انجام حج هر چند در سال های آینده داشته باشد، خودش باید در اوّلین سال ممکن به حج برود. امّا اگر پس از احرام بیمار شود، احکام خاصّ خود را دارد.

ج ـ استطاعت طریقی

م۶۳ ـ استطاعت طریقی، یعنی راه برای رفتن به حج باز و امن باشد ؛ کسی که راه بر او بسته است، و نمی تواند به میقات برسد یا اعمال حج را تکمیل کند و نیز کسی که راه برایش باز است ولی امن نیست، مانند آنکه در راه، جان یا بدن یا آبرو یا مال او تهدید شود، حج بر او واجب نیست.

م۶۴ ـ کسی که استطاعت مالی دارد و رفتن به حج متوقف بر ثبت نام در قرعه کشی است، اگر احتمال می دهد در همان سال قرعه به نامش بیفتد بنا بر احتیاط واجب باید ثبت نام کند و اگر قرعه به نامش درنیامد، مستطیع نیست و حج بر او واجب نیست ؛ امّا اگر رفتن به حج در سالهای آینده مشروط به حضورش در نوبت باشد، بنا بر احتیاط واجب باید استطاعت را حفظ کند و در نوبت باقی بماند تا به حج مشرّف شود.

م۶۵ ـ کسی که برای حج ثبت نام کرده و نوبت حج او سالهای آینده است اگر جلو انداختن نوبت، مستلزم از بین رفتن حقوق دیگران و مخالف مقررات دولت اسلامی نباشد واجب است.

م۶۶ ـ سفر زن برای ادای حج واجب وابسته به اجازه ی شوهر نیست و شوهر نمی تواند او را از سفر حج واجب باز دارد.

د ـ استطاعت زمانی

م۶۷ ـ استطاعت زمانی یعنی استطاعت در زمانی حاصل شود که انسان فرصت کافی برای رسیدن به حج در ایام مخصوص را داشته باشد ؛ بنابراین کسی که استطاعت او در زمانی حاصل شده که به سبب تنگی وقت نمی تواند به حج برسد یا برایش مشقّت شدید دارد، حج در آن سال بر او واجب نیست.

س۵- کسی که از وجوه شرعی نظیر خمس و زکات استفاده می کند، اگر از خمس یا زکات اضافه آید که به قدر مخارج حج باشد، آیا با وجود سایر شرایط، مستطیع است یا نه؟

ج: اگر استحقاق دریافت را به وجه شرعی داشته است، مستطیع است.

س۶- با توجّه به اینکه موقع اعزام زائران به حج، معاینات پزشکی انجام می شود و کسانی که توانایی جسمی ندارند پذیرفته نمی شوند، آیا مردودین معاینات پزشکی که تاکنون هم راه برای آنان باز نبوده، استطاعتشان محقّق نمی شود؟

ج: در این صورت استطاعت ندارند. ولی اگر امید به خوب شدن دارند بنابر احتیاط واجب خود را از استطاعت مالی خارج نکنند.

س۷- در مورد مهریّه ی مدّت دار، که بر زوج لازم است در صورت توان بپردازد، اگر زوجه مطالبه نکند، زوج مستطیع است یا پرداخت مهریّه مقدّم است؟

ج: پرداخت مهریه بدون مطالبه ی زوجه، واجب نیست و در صورتی که هنگام مطالبه بتواند به سهولت مهریّه را پرداخت کند انجام حج مقدّم است.

س۸- آیا با پس انداز پول در مدّت چندین ماه، شخص مستطیع می شود؟ بویژه زمانی که بداند جز از این طریق، مستطیع نخواهد شد.

ج: ایجاد استطاعت از این طریق واجب نیست، امّا اگر به قدر هزینه ی حَجّةالاسلام پس انداز کند، در صورت تحقق بقیّه ی شرایط استطاعت، مستطیع می شود.

س۹- آیا دیدار پدر و مادر یک ضرورت اجتماعی یا شرعی یا شخصی به شمار می آید؟ و اگر چنین است، آیا شخص مستطیع می تواند حج را به تأخیر اندازد و مال را برای این کار هزینه کند؟ با فرض اینکه لازمه ی دیدار پدر و مادر، انجام سفر و مانند آن باشد.

ج: اگر مستطیع است، واجب است حج به جا آورد و جایز نیست حتّی با صله ی رحم، خود را از استطاعت خارج کند ؛ صله ی رحم منحصر به دیدار حضوری نیست، بلکه می توان نامه نوشت یا تماس تلفنی گرفت ؛ ولی اگر دیدار والدین در شهر دیگر برحسب حال آنان یا خودش، لازم باشد و از نیازهای عرفی او محسوب شود و مال کافی برای هر دو ـ دیدار و حج ـ نداشته باشد، در این صورت مستطیع نیست.

س۱۰- اگر زنی که به نوزاد خود شیر می دهد، مستطیع شود، چنانچه رفتن او به حج برای کودک شیرخوارش ضرر داشته باشد، آیا می تواند به حج نرود؟

ج: اگر ضرر به گونه ای باشد که شیردهنده باید کنار کودک باشد یا شیردهنده با رفتن به حج، خودش دچار مشقت شدید شود، حج بر او واجب نیست.

س۱۱- اگر قیمت زیورآلات زن برای استطاعت کافی باشد، آیا باید آنها را بفروشد و به حج مشرّف شود؟

ج: اگر به زیورآلات نیاز داشته باشد و اضافه بر شأن او نباشد، مستطیع نیست و واجب نیست آنها را برای هزینه ی سفر حج بفروشد.

س۱۲- اگر زن برای حج مستطیع باشد، اما شوهرش به او اجازه ندهد، زن چه وظیفه ای دارد؟

ج: اجازه ی شوهر برای انجام حج واجب شرط نیست، اما اگر رفتن زن به حج بدون کسب اجازه ی شوهر، موجب مشقت شدید برای زن شود، مستطیع نخواهد بود و حج بر او واجب نیست.

س۱۳- شوهرم هنگام عقد ازدواج به من قول داده که مرا به حج ببرد ؛ آیا حج بر من واجب شده است؟

ج: با وعده و قول، حج واجب نمی شود.

س۱۴- آیا جایز است انسان در نیازهای ضروری زندگی بر خود سخت بگیرد تا برای حج، استطاعت کسب کند؟

ج: جایز است، امّا شرعاً واجب نیست ؛ البتّه جایز بودن تنها در مورد خود انسان است، امّا سخت گرفتن بیش از حدّ متعارف بر خانواده ـ که نفقه ی آنها واجب است ـ جایز نیست.

س۱۵- من در گذشته چندان به مسائل دینی پایبند نبودم و اموالی داشتم که برای انجام سفر حج کافی بود (مستطیع بودم) ، امّا به سبب شرایطی که در آن دوره داشتم، به حج نرفتم. در حال حاضر وظیفه ی من چیست؟ البته اکنون مبلغ کافی برای رفتن به حج در اختیار ندارم ؛ از طرفی برای این کار دو روش وجود دارد ؛ ثبت نام در سازمان حج و دیگری با صرف هزینه ی بیشتر. آیا ثبت نام در سازمان حج کفایت می کند؟

ج: اگر در گذشته تمام شرایط استطاعت شرعی را داشته اید، حج بر عهده ی شما قرار گرفته است و باید به هر روش ممکن و مشروع، آن را به جا آورید ؛ البتّه در صورتی که به مشقت شدید دچار نشوید، امّا اگر در گذشته از تمام جهات مستطیع نبوده اید، حج بر شما واجب نیست.

س۱۶- آیا خوف جانی، مانع حصول استطاعت می شود؟

ج: اگر خوف خطر جانی عقلایی نباشد، مانع حصول استطاعت نیست.

س۱۷- اگر تشرّف به حج با فیش میّت با اجازه ی ورثه ممکن باشد، آیا اجازه گرفتن به عنوان مقدّمه ی واجب ـ مثل ثبت نام ـ واجب است؟ اگر بدون اجازه با همان فیش به حج رود، با فرض تحقق بقیّه ی شرایط استطاعت، حج صحیح است و از حجّةالاسلام کفایت می کند؟

ج: اجازه گرفتن واجب نیست، امّا برای استفاده از فیش میت اجازه ی ورثه لازم است و اگر بدون اجازه از آن استفاده کند، اگر از میقات به بعد هم استطاعت از ناحیه ی فیش باشد، حجّ او حَجّة الاسلام محسوب نمی شود ولی اگر از میقات به بعد، بدون توجّه به فیش، شرایط استطاعت را داشته باشد حجّ او از حَجّة الاسلام کفایت می کند.

م۶۸ ـ کسی که حج بر او مستقر شده است[۱] ، اگر بر اثر پیری یا بیماری قدرت رفتن به حج را ندارد یا برای او مشقّت شدید دارد و امیدی به بهبودی و توان انجام حج بدون مشقّت را هر چند در سالهای آینده، ندارد، واجب است نایب بگیرد ؛ ولی کسی که حج بر او مستقر نشده است، واجب نیست نایب بگیرد.

م۶۹ ـ بعد از انجام اعمال توسّط نایب، حج از منوبٌ عنه معذور ساقط می شود، اگرچه بعداً عذرش برطرف شود و لازم نیست خودش حج به جا آورد ؛ ولی اگر در حال انجام حج توسّط نایب، عذر برطرف شود، حجّ نایب برایش کفایت نمی کند و واجب است خودش در اوّلین فرصت حج را اعاده کند.

م۷۰ ـ اگر کسی که حج بر او مستقر شده است بین راه فوت کند، اگر فوت او بعد از احرام و ورود در حرم باشد، از حَجّةالاسلام کفایت می کند ؛ ولی اگر قبل از احرام فوت کند، حج بر ذمّه اش باقی است و باید برایش نایب بگیرند ؛ و کسی که بعد از احرام و قبل از ورود در حرم فوت کند، بنا بر احتیاط واجب از حَجّةالاسلام کفایت نمی کند.

م۷۱ ـ کسی که حج بر او مستقر شده و قبل از انجام حج فوت کند، اگر ارثی که برای انجام حج کافی است از خود باقی گذاشته باشد، ورثه باید از اصل مال برایش نایب بگیرند، مگر آنکه وصیت کرده باشد مخارج حج از ثلث پرداخت شود، که در این صورت عمل به آن بر وصیّتهای مستحب اولویت دارد و اگر ثلث مال برای انجام حج کافی نباشد، کمبود آن از اصل مال برداشته می شود.

م۷۲ ـ در مواردی که باید برای حج نایب گرفته شود، منوبٌ عنه زنده باشد یا نه، باید در اوّلین سال ممکن انجام شود.

م۷۳ ـ انسان می تواند از میقات برای خود نایب بگیرد ؛ همچنین ورثه می توانند برای میّت از میقات نایب بگیرند، امّا اگر نایب گرفتن فقط از وطن میّت یا شهر دیگری ممکن باشد، ورثه باید از همان جا نایب بگیرند و نیز اگر میّت بر انجام حجّ بلدی وصیّت کرده باشد [۲] ، باید به وصیّت عمل شود و هزینه ی افزون بر حجّ میقاتی از ثلث محاسبه شود.

م۷۴ ـ اگر کسی وصیت کند برای او حجّ مستحب به جا آورند، هزینه ی آن از ثلث محاسبه می شود.

م۷۵ ـ هر گاه ورثه یا وصی بدانند حج بر میت مستقر شده است و در انجام آن شک داشته باشند، باید از طرف او حج به جا آورند ؛ ولی اگر علم به وجوب و استقرار حج نداشته باشند و میت هم وصیت نکرده باشد، تکلیفی ندارند.

م۷۶ ـ اگر برای میّت دو نفر اجیر شوند که یکی از آن دو عمره ی تمتّع و دیگری حجّ تمتّع به جا

آورد، صحیح نیست.

م۷۷ ـ اگر بر میت حج مستقر نشده و وصیتی نداشته باشد بر وارثان او چیزی واجب نیست و چنانچه برای حج ثبت نام کرده باشد، فیش حج او جزو ترکه ی او به حساب می آید و حکم سایر اموال وی را دارد.

م۷۸ ـ کسی که برای حج ثبت نام کرده اگر پیش از عزیمت به حج از دنیا برود و استطاعت برای او حاصل نشده باشد بر وارثان واجب نیست که به نیابت او حج به جای آورند.

---

[۱] یعنی قبلا حج بر او واجب شده و در انجام آن کوتاهی کرده است.

[۲] . یعنی وصیّت کرده از شهر خودش حج را انجام دهند.

شرایط نایب

م۷۹ ـ کسی که برای حج نایب می شود باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. بالغ باشد بنا بر احتیاط واجب

۲. عاقل باشد

۳. مورد وثوق و اطمینان باشد که اعمال حج را به جا می آورد.

۴. شیعه باشد بنا بر احتیاط واجب.

۵. به اعمال و احکام حج آشنا باشد یا در هنگام حج گزاردن با راهنمایی روحانی کاروان یا کتاب مناسک آن را فرا بگیرد و به هر حال اگر پس از حج ثابت شد که اعمال را درست انجام داده کفایت می کند.

۶. در آن سال، حج واجب بر عهده ی خودش نباشد. اگر نایب نداند که بر خود او حج واجب است صحت حج نیابی بعید نیست.

۷. توانایی انجام دادن اعمال حج را به صورت کامل داشته باشد. یعنی به سبب عذری مجاز به ترک بعضی از اعمال حج نباشد. پس اگر مثلاً به هیچ وجه قادر بر قرائت صحیح در نماز طواف نباشد نیابتش درست نیست و اگر می تواند قرائت صحیح را فرا بگیرد بر او واجب است که فرا بگیرد.

م۸۰ - بعد از آنکه روشن شد نایب، حج را به جا آورده است، کسب اطمینان از صحّت عمل لازم نیست و عمل او حمل بر صحّت می شود.

شرایط منوبٌ عنه

م۸۱- منوبٌعنه [۱] باید شرایط زیر را داشته باشد:

۱. مسلمان باشد ؛ پس انجام حج به نیابت از کافر صحیح نیست.

۲. نیابت در حجّ واجب در صورتی صحیح است که منوبٌعنه فوت شده باشد یا در اثر پیری یا بیماری، حتّی در سال های آینده، توان انجام حج را بدون مشقّت شدید نداشته باشد ؛ ولی نیابت در حجّ مستحبّی مطلقاً جایز است.

احکام نیابت

م۸۲- عقل و بلوغ در منوبٌ عنه شرط نیست.

م۸۳- نیابت مرد از زن و زن از مرد صحیح است.

م۸۴- نیابت صروره ـ کسی که تاکنون حج به جا نیاورده است ـ از صروره و غیر صروره جایز است ؛ نایب یا منوبٌ عنه مرد باشد یا زن.

م۸۵- قصد نیابت و تعیین منوبٌ عنه، هر چند به طور اجمال، در حجّ نیابی شرط است، ولی لازم نیست به زبان آورده شود.

م۸۶- اجیر کردن کسی که وظیفه اش به سبب کمی وقت، عدول به حجّ إفراد است، صحیح نیست ؛ امّا اگر نایب در وسعت وقت اجیر شود سپس اتّفاقاً وقت تنگ شود، واجب است به نیّت حج إفراد محرم شود یا به حج إفراد عدول کند و عمل او از حجّ تمتّع منوبٌ عنه کفایت می کند و حقّ دریافت اجرت دارد.

م۸۷- اگر کسی با اجرت معین برای انجام حج اجیر شود و مقدار اجرت از هزینه های حج کمتر باشد، واجب نیست اجیرکننده آن را تکمیل کند ؛ یا اگر از مبلغ پرداختی چیزی باقی بماند، حق ندارد مقدار باقیمانده را پس بگیرد.

م۸۸- در مواردی که حجّ نایب از منوبٌ عنه کفایت نمی کند، در صورتی که برای انجام حج در همان سال اجیر شده باشد، واجب است اجرت را به اجیرکننده برگرداند ؛ در غیر این صورت باید در سالهای بعد حج را تکرار کند.

م۸۹- کسی که از انجام برخی از اعمال حج معذور است، نمی تواند برای حج نایب شود. معذور کسی است که نتواند اعمال اختیاری حج مانند لبیک گفتن، راه رفتن با پای خود در طواف و سعی،

نماز طواف به نحو صحیح، رمی جمرات به دست خودش، وقوف در عرفات و مشعر در وقت مقرّر و بیتوته در منا را انجام دهد، به طوری که به نقص بعضی از اعمال حج بیانجامد ؛ ولی اگر منجر به نقص عمل نشود و فقط در انجام بعضی از محرّمات احرام معذور باشد، نیابت او صحیح است.

م۹۰- اگر نایب در اثنای حجّ نیابی معذور شود، به طوری که به نقص در اعمال منجر شود، بعید نیست اجاره باطل شود و احتیاط واجب آن است که حج برای منوبٌ عنه اعاده شود و بین نایب و منوبٌ عنه در مورد اجرت، مصالحه شود.

م۹۱- نیابت کسانی که از وقوف اختیاری در مشعرالحرام معذورند، صحیح نیست و اگر نایب شوند، مستحقّ دریافت اجرت نیستند[۲] ؛ مانند خدمه ی کاروانها که باید با افراد ناتوان همراهی کنند یا برای انجام برخی از کارهای خدماتی کاروان قبل از طلوع فجر از مشعر به منا بروند و در صورتی که این افراد برای انجام حجّ نیابی اجیر شوند، باید وقوف اختیاری را درک کنند و حج را به جا آورند.

م۹۲- در اینکه حجّ نایب معذور کفایت نمی کند، فرقی نیست بین اینکه نایب، اجیر باشد یا نیابت مجّانی انجام دهد ؛ و نیز فرقی نیست بین اینکه نایب جاهل به عذر باشد یا نایب گیرنده ؛ همچنین فرقی نیست بین اینکه نایب جاهل باشد به اینکه آن عذر از عذرهایی است که نیابت با آن صحیح نیست، یا نایب گیرنده، مانند جهل به اینکه نایب نمی تواند به وقوف اضطراری در مشعرالحرام اکتفا کند.

م۹۳- نایب در به جا آوردن حج باید مطابق فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

م۹۴- اگر نایب پس از احرام و ورود به حرم بمیرد، حج از عهده ی منوبٌ عنه ساقط می شود ؛ امّا اگر بعد از احرام و پیش از ورود به حرم بمیرد، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست و تفاوتی ندارد که نیابت مجّانی باشد یا با اجرت، برای حَجّة الاسلام باشد یا حجّ واجب دیگر.

م۹۵- اگر نایب پس از احرام و ورود به حرم فوت کند، در صورتی که برای انجام تکلیف منوبٌ عنه نایب شده باشد ـ همچنان که ظاهر قرارداد اجاره مطلق است ـ مستحقّ تمام اجرت است و باید به ورثه اش پرداخت شود.

م۹۶- کسی که به نیابت از دیگری به حج رفته است، در صورتی که برای خودش حَجّةالاسلام به جا نیاورده باشد، احتیاط مستحب آن است که بعد از اعمال حج، اگر می تواند تا زمانی که در مکّه است، برای خودش عمره ی مفرده به جا آورد.

م۹۷- نایب می تواند بعد از انجام نیابت، برای خود یا دیگری، طواف کند یا عمره ی مفرده به جا آورد.

م۹۸- همان طور که بنا بر احتیاط واجب ایمان - شیعه بودن - در اصل نیابت شرط است، در اعمالی

هم که نیابت در آنها جایز است، مانند طواف، سنگ زدن و قربانی [۳] ، بنا بر احتیاط واجب شرط است.

م۹۹- واجب است نایب اعمال حج و طواف نساء را به قصد نیابت از منوبٌ عنه به جا آورد.

---

1. کسی که به نیابت از او حج انجام می شود.

[۲] . بانوان، معذور حساب نمی شوند و نیابت آنها اشکال ندارد.

[۳] . درباره ی شرط ایمان در قربانی رجوع شود به مسئله ی ۴۱۱.

استفتائات نیابت

س۱۸- شخصی در مدینه ی منوّره، دیگری را اجیر می کند برای پدرش حجّ میقاتی انجام دهد ولی مشخّص نکرده از مسجد شجره مُحرم شود یا میقات های دیگر ؛ آیا اجیر می تواند از مسجد شجره به نیت عمرهی مفرده مُحرم شود و پس از آن به جحفه یا قرن المنازل برود و برای عمره ی تمتّع استیجاری محرم شود؟

ج: بله می تواند در مسجد شجره برای عمره ی مفرده مُحرم و پس از آن برای حجّ نیابتی در یکی از میقات های پنج گانه مُحرم شود، مگر آنکه اجیر گرفتن در مدینه قرینه باشد که باید از مسجد شجره مُحرم شود.

س۱۹- کسی ثبت نام کرده و وصیت کرده پسرش با فیش او به مکه رود و به نیابت از پدر حج انجام دهد ؛ بعد از فوت پدر فرزند استطاعت مالی پیدا کرده ولی رفتن به حج فقط با فیش پدر برای او ممکن است ؛ آیا با استفاده از فیش و رسیدن به میقات باید به نیابت از پدر حج انجام دهد یا برای خودش؟

ج: اگر هزینه ی زائد بر حجّ میقاتی بیش از ثلث نباشد یا ورثه مقدار زائد بر ثلث را اجازه داده باشند باید به نیابت از پدر حج انجام دهد.

س۲۰- در مسئله ی قبل اگر میّت وصیت نکرده باشد و ورثه فیش را به یکی از فرزندان که استطاعت مالی پیدا کرده است، بدهند که به نیابت از پدر به حج برود، آیا پسر با رسیدن به میقات، باید حج را به نیابت از پدر به جا آورد یا خودش مستطیع می شود و باید برای خودش حج به جا آورد؟

ج: در این فرض هم که با فیش پدر راه حج باز می شود حجّ نیابی مقدّم است.

س۲۱- در دو مسئله ی قبل اگر وظیفه ی او حج به نیابت پدر است، چنانچه حج را برای خودش به جا آورد کفایت از حجّة الاسلام می کند؟

ج: کفایت از حجّة الاسلام محلّ اشکال است.

س۲۲- کسی که پدرش مستطیع بوده و فوت شده است و با فیش او به قصد حج برای پدر حرکت کرده و به میقات رسیده و در آنجا خودش هم مستطیع است، چه کند؟ توضیح آنکه نه وصیتی بوده و نه از او خواسته شده نیابت کند ؛ مثلاً وارث منحصر به او است و راه برای او باز نبوده، مگر به این طور.

ج: باید برای خودش حج به جا آورد و برای پدر نایب بگیرد.

س۲۳- فردی که نایب شده بعضی از اعمال حج را انجام دهد ـ مثل طواف، رمی جمرات، قربانی ـ

آیا لازم است مُحرم باشد؟

ج: لازم نیست.

س۲۴- حکم کسی که هنگام احرام در میقات نیت نیابت از فرد مشخّصی می کند، ولی هنگام انجام اعمال، عمداً یا در اثر فراموشی، از طرف افراد دیگری نیت می کند حکمش چیست؟

ج: مجزی نیست و واجب است نایب همان گونه که هنگام احرام نیت کرده، اعمال نیابی را انجام دهد.

س۲۵- کسی که در اعمال عمره یا حج یا خصوص طواف اجیر است، آیا می تواند به نیابت از شخص دیگری - رایگان یا اجاره ای - قرآن تلاوت کند؟

ج: اشکال ندارد.

س۲۶- اگر نایب عمداً رمی جمرات در روز را ترک کند، نیابت او چه حکمی دارد؟

ج: رمی جمرات از مناسک است، اگر آن را به نحو صحیح انجام ندهد صحّت نیابتش اشکال دارد ؛ مخصوصاً اگر در ایام تشریق جبران نکند.

س۲۷- اگر قبل از تمام شدن عمل نایب، عذر منوبٌ عنه برطرف شود، آیا حجّ نایب کفایت می کند؟

ج: کفایت نمی کند.

س۲۸- چنانچه اجاره مطلق باشد ـ نه بر تفریغ ذمّه و نه بر اعمال ـ و اجیر بعد از احرام و دخول حرم بمیرد آیا مستحقّ تمام اجرت است یا تقسیط می شود؟

ج: اگر اجاره برای تفریغ ذمّه ی منوبٌ عنه باشد که ظاهر حال در اجاره ی حج همین است، مستحقّ تمام اجرت است.

س۲۹- نایب در مقداری از وقت توان انجام عمل نیابی را داشته و با وجود وسعت وقت، انجام نداده است ؛ حال اگر انجام عمل غیر ممکن شود، مثلاً قبل از ظهر دوازدهم می توانسته رمی جمرات کند، ولی تأخیر انداخته و بعد از ظهر به خاطر ازدحام یا مریضی یا دلیل دیگری نتوانسته انجام دهد، یا اعمال مکه را چند روزی به تأخیر انداخته، پس از آن به خاطر مریضی یا دلیل دیگری نتوانسته انجام دهد، نیابت وی چه حکمی دارد؟

ج: اگر اجاره برای همین سال است بنا بر احتیاط واجب باطل است و احتیاط بیشتر این است که برای عمل فوت شده، نایب بگیرد و در مورد اجرت با اجیر کننده مصالحه کند و اگر اجاره برای سال معینی نیست بنا بر احتیاط واجب باید حجّ نیابی را در سال بعد به جا آورد.

س۳۰- نایب میداند برای حجّ تمتّع اجیر شده، امّا نمی داند برای حجّة الاسلام نایب شده یا حجّ نذری

یا حجّ مستحب ؛ اگر نیت کند «حجّ تمتّع برای منوبٌ عنه» یا «حجّی که برای آن اجیر شده ام» کافی و صحیح است؟

ج: قصد اجمالی حجّی که برای آن نایب شده، مجزی است.

س۳۱- افرادی که لازم است همراه زنان و ناتوانان نیمه شب عید به منا کوچ کنند، در صورتی که بدانند می توانند برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند، آیا می توانند حجّ نیابتی انجام دهند؟

ج: در صورتی که برگردد و وقوف بین الطلوعین را درک کند، نیابت اشکال ندارد.

فصل چهارم: اعمال عمره ی تمتّع

۱۰۰ م ـ اعمال عمره تمتع عبارت است از:

1. احرام
2. طواف
3. نماز طواف
4. سعی
5. تقصیر

شرح هر یک از این اعمال به ترتیب گفته خواهد شد.

اوّل: احرام

م۱۰۱- احرام، اولین عملی است که در عمره باید بجا بیاورند ؛ یعنی که مسافر حج در یکی از چند مکانی که به آن «میقات» می گویند نیت عمره می کند و لباس احرام می پوشد و ذکر مخصوص را بر زبان جاری می کند و بنا را بر این میگذارد که تا آخر اعمال عمره را به جا آورد.

م۱۰۲- مسائل مربوط به احرام عمره ی تمتّع در پنج بخش بیان می شود:

۱. میقات های احرام

۲. واجبات احرام

۳. مستحبّات احرام

۴. مکروهات احرام

۵. محرّمات در حال احرام.

م۱۰۳- مکانی که احرام باید در آن صورت گیرد میقات نامیده می شود. برای احرام عمره تمتع چند میقات است و مسافرانی که از مسیرهای گوناگون به سمت مکه می آیند هر کدام میقات معینی دارند که باید در آن ، احرام ببندند.[۱]

۱ـ مسجد شجره

م۱۰۴ ـ مسجد شجره در منطقه ی ذوالحلیفه، نزدیک مدینه ی منوّره است و میقات کسانی است که از راه مدینه به مکه میروند.

م۱۰۵ ـ تأخیر احرام از مسجد شجره به جُحفه جایز نیست، مگر در صورت ضرورت، مانند بیماری، ضعف و عذرهای دیگر.

م۱۰۶ ـ احرام بستن، بیرون مسجد شجره صحیح نیست، ولی در همه ی قسمتهای مسجد حتّی قسمتهای توسعه یافته و جدید آن صحیح است.

م۱۰۷ ـ زنی که حائض است، می تواند در حال عبور از مسجد، اگر ناچار به توقّف در مسجد نشود، مُحرم شود، ولی اگر به هر دلیل مجبور به توقّف باشد و نتواند تا برطرف شدن عذر، احرام را به تأخیر بیندازد، باید از میقات بعدی یعنی جُحفه یا مُحاذات آن مُحرم شود یا با نذر از محلّی قبل از میقات ـ مانند مدینه ـ مُحرم شود.

م۱۰۸ ـ در صحّت نذر زن برای احرام پیش از میقات، در صورتی که شوهرش غایب باشد و دسترسی به او آسان نباشد، اذن شوهر شرط نیست ؛ ولی اگر حضور داشته باشد یا دسترسی به او آسان باشد، احتیاط واجب آن است که اذن بگیرد و اگر بدون اذن شوهر نذر کند، نذر منعقد نمی شود.

۲ـ وادی عقیق

م۱۰۹ ـ وادی عقیق میقات مردم عراق، نَجد و کسانی است که برای انجام عمره از این وادی عبور می کنند و احرام در همه ی قسمت های آن صحیح است.

۳ـ جُحفه

م۱۱۰ ـ جُحفه میقات اهل شام، مصر، مغرب و همه ی کسانی است که برای انجام عمره از آنجا عبور می کنند ؛ احرام داخل مسجد یا بیرون آن در سایر مواضع جُحفه صحیح است.

۴ـ یلَمْلَم

م۱۱۱ ـ یلَملَم ـ کوهی در جنوب مکه ی مکرّمه ـ میقات مردم یمن و کسانی است که برای انجام عمره از آنجا عبور می کنند.

۵ـ قَرنُ المَنازل

م۱۱۲ ـ قَرنُ المنازل میقات مردم طائف و کسانی است که برای انجام عمره از آنجا عبور می کنند. احرام داخل مسجد و بیرون آن صحیح است.

۶ـ منزل

م۱۱۳ ـ منزل مکلّف، میقات کسی است که منزلش حد فاصل بین میقات یا محاذات میقات، و مکه واقع شده است ؛ بر چنین شخصی واجب نیست برای احرام به یکی از میقات ها برود.[۲]

مُحاذات میقات های پنج گانه

م۱۱۴ ـ هرگاه فردی از راهی برود که به هیچ یک از میقات ها عبورش نیفتد و به مکانی برسد که محاذی یکی از میقات ها است، باید از محاذات میقات محرم شود. محاذات یعنی در راهِ رفتن به مکه مکرّمه به نقطه ای برسد که میقات در سمت راست یا چپ او واقع شود، به گونه ای که اگر بخواهد از آن جا بگذرد میقات متمایل به پشت او شود.

---

[۱] . میقات های حجّ تمتّع و عمره ی مفرده در فصل های مربوط به آن بیان می شود.

[۲] . برای توضیح بیشتر به استفتائات میقات شماره ۱۵۸ مراجعه شود.

مسائل مربوط به میقات

م۱۱۵ ـ میقات یا مُحاذات آن در صورت عدم علم، با بینه ی شرعی یعنی گواهی دو شاهد عادل یا شهرتی که موجب اطمینان شود ثابت می شود و بررسی و تحقیق برای تحصیل یقین لازم نیست. اگر علم یا بینه یا شهرت وجود نداشته باشد، می تواند به ظن حاصل از پرسیدن از اهل اطلاع از آن مکان ها، اکتفا کند.

م۱۱۶ ـ احرام بستن پیش از رسیدن به میقات صحیح نیست، مگر آنکه فرد نذر کرده باشد پیش از میقات - مثلاً مدینه یا شهر خودش ـ مُحرم شود، در این صورت باید از همان مکان مُحرم شود و احرام صحیح است.

م۱۱۷ ـ اگر عمداً یا به دلیل غفلت یا فراموشی یا ندانستن مسئله، بدون احرام از میقات عبور کند، واجب است برای احرام به میقات برگردد.

م۱۱۸ ـ اگر در اثر غفلت یا فراموشی یا ندانستن مسئله، بدون احرام از میقات عبور کند و نتواند به دلیل کمبود وقت یا عذر دیگر به میقات برگردد، در صورتی که هنوز داخل حرم نشده است، به احتیاط واجب باید به هر مقدار که ممکن است به طرف میقات برگردد و مُحرم شود ؛ و اگر داخل حرم شده است و می تواند از حرم خارج شود، باید برای احرام از حرم خارج شود و اگر به علّت تنگی وقت و مانند آن نمی تواند از حرم خارج شود، باید داخل حرم از همان جا که عذرش برطرف شده است مُحرم شود.

م۱۱۹ ـ تأخیر انداختن احرام از میقات بدون عذر جایز نیست، چه میقات دیگری در پیش رو داشته باشد یا خیر.

م۱۲۰ ـ اگر کسی از احرام در یکی از میقات ها منع شود، جایز است از میقات بعدی مُحرم شود.

م۱۲۱ ـ هر گاه کسی با علم و عمد بدون احرام از میقات عبور کند و به دلیل تنگی وقت یا عذر دیگر نتواند به میقات برگردد و میقات دیگری پیش رو نداشته باشد و وقت برای انجام عمره تنگ شود، عمره و حجّ او فوت شده است و در صورتی که حج، مستقر بوده یا در همان سال مستطیع باشد، باید سال دیگر حج به جا آورد.

م۱۲۲ ـ جدّه نه میقات است و نه محاذی آن، بنابراین احرام در جدّه صحیح نیست و واجب است احرام در یکی از میقات ها انجام شود.

م۱۲۳ ـ هر گاه کسی پس از احرام در میقات و گذشتن از آن متوجّه شود احرامش صحیح نبوده است، اگر می تواند، باید به میقات برگردد و از آنجا مُحرم شود و اگر بازگشت به میقات جز با آمدن

به مکه برایش ممکن نباشد، باید قبل از ورود به حرم برای ورود به مکه از ادنی الحِلّ[۱] به نیت عمره ی مفرده مُحرم شود و پس از انجام عمره ی مفرده به یکی از میقات ها برگردد و برای عمره ی تمتّع مُحرم شود.

---

[۱] . نزدیک ترین محل خارج از حرم.

س۳۲- شخصی به دلیل جهل به حکم، پس از احرام در جدّه و انجام اعمال عمره ی مفرده، متوجّه می شود باید به میقات میرفته ؛ آیا عمره او صحیح است؟

ج: تکلیفی ندارد، امّا اگر نایب بوده یا به دلیلی مثل نذر، عمره واجب بوده است، کفایت نمی کند.

س۳۳- ِ آیا حدیبیّه حکم میقات های پنج گانه را دارد و احرام در آن صحیح است؟

ج: حدیبیّه حکم میقات های پنج گانه را ندارد و احرام برای عمره ی تمتّع در آن صحیح نیست.

س۳۴- کسی که در مکه است و می خواهد عمره ی تمتّع به جا آورد و از رفتن به میقات معذور است، آیا ادنی الحِلّ برای احرام او کافی است؟

ج: کافی است.

س۳۵- آیا مکلّفی که در فاصله ی کمتر از شانزده فرسخی مکه ساکن است، باید از منزل خود مُحرم شود یا در هر نقطه از شهر خود می تواند احرام ببندد؟

ج: می تواند در هر نقطه از شهر مُحرم شود، هر چند اولی و احوط آن است که از منزل مُحرم شود.

س۳۶- آیا می توانم، بدون عذر، نذر کنم قبل از میقات مُحرم شوم، در حالی که می دانم پس از احرام مجبور می شوم زیر سایه بروم، مثلاً سوار هواپیما شوم؟

ج: نذر احرام قبل از میقات و احرام پیش از آن، برای عمل به نذر، صحیح است و زیر سقف رفتن در روز حرام است و حکم هر مسئله در مسائل دیگر اثر نمی گذارد.

س۳۷- آیا کسی که در مدینه ی منوّره یا حومه ی آن سکونت دارد و می خواهد عمره به جا آورد، می تواند بدون احرام از مسجد شجره عبور کند و به جدّه برود و از آنجا در نزدیک ترین محلّ خارج از حرم ـ مانند مسجد تنعیم ـ مُحرم شود؟

ج: اگر با قصد انجام عمره از مدینه خارج شود، باید در مسجد شجره مُحرم شود و نمی تواند بدون احرام از آن عبور کند، هر چند بخواهد قبل از مکه به جدّه برود ؛ ولی اگر با قصد سفر به جدّه از مدینه خارج شود، احرام در مسجد شجره واجب نیست و می تواند بدون احرام به جدّه رود و اگر در جدّه قصد عمره کند، باید برای احرام به یکی از میقات های پنج گانه برود و احرام از ادنی الحِلّ (نزدیک ترین محل خارج از حرم) یا جدّه صحیح نیست.

س۳۸- برای رفتن از مدینه به مکه، دو راه وجود دارد: یکی از نزدیک جُحفه میگذرد که تقابل با

میقات (مُحاذات) در آن ثابت شده است ؛ دیگری بزرگراهی است که، هر چند از مسیر نزدیک جُحفه میگذرد، امّا بیش از صد کیلومتر دورتر است و مسیر آن غیر مستقیم است، آیا در این مسیر نیز تقابل (مُحاذات) صورت میگیرد؟

ج: منظور از تقابل یا مُحاذات برای کسی که به سوی مکه ی مکرّمه میرود، رسیدن به نقطه ای است که میقات سمت چپ یا راست او قرار گیرد ؛ بنابراین در دو مسیر فوق، نقطه ی تقابل یا مُحاذات، تفاوتی با هم ندارند.

س۳۹- آیا کسی که از مُحرم شدن در میقات، بر خود یا عیالش بیم دارد، می تواند از میقات بگذرد و در نزدیک ترین نقطه ی خارج حرم مُحرم شود؟

ج: می تواند بدون احرام از میقات عبور کند و در صورتی که پس از عبور از میقات عذر برطرف شود باید به میقات برگردد و مُحرم شود وگرنه در میقات پیش رو یا میقات دیگری مُحرم شود و اگر ممکن نباشد در همان محل مُحرم شود.

س۴۰- آیا حیاط مسجد شجره (فضای باز اطراف) برای احرام در حکم مسجد است یا منظور از مسجد، فقط محلّی است که در آن نماز برگزار می شود؟ و آیا زن حائض می تواند داخل حیاط، سمت راست یا چپ مسجد احرام ببندد؟ حکم احرام در حیاط پشت مسجد شجره چیست؟

ج: میقات مسجد شجره فقط داخل مسجد ـ هر چند قسمت تازه ساز ـ است و زنی که عذر شرعی دارد، نمی تواند در حیاط احرام ببندد، بلکه باید در حال عبور از داخل مسجد ـ ورود از یک درب و خروج از درب دیگر ـ احرام ببندد یا با نذر، قبل از مسجد مُحرم شود و اگر نتواند از مسجد هرچند به صورت عبوری محرم شود، می تواند از جحفه یا محاذی آن محرم شود.

اوّل ـ پوشیدن دو جامه ی احرام

م۱۲۴ ـ مردان باید برای احرام تمام لباس های دوخته حتی لباس های زیر را از تن بیرون آورند و دو تکه پارچه ی

ندوخته بر تن کنند: یکی را مانند لنگ بر کمر ببندند و دیگری را بر شانه بیندازند.

م۱۲۵ ـ بنا بر احتیاط واجب، باید این دو جامه پیش از نیت احرام و تلبیه پوشیده شود.

م۱۲۶ ـ وجوب پوشیدن دو جامه ی احرام مخصوص مردان است. زنان میتوانند در همان لباس خودشان مُحرم شوند، مشروط بر اینکه از حریر خالص نباشد و شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.

م۱۲۷ ـ لُنگ لازم نیست از ناف تا زانو را بپوشاند، بلکه همین که به نحو متعارف باشد و لُنگ بر آن صدق کند، کفایت می کند.

م۱۲۸ ـ گره زدن لُنگ به گردن جایز نیست، ولی سنجاق زدن و امثال آن و گره زدن قسمتی از آن به قسمت دیگر تا زمانی که لُنگ بر آن صدق کند، اشکال ندارد ؛ همچنین در رداء که بر شانه می اندازند گره یا سنجاق یا گیره زدن آن یا گذاشتن سنگ ریزه در دو طرف و بستن آن با نخ به نحو متعارف تا زمانی که عنوان رداء بر آن صدق کند، جایز است.

م۱۲۹ ـ در پوشیدن جامه ی احرام، بنا بر احتیاط واجب قصد تقرّب الی الله لازم است.

م۱۳۰ ـ لباسی که می خواهد در آن محرم شود، باید همه ی خصوصیاتی را که در لباس نمازگزار لازم است داشته باشد، پس باید نجس نباشد (مگر به آن مقدار از خون که در لباس نمازگزار مجاز است) غصبی یا از اجزاء حیوان حرام گوشت یا مردار، یا حریر خالص نباشد.

م۱۳۱ ـ لازم است جامه ای که لُنگ قرار داده می شود نازک و بدن نما نباشد ؛ ولی بدن نما بودن رداء، اگر رداء بر آن صادق باشد، اشکال ندارد.

م۱۳۲- لباس احرام لازم نیست منسوج و بافتنی و از جنس پنبه یا پشم و مانند آن باشد، بلکه اگر از پوست، پلاستیک یا نمد باشد و عنوان لباس بر آن صدق کند و پوشیدن آن متعارف باشد، کافی است.

م۱۳۳ ـ اگر از روی علم و عمد هنگام احرام لباس دوخته را از تن درنیاورد، صحّت احرام خالی از اشکال نیست و احتیاط واجب آن است که پس از بیرون آوردن آن، نیت و تلبیه را در میقات تکرار کند.

م۱۳۴ ـ اگر بر اثر سرما و مانند آن، ناگزیر از پوشیدن جامه ی دوخته باشد، می تواند از لباس های معمولی مانند پیراهن استفاده کند، امّا نباید آن را بپوشد، بلکه آن را برعکس ـ بالا به پایین یا پشت و رو ـ روی خود بیندازد.

م۱۳۵ ـ مُحرم می تواند برای حفظ خود از سرما و امثال آن بیش از دو جامه بپوشد. مثلاً دو تکه پارچه یا بیشتر بر دوش بیندازد یا بر کمر ببندد.

م۱۳۶- مُحرم می تواند برای غسل، استحمام یا تعویض لباس و مانند آن، لباس احرام را از تن بیرون آورد.

م۱۳۷ - اگر لباس احرام نجس شود، بنا بر احتیاط واجب باید آن را تطهیر یا تعویض کند.

م۱۳۸- طهارت از حدث ـ اصغر و اکبر ـ شرط صحّت احرام نیست ؛ بنابراین احرام در حال جنابت یا حیض اشکال ندارد.

م۱۳۹- شرایط و کیفیت نیت عبارتند از:

الف) قصد انجام اعمال حج یا عمره ؛ بنابراین کسی که می خواهد برای عمره ی تمتّع مُحرم شود، باید از زمان احرام قصد انجام آن را داشته باشد.

ب) قصد قربت و نزدیکی به خدا و نیت خالص برای اطاعتِ خداوند داشته باشد ؛ زیرا همه ی اعمال و مناسک عمره و حج عبادت هستند و باید به قصد تقرّب و نزدیکی به خداوند متعال به جا آورده شوند.

ج) هنگام احرام باید معیّن کند احرام حج است یا عمره، حجّ تمتّع است یا إفراد، حجّةالاسلام است یا مستحب یا نذر، نیابتی است یا برای خودش.

م۱۴۰ ـ در قصد لازم نیست صورت تفصیلی اعمال و مناسک را به ذهن آورد، بلکه همین مقدار که به طور اجمالی قصد انجام مناسک واجب را داشته باشد و آنها را به تدریج انجام دهد، کافی است.

م۱۴۱ ـ هنگام نیّت احرام، قصد ترک محرّمات احرام لازم نیست ؛ حتّی اگر هنگام احرام قصد داشته باشد بعضی از محرّمات احرام را انجام دهد، احرام صحیح است ؛ امّا قصد محرّماتی که عمره یا حج را باطل می کند ـ مثل نزدیکی با همسر در بعضی موارد ـ جایز نیست و با قصد احرام منافات دارد.

م۱۴۲ـ اگر بر اثر غفلت یا ناآگاهی از مسئله، به جای نیت عمره، نیت حج کند، احرام صحیح است. مثلاً اگر در نیت احرام عمره ی تمتّع بگوید: «مُحرم می شوم برای حجّ تمتّع قربةً الی الله»، ولی قصد داشته باشد اعمالی را انجام دهد که دیگران در عمره ی تمتّع انجام می دهند، به تصوّر اینکه آن اعمال «حج» نام دارد، احرامش صحیح است.

م۱۴۳ـ به زبان آوردن نیت یا به ذهن آوردن آن لازم نیست، بلکه همین که قصد انجام عمل را داشته باشد و با همین قصد «لبّیک» بگوید، کافی است.

م۱۴۴- نیت باید همراه با احرام بستن باشد، بنابر این نیت قبلی کفایت نمی کند مگر آنکه تا زمان احرام استمرار داشته باشد.

استفتائات نیّت احرام

س۴۱- شخصی به دلیل مسئولیّتش ممکن است بعد از انجام عمره ی تمتّع از مکه خارج شود ؛ آیا در میقات می تواند به نیّت عمره ی تمتّع مُحرم شود؟

ج: می تواند برای عمره ی تمتّع مُحرم شود.

س۴۲- اگر زن در میقات حائض باشد و یقین یا اطمینان داشته باشد که نمی تواند عمره ی تمتّع را در وقت خود انجام دهد، به چه نیتی مُحرم شود؟

ج: می تواند به نیت حجّ إفراد یا به قصد مافی الذّمّه مُحرم شود ؛ در صورت اوّل اگر زودتر از موعد پاک شود، لازم است برای عمره ی تمتّع بار دیگر در یکی از میقات های پنج گانه مُحرم شود، امّا در صورت دوّم اگر پیش از موعد پاک نشود، احرام برای حجّ إفراد خواهد بود و اگر پاک شود با همان احرام می تواند عمره ی تمتّع انجام دهد.

سوّم ـ لبّیک گفتن

م۱۴۵- لبّیک گفتن در احرام مانند تکبیرة الاحرام در نماز است ؛ هنگامی که شخص لبّیک کامل را بگوید، مُحرم می شود و اعمال عمره ی تمتّع را آغاز می کند. لبّیک به منزله ی اجابت دعوت پروردگار است که مکلّفان را به حج فراخوانده است ؛ از این رو شایسته است که لبّیک با خضوع و خشوع کامل ادا شود.

م۱۴۶- مقدار واجب از تلبیه این جملات است: «لَبّیکَ اللّهُمَّ لَبّیک، لَبّیکَ لا شریکَ لکَ لَبّیک»

و احتیاط مستحب است که پس از آن بگوید:. «إنّ الحمدَ و النّعمَةَ لَکَ و المُلک لا شریکَ لَکَ لَبَّیک»

و مستحب است که با حضور قلب و خشوع این جملات را که در روایت معتبر وارد شده است به آن بیفزاید:

«لَبَّیکَ ذَا المَعارِجِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ داعِیاً إلی دارالسَّلامِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ عَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ أهْلَ التَّلْبِیةِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ ذَا الْجَلالِ وَالاِکْرامِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ تُبْدِئُ وَ الْمَعادُ إلَیکَ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ تَسْتَغْنِی و یُفْتَقَرُ إلَیکَ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إلَیکَ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ إلهَ الْحَقِّ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ ذَا النَّعْماءِ وَالفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ کشّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ عبدُکَ وَابْنُ عَبْدَیکَ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ یا کریمُ لَبَّیکَ»

م۱۴۷- مستحب است پس از آغاز احرام تا قبل از رسیدن به مکه لبیک را بارها و بارها تکرار کند.

م۱۴۸- لازم است مقدار واجب از لبیک را صحیح تلفظ کند و اگر بلد نیست باید یاد بگیرد یا کسی کلمه به کلمه بگوید و او آن را به طرز صحیح تکرار کند و اگر هیچ یک ممکن نیست به هر نحو می تواند بگوید و بنا بر احتیاط واجب، نایب هم بگیرد که عوض او آن را صحیح ادا کند.

م۱۴۹ ـ اگر عمداً لبّیک را نگوید، حکم کسی را دارد که عمداً احرام از میقات را ترک کرده است. [۱]

م۱۵۰ ـ هر گاه کسی بدون عذر لبّیک را صحیح نگوید، حکم کسی را دارد که عمداً لبّیک را ترک کرده است.

م۱۵۱ ـ هر که برای عمره ی تمتع محرم شده وقتی به جایی می رسد که خانه های مکه دیده می شود، دیگر نباید لبیک بگوید و واجب است گفتن لبیک را قطع کند. مراد از خانه های مکه بنا بر احتیاط واجب خانه هایی است که در همین زمان جزو مکه است، هر چند از قسمتهای جدید و تازه احداث شده باشد.

م۱۵۲ ـ احرام در حجّ تمتّع و عمره ی تمتّع و حجّ إفراد و عمره ی مفرده فقط با لبّیک گفتن محقق

می شود، ولی احرام در حجّ قِران، هم با لبّیک گفتن محقّق می شود هم با اِشعار و تقلید.[۲] اشعار مخصوص شتر است و تقلید در مورد همه ی قربانی ها است.

---

[۱] . در مسائل ۱۴۸ و ۱۵۲ حکم آن بیان شد.

[۲] . اشعار یعنی مجروح و خون آلود کردن کوهان شتر تا معلوم باشد که برای قربانی حج است و تقلید یعنی نعلین یا نخی به گردن حیوان آویزان شود تا معلوم باشد حیوان برای قربانی حج است.

استفتائات احرام

س۴۳- «وقف به حرکت» و «وصل به سکون» در تلبیه چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب است وقف به حرکت و وصل به سکون ترک شود.

س۴۴- اگر لباس احرام را بعد از گفتن لبّیک بپوشد، آیا تکرار تلبیه واجب است؟

ج: هرچند پوشیدن لباس احرام بنابر احتیاط باید قبل از تلبیه باشد ؛ لکن تکرار تلبیه واجب نیست، اگرچه مطابق احتیاط است. مگر آنکه هنگام نیت و تلبیه عمداً لباس دوخته را بیرون نیاورده باشد که در این صورت بعد از بیرون آوردن آن بنا بر احتیاط واجب نیت و تلبیه را تکرار کند.

س۴۵- اگر کسی پس از بازگشت به وطن دریابد که جامه ی احرامش در زمان انجام مناسک نجس بوده، آیا از احرام خارج شده است؟

ج: با فرض اینکه هنگام اعمال از وجود نجاست در لباس احرام بی خبر بوده است، از احرام خارج شده و طواف و حجّ او صحیح است.

س۴۶- آیا هنگام احرام باید انجام تمام اعمال حج را نیت کند؟ کسی که نمی داند حجّ تمتّع شامل طواف و سعی غیر از طواف و سعی عمره ی تمتّع است و به همین خاطر هنگام احرام، طواف و سعی حجّ تمتّع را نیت نکرده و فقط به صورت کلّی حج را قصد کرده است، چه حکمی دارد؟

ج: توجّه تفصیلی به مناسک هنگام احرام واجب نیست ؛ بلکه نیت اجمالی عمره و حج، در صورتی که هر یک از اعمال را به صورت صحیح در محلّش انجام دهد، کافی است.

م۱۵۳ ـ مستحبّات احرام عبارتند از:

الف) از اول ماه ذی قعده موی سر و ریش را کوتاه نکند.

ب) پیش از احرام، بدن خود را پاکیزه و موهای زائد را بر طرف کند و ناخن های خود را بگیرد و مسواک بزند.

ج) پیش از احرام در میقات یا قبل از رسیدن به میقات مثلاً در مدینه غسل کند و احتیاط مستحب است که این غسل ترک نشود.

د) بعد از نماز ظهر یا یک نماز واجب دیگر محرم شود یا پیش از احرام دو رکعت نماز مستحب به جا آورد و در بعضی احادیث شش رکعت نیز آمده است که البته فضیلت بیشتری دارد.

م۱۵۴ ـ مکروهات احرام عبارتند از:

الف) احرام در جامه ی سیاه، چرکین و راه راه و بهتر است جامه ی احرام سفید باشد.

ب) خوابیدن بر بالش و بستر زرد.

ج) حنا بستن پیش از احرام، در صورتی که رنگ آن تا زمان احرام باقی بماند.

د) لبّیک گفتن در پاسخ کسی که مُحرم را صدا می زند.

ه) حمّام رفتن و شستن بدن با کیسه و مانند آن ؛ (البته انجام غسل های مستحب کراهت ندارد)

محرّمات احرام

م۱۵۵ ـ بر مُحرم واجب است از لحظه ی شروع احرام تا زمانی که محرم است، از برخی امور اجتناب کند که به آنها «محرّمات احرام» گفته می شود.

م۲۰۲ ـ محرّمات احرام ۲۳ چیز است، که برخی مخصوص مردان و برخی مخصوص زنان و برخی بر هر دو حرام است.

محرّمات اختصاصی مردان:

۱. پوشیدن لباس دوخته

۲. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند

۳. پوشاندن سر

۴. سایه بر سر قرار دادن در روز و در حال پیمودن مسافت.

محرّمات اختصاصی زنان:

۵. پوشاندن صورت

۶. پوشیدن دستکش.

محرّمات مشترک بین مرد و زن:

۷. استفاده از بوی خوش

۸. نگاه در آینه

۹. استفاده از زینت

۱۰. روغن مالیدن به بدن

۱۱. کندن یا کوتاه کردن مو از بدن خود یا دیگران

۱۲. ناخن گرفتن

۱۳. بیرون آوردن خون از بدن

۱۴. فسوق (دروغ گفتن و همچنین دشنام دادن و فخرفروشی)

۱۵. جدال (سوگند به لفظ جلاله االله)

۱۶. کشتن حشرات ساکن در بدن

۱۷. کندن و بریدن درختان یا گیاهان حرم

۱۸. حمل سلاح

۱۹. شکار حیوان وحشی صحرایی

۲۰. عقد ازدواج

۲۱. آمیزش و هر گونه لذّت از همسر

۲۲. استمناء (خودارضایی)

۲۳. فرو بردن سر در آب.

م۱۵۷ ـ برخی از این محرمات که در حال غیر احرام نیز حرام است، در حال احرام گناهش بیشتر است.

م۱۵۸ ـ پوشیدن لباس دوخته مثل پیراهن، قبا، شلوار، کت، پالتو، زیر جامه و امثال آنها، همچنین پوشیدن لباس های دگمه داری که با بستن دگمه ی آن به صورت پیراهن و مانند آن درمی آید، برای مردان در حال احرام جایز نیست.

م۱۵۹ ـ در مسئله ی قبل، تفاوتی بین لباس دوخته، بافته و مانند آن وجود ندارد.

م۱۶۰ ـ پوشیدن چیز دوخته که لباس محسوب نمی شود، مانند کمربند، بند ساعت، همیان ـ که پول در آن می گذارند ـ و مانند آن اشکال ندارد.

م۱۶۱ ـ نشستن و خوابیدن روی زیرانداز دوخته شده یا لباسی که پوشیدن آن حرام است و استفاده از آن به عنوان رو انداز اشکال ندارد.

م۱۶۲ ـ انداختن لحاف یا پتو و مانند آن، که حاشیه ی آن دوخته شده است، روی شانه ها اشکال ندارد.

م۱۶۳ ـ دوخته بودن حاشیه ی لباس احرام اشکال ندارد.

م۱۶۴ ـ اگر عمداً لباس دوخته بپوشد، باید یک گوسفند کفّاره بدهد ؛ همچنین اگر چندین لباس دوخته، مانند شلوار و پیراهن و کت و لباس زیر بپوشد، باید برای هر کدام از آنها جداگانه کفّاره بدهد.

م۱۶۵ ـ هر گاه مُحرم به علّت سردی هوا یا بیماری یا عذرهای دیگر، به پوشیدن لباس دوخته ناچار شود، جایز است بپوشد ؛ ولی بنا بر احتیاط واجب قربانی را به عنوان کفاره ادا کند.

۲ـ پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد

م۱۶۶ ـ مرد مُحرم نباید چکمه و جوراب بپوشد و احتیاط واجب آن است که از پوشیدن هر چیزی که تمام روی پا را میپوشاند ؛ مانند کفش و دمپایی و امثال آن اجتناب کند.

م۱۶۷ ـ پوشیدن دمپایی و کفشی که بند پهن دارد و تمام روی پا را نمی پوشاند، اشکال ندارد.

م۱۶۸ ـ اگر لباس احرام روی پا بیفتد یا در حال نشسته و خوابیده پتو و امثال آن را روی پا بیندازد، اشکال ندارد.

م۱۶۹ ـ اگر مُحرم از پوشیدن کفش و مانند آن، که تمام روی پا را می پوشاند، ناگزیر باشد، می تواند بپوشد ؛ ولی بنا بر احتیاط واجب باید قسمتی از روی آن را بردارد تا تمام روی پا را نپوشاند.

م۱۷۰ ـ پوشیدن کفش و جوراب و مانند آن کفّاره ندارد ؛ امّا در صورت پوشیدن جوراب، احتیاط مستحب آن است یک گوسفند به عنوان کفّاره قربانی شود.

۱۷۱۲۱۷ – حرمت پوشیدن چکمه و امثال آن، مخصوص مردان است ؛ ولی احتیاط مستحب آن است که زنان هم آن را رعایت کنند.

۳ ـ پوشاندن سر

م۱۷۲ ـ مرد مُحرم جایز نیست سر خود را با کلاه، عمامه، حوله، دستمال و مانند آن بپوشاند.

م۱۷۳ ـ بنا بر احتیاط واجب باید از گذاشتن هر چیزی روی سر که موجب پوشیده شدن سر می شود، مانند حنا، کف صابون و اشیاء دیگر اجتناب کند.

م۱۷۴- گوش نیز بخشی از سر است و پوشاندن آن در حال احرام برای مرد جایز نیست.

م۱۷۵ ـ پوشاندن قسمتی از سر به طوری که عرفاً مصداق پوشاندن سر باشد ـ مانند گذاشتن کلاه کوچک وسط سر ـ جایز نیست، امّا گذاشتن قرآن و مانند آن روی سر یا خشک کردن تدریجی سر اشکال ندارد ؛ هر چند احتیاط مستحب است از آن نیز اجتناب شود.

م۱۷۶ ـ اگر عمداً سر را بپوشاند بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفّاره بدهد و در صورت فراموشی یا غفلت یا جهل کفّاره واجب نیست.

م۱۷۷ـ سایه قرار دادن بالای سر در حال احرام و در حال حرکت ـ رفتن از میقات به مکه و از مکه به عرفات و مانند آن ـ بر مردان جایز نیست ؛ امّا اگر بین راه توقّف کند یا زمانی که به مقصد می رسد، زیر سایه برود، اشکال ندارد ؛ بنابراین سفر کردن با اتوبوس مسقّف جایز نیست، امّا پس از رسیدن به مکه، در منازل و رستوران و مانند آن رفتن زیر سایه اشکال ندارد.

م۱۷۸ ـ مُحرم باید پس از رسیدن به مکه و پیش از انجام مناسک عمره، همچنین در حال احرام در عرفات و منا، از قرار گرفتن زیر سایه ی متحرّک مانند اتوبوس مسقّف و چتر، بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند.

م۱۷۹ ـ حکم دو مسئله ی قبل، به روز اختصاص دارد و سوار شدن اتوبوس مسقّف در شب اشکال ندارد، هر چند رعایت احتیاط مطلوب است.

م۱۸۰ ـ در شبهای سرد یا بارانی، احتیاط واجب آن است که محرم با ماشین مسقف و امثال آن حرکت نکند.

م۱۸۱ـ قرار گرفتن در سایه ی دیوار و درخت و مانند آن و نیز عبور از زیر سقف های ثابت مانند پل و تونل، حتّی در روز اشکال ندارد.

م۱۸۲ ـ کفّاره ی زیر سایه حرکت کردن، یک گوسفند است.

م۱۸۳ ـ اگر بر اثر بیماری یا عذر، ناگزیر از حرکت در زیر سایه باشد، اشکال ندارد، امّا باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

م۱۸۴ ـ حرکت کردن زیر سایه، در هر احرام فقط یک کفّاره دارد، هر چند به دفعات انجام شود ؛ بنابراین اگر مُحرم در احرام عمره چندین بار زیر سایه برود، بیش از یک کفّاره واجب نمی شود. در احرام حج نیز چنین است.

۱ـ پوشاندن صورت

م۱۸۵ ـ پوشاندن صورت یا بخشی از آن مثل چانه و گونه، به طور متعارف زنان در حجاب از نامحرم یا برای خودداری از شناخته شدن می پوشانند، در حال احرام جایز نیست.

م۱۸۶ ـ استفاده از ماسک بهداشتی برای پوشش بینی و دهان در حال احرام اشکال ندارد.

م۱۸۷ ـ پوشاندن اطراف صورت از بالا یا پایین یا دو طرف آن، به طوری که زنان هنگام پوشیدن مقنعه یا روسری به نحو متعارف یا هنگام پوشاندن سر در نماز انجام می دهند و پوشاندن صورت بر آن صدق نمی کند، اشکال ندارد، چه در نماز و چه در حال دیگر.

م۱۸۸ـ پوشاندن صورت با بادبزن یا هر وسیله ی دیگر حرام است، امّا پوشاندن با دستها اشکال ندارد.

م۱۸۹ ـ اگر زن در برابر نامحرم کمی از چادر خود را به طوری بر روی صورت رها کند که قسمتی از صورت شامل پیشانی تا محاذی بالای بینی را بپوشاند اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که هرگاه در معرض نگاه نامحرم نیست از این کار اجتناب کند.

م۱۹۰ – در مساله ی قبل، احتیاط آن است که نگذارد پوشش مزبور با صورت تماس بیابد.

م۱۹۱ ـ پوشاندن صورت کفّاره ندارد، هر چند احتیاط مستحب است کفّاره بدهد.

م۱۹۲ ـ پوشیدن دستکش برای زنان مُحرم جایز نیست.

۱ـ استفاده از بوی خوش

م۱۹۳ ـ استفاده از انواع عطر مانند مشک، عود، گلاب و دیگر عطرهای رایج به هر نحو که باشد، در حال احرام حرام است.

م۱۹۴ ـ پوشیدن لباسی که قبلاً معطّر شده، تا زمانی که از آن بوی خوش به مشام برسد، جایز نیست.

م۱۹۵ ـ استفاده از صابون و شامپوی معطّر بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

م۱۹۶ ـ بنابر احتیاط واجب، محرم باید از بوییدن هر چیز معطر که به آن عطر گفته نمی شود نیز پرهیز کند مانند گل یا سبزی یا میوه ی خوشبو.

م۱۹۷ ـ خوردن غذایی که در آن زعفران وجود دارد، برای مُحرم جایز نیست.

م۱۹۸ – خوردن سیب و پرتقال و دیگر میوه های خوشبو اشکال ندارد ؛ ولی احتیاط واجب آن است که آنها را نبوید.

م۱۹۹ ـ مُحرم نباید بینی خود را از بوی نامطبوع بگیرد، امّا بیرون رفتن از محلّ بوی نامطبوع اشکال ندارد.

م۲۰۰ ـ کفّاره ی استفاده ی عمدی از بوی خوش ـ خوراکی و غیر خوراکی ـ بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است.

۲ـ نگاه در آینه

م۲۰۱ ـ در حال احرام، نگاه در آینه برای آرایش و زینت حرام است ؛ ولی بدون این قصد، مانند نگاه راننده در آینه ی خودرو اشکال ندارد.

م۲۰۲ ـ آب صاف یا اجسام صیقلی که تصویر در آن دیده می شود، حکم آینه را دارد ؛ یعنی نگاه در آن اگر برای زینت باشد، جایز نیست.

م۲۰۳ ـ اگر در اتاقی که محرم در آن سکونت دارد آینه باشد و او بداند که گاهی چشمش سهواً به آینه می افتد، ماندن در آن اتاق اشکال ندارد ؛ البته بهتر است آینه را از آنجا بردارد یا روی آن چیزی بیندازد.

م۰۴۵۰ ـ در حال احرام تصویربرداری با دوربین عکاسی یا فیلم برداری اشکال ندارد.

م۲۰۵ ـ نگاه در آینه کفّاره ندارد، امّا احتیاط واجب است که پس از نگاه در آن، لبّیک بگوید.

۳ ـ استفاده از زینت

م۲۰۶ ـ بنا بر احتیاط واجب محرم باید از دست کردن انگشتری که زینت به حساب می آید، پرهیز کند.

م۲۰۷ ـ اگر انگشتر زینت به حساب نیاید و آن را به نیت استحباب یا غرض دیگر به دست کند، اشکال ندارد.

م۲۰۸ ـ انگشتر به دست کردن در حال احرام کفّاره ندارد.

م۲۰۹ ـ بنا بر احتیاط واجب محرم باید از حنا بستن و رنگ کردن مو اگر زینت به حساب آید و به طور کلی از هرچه زینت حساب شود پرهیز کند.

م۲۱۰ ـ اگر پیش از احرام بر دست، پا و ناخن حنا گذاشته یا موها رنگ شده باشد و اثر آن تا زمان احرام باقی باشد، اشکال ندارد.

م۲۱۱ ـ سرمه کشیدن اگر زینت محسوب شود، همچنین خطّ دور چشم که زنان انجام می دهند، بر مُحرم جایز نیست و بین رنگ سیاه و دیگر رنگ ها تفاوت وجود ندارد.

م۲۱۲ ـ عینک زدن اگر برای زینت نباشد، اشکال ندارد.

م۲۱۳ ـ زیورهایی را که زن معمولاً استفاده می کرده، لازم نیست برای احرام بیرون آورد، امّا نباید به مرد، حتّی شوهر خود نشان دهد.

م۲۱۴ ـ پوشیدن زیور برای زنان حرام است ؛ ولی کفّاره ندارد.

م۲۱۵ ـ زینت کردن کفّاره ندارد.

۴ـ روغن مالیدن به بدن

م۲۱۶ـ در حال احرام مالیدن روغن به بدن و موی سر جایز نیست، چه از قبیل کرم باشد که برای زینت زده می شود و چه غیر آن و چه معطر باشد یا نه.

م۲۱۷ ـ اگر بوی روغنِ خوشبو تا زمان احرام باقی می ماند، پیش از احرام نیز استعمال آن جایز نیست.

م۲۱۸ ـ خوردن روغن و چربی در صورتی که بوی خوش نداشته باشد، اشکال ندارد.

م۲۱۹ ـ روغن مالیدن در حال ناچاری یا نیاز مثلاً برای مداوا یا جلوگیری از آسیب آفتاب یا عرق سوز شدن بدن اشکال ندارد.

م۲۲۰ ـ کفّاره ی مالیدن روغن، اگر خوشبو باشد، بنا بر احتیاط یک گوسفند است و اگر خوشبو نباشد، بنابر احتیاط اطعام یک فقیر است، گرچه بعید نیست در هر دو مورد واجب نباشد.

۵ـ زدودن مو از بدن

م۲۲۱ـ زدودن موی هر قسمت از سر و بدن، در حال احرام حرام است و در حرمت آن، بین موی زیاد و کم ـ حتی یک مو ـ و بین چیدن، کندن و تراشیدن و بین اینکه از بدن خود باشد یا بدن شخص دیگر، فرق نیست.

م۲۲۲ ـ اگر در حال وضو یا غسل یا تیمّم، مویی بدون قصد کنده شود، اشکال ندارد.

۲۳۶۹ ـ اگر ناگزیر از زایل کردن مو باشد ـ مانند موی چشم که موجب آزار است یا موی سر که موجب سردرد شودـ اشکال ندارد.

م۲۲۴ ـ اگر مُحرم موی سر را با علم و عمد بتراشد، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، امّا اگر از روی غفلت یا سهو یا ندانستن مسئله باشد، کفّاره ندارد.

م۲۲۵ ـ اگر ناچار شود موی سر خود را بتراشد، کفّاره ی آن دوازده مُدّ طعام است که به شش مسکین داده می شود، یا سه روز روزه یا یک گوسفند.

م۲۲۶ ـ اگر مُحرم موی سر خود را با قیچی یا ماشین کوتاه کند، بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفّاره بدهد.

م۲۲۷ ـ اگر مُحرم دست به سر یا صورت خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط مستحب است به قدر یک مشت، گندم یا آرد و مانند آن به فقیر بدهد.

۶ـ ناخن گرفتن

م۲۲۸ ـ مُحرم باید از گرفتن تمام یا قسمتی از ناخن دست یا پای خود، چه به صورت چیدن باشد و چه کندن با هر وسیله، اجتناب کند.

م۲۲۹ ـ اگر ناچار شود ناخن خود را بگیرد ـ مانند آنکه بخشی از ناخن جدا شده و بخشی باقی مانده و آزاردهنده است ـ اشکال ندارد.

م۲۳۰ ـ گرفتن ناخن افراد دیگر اشکال ندارد.

م۲۳۱ ـ کفّاره ی گرفتن ناخن عبارت است از:
الف) یک ناخن یا بیشتر را از دست یا پای خود بگیرد، برای هر ناخن یک مُدّ طعام.
ب) تمام ناخن های دست یا پا را کوتاه کند، یک گوسفند.
ج) تمام ناخن های دست و پا را در یک نوبت کوتاه کند، یک گوسفند و اگر ناخن دستها را در یک نوبت و ناخن پاها را در نوبت دیگر بگیرد، دو گوسفند.

۷ـ بیرون آوردن خون از بدن

م۲۳۲ ـ مُحرم باید از کاری که موجب بیرون آمدن خون از بدنش می شود بنا بر احتیاط واجب اجتناب کند.

م۲۳۳ ـ تزریق آمپول و کشیدن دندان، اگر موجب بیرون آمدن خون شود، بنا بر احتیاط واجب جز در موارد ضرورت جایز نیست.

م۲۳۴ ـ برای بیرون آوردن خون از بدن خود کفاره لازم نیست هرچند مستحب است یک گوسفند بدهد.

۸ـ فسوق

م۲۳۵ ـ فسوق به معنای دروغگویی، دشنام دادن یا فخرفروشی است ؛ بنابراین حرمت دروغ و دشنام در حال احرام بیشتر است، امّا فخرفروشی که در غیر حال احرام حرام نیست، در حال احرام حرام است.

م۲۳۶ ـ فسوق، کفّاره ندارد و فقط باید استغفار شود.

م۲۳۷ ـ مجادله با دیگران در صورتی که به سوگند به نام مقدس «الله» برسد، بر محرم حرام است، مثل این که در گفت و گوی منازعه آمیز با دیگران بگوید: «نه و الله» یا «چرا و الله»

م۲۳۸ ـ مُحرم باید بنا بر احتیاط واجب از قسم خوردن به نام هایی که ترجمه ی «الله» به زبان های دیگر است ـ مانند «خدا» ـ و نام های دیگر خداوند مانند رحمن، رحیم، قادرمتعال و... اجتناب کند.

م۲۳۹ ـ قسم خوردن به غیر خداوند متعال جزو محرّمات احرام نیست.

م۲۴۰ ـ اگر سوگند راست بر زبان آورده شود، مرتبه ی اوّل و دوّم باید استغفار شود و کفّاره ندارد، امّا برای سوگند بیش از دو بار باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

م۲۴۱ـ اگر در سوگندی که میخورد دروغگو باشد برای یک و دو بار باید یک گوسفند کفاره بدهد و احتیاط آن است که برای دو بار دو گوسفند بدهد و اگر بیش از دو بار قسم دروغ بخورد باید یک گاو کفاره دهد.

م۲۴۳ ـ کشتن حشرات ساکن بدن مانند شپش، کک و... در حال احرام بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۱۱ـ کندن گیاه و درخت حرم

م۲۴۳ ـ کندن و بریدن و شکستن درخت و گیاهی که در حرم روئیده حرام است و در این حکم فرقی میان محرم و غـیر محرم نیست.

م۲۴۴ ـ گیاهانی که بر اثر راه رفتن یا چریدن حیوانات کنده می شوند از این حکم مستثنا هستند.

م۲۴۵ ـ کندن گیاه حرم کفّاره ندارد ولی واجب است استغفار شود ؛ امّا اگر مُحرم درختی را که بریدن آن حرام است، ببرّد، بنا بر احتیاط واجب باید یک گاو کفّاره بدهد.

م۲۴۶ ـ حمل سلاح برای مُحرم جایز نیست.

م۲۴۷ ـ حمل سلاح در صورتی که برای حفاظت از خود یا دیگری به آن نیاز دارد، جایز است.

۱۳ـ شکار حیوانات صحرایی

م۲۴۸ ـ شکار حیوان صحرایی، پرنده و ملخ در حال احرام بر مُحرم حرام است، مگر آنکه از آزار آنها بیمناک باشد.

م۲۴۹ ـ شکار در محدوده ی حرم، حتّی برای غیر مُحرم، جایز نیست.

م۲۵۰ ـ خوردن گوشت شکار صحرایی بر مُحرم حرام است، چه خودش شکار کرده باشد یا دیگری و خواه شکارکننده مُحرم باشد یا نباشد.

م۲۵۱ ـ صید حیوانات دریایی مانند ماهی و خوردن گوشت آنها در حال احرام اشکال ندارد.

م۲۵۲ ـ ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی مانند گوسفند و مرغ اشکال ندارد.[۱]

---

[۱] . احکام مربوط به شکار و کفّاره ی آن بسیار مفصّل است، امّا از آنجا که در حال حاضر مورد ابتلا نیست، از بیان آن صرف نظر می کنیم.

م۲۵۳ ـ بر مُحرم جایز نیست در حال احرام، شخصی ـ مُحرم یا غیر مُحرم ـ را برای خود یا دیگری ـ مُحرم یا غیر مُحرم ـ عقد کند و اگر عقد کند، باطل است.

م۲۵۴ ـ در حرمت اجرای عقد، بین عقد دائم و موقّت تفاوت نیست.

۱۵ـ آمیزش

م۲۵۵ ـ در حال احرام، آمیزش جنسی و هر گونه لذّت جنسی مانند بوسیدن، لمس کردن و نگاه همراه با شهوت حرام است.

م۲۵۶ ـ نگاه زن و شوهر به یکدیگر و نیز لمس دست یکدیگر اگر از روی شهوت و لذت جنسی نباشد، اشکال ندارد.

م۲۵۷ـ افرادی که با انسان محرم اند، هستند مانند پدر و مادر و برادر و خواهر و عمه و عمو و امثال آنان محرمیت آنان در حال احرام نیز باقی است.

م۳۰۴ ـ کفّاره ی آمیزش با همسر، یک شتر است و در برخی موارد موجب بطلان حج می شود و هر کامجویی دیگر نیز کفّاره دارد که تفصیل آن در کتب فقهی بیان شده است.

م۲۵۹ ـ استمناء ـ انجام کاری که موجب خروج منی شود ـ در حال احرام، حرام است و حکم آن همانند حکم آمیزش جنسی است.

م۲۶۰ ـ اگر استمناء سهواً یا از روی جهل به حکم باشد کفّاره ندارد و باید استغفار کند و اگر از روی علم و عمد باشد کفّاره آن یک شتر است و اگر نتواند شتر بدهد، قربانی کردن گوسفند کافی است ؛ علاوه بر این اگر استمناء با کاری است که او با خود انجام می دهد و پیش از مزدلفه است واجب است حج را تمام کند و در سال بعد آن را دوباره بجا آورد و اگر استمناء بوسیله همسرش انجام شده احتیاط واجب آن است که اینگونه عمل کند.

م۲۶۱ ـ فرو بردن تمام سر در آب برای مُحرم جایز نیست و در این حکم میان زن و مرد تفاوت نیست و در صورت ارتکاب کفّاره واجب نیست.

احکام کفارات

م۲۶۲ ـ اگر برخی از محرمات احرام را از روی غفلت و فراموشی انجام دهد کفاره بر او واجب نمی شود مگر صید که در هر صورت کفاره دارد.

م۲۶۳ ـ محلّ ذبح کفّاره ی صید در عمره، مکه ی مکرّمه و در حج، مِنا است و احتیاط واجب است در کفّارات دیگر نیز به همین صورت عمل شود ؛ امّا اگر در مکه ی مکرّمه یا در مِنا ذبح انجام نشود و پس از بازگشت از حج، در وطن یا در مکان دیگر ذبح انجام شود، کفایت می کند.

م۲۶۴ ـ کفاره دهنده نمی تواند از گوشت حیوانی بخورد که به عنوان کفاره ذبح می کند ؛ ولی خوردن از گوشت قربانی حج و قربانی مستحب یا نذری اشکال ندارد.

م۲۶۵ ـ کفّاره ی محرّمات احرام به طور کامل باید به فقرا داده شود.

س۴۷- پوشیدن دمپایی دوخته برای مرد مُحرم چه حکمی دارد؟

ج: اگر لباس صدق نکند اشکال ندارد، مشروط به اینکه تمام روی پا پوشیده نشود.

س۴۸- آیا مرد و زن می توانند در حال احرام صورت خود را با حوله خشک کنند؟

ج: برای مرد مانعی ندارد و برای زن، در صورتی که حوله را روی همه ی صورت بیندازد اشکال دارد ؛ در هر حال پوشاندن صورت کفّاره ندارد.

س۴۹- خشک کردن سر با حوله و امثال آن برای مرد چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد ؛ مگر در صورتی که حوله را بر روی تمام سر بیندازد و سر را با آن خشک کند.

س۵۰ - کفاره پوشاندن سر چیست؟ و آیا بخشی از سر حکم تمام سر را دارد؟

ج: بنا بر احتیاط یک گوسفند قربانی کند و بخشی از سر حکم تمام سر را ندارد مگر در صورتی که عرفاً برآن صدق کند که سر را پوشانیده است ؛ مثل این که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می پوشاند بر سر بگذارد.

س۵۱- آیا مُحرم می تواند تمام یا بعض سر را زیر آب کند؟

ج: جایز نیست تمام سر را زیر آب کند، ولی حرمت آن نسبت به قسمتی از سر معلوم نیست.

س۵۲- کسی که حسّ بویایی ندارد یا به علّت زکام و سرماخوردگی بویی احساس نمی کند، آیا عطر زدن به بدن و لباس بر او حرام است؟

ج: استعمال عطر در هر صورت جایز نیست اگرچه بوی آن به مشامش نرسد.

س۵۳- حکم تکرار استعمال عطر یا بوی خوش در یک وقت یا اوقات متعدّد بدون فاصله با کفّاره چیست؟

ج: تکرار استعمال در یک زمان تا حدّی که عرفاً آن را یک بار استعمال بدانند، کفّاره را متعدّد نمی کند در غیر این صورت باید کفّاره را به تعداد استعمال، تکرار کند و عدم فاصله کفّاره تأثیری ندارد.

س۵۴- آیا مفاخره در حال احرام مطلقاً حرام است یا در صورتی که مستلزم اهانت به دیگران باشد؟

ج: فخرفروشی در حال احرام حرام است هر چند متضمّن اهانت و دشنام به دیگران نباشد.

س۵۵- حکم بستن دستمال به سر به دلیل سردرد چیست؟

ج: اشکال ندارد.

س۵۶- آیا برای کسی که مُحرم نیست جایز است چیزی روی سر مرد مُحرم بیندازد؟ مثلاً روی سر مُحرمی که خوابیده است پتو بیندازد و چنانچه خودش مُحرم باشد ؛ چه حکمی دارد؟

ج: بر مُحرم پوشاندن سر خودش حرام است خواه خودش بپوشاند یا به دیگری دستور دهد سرش را بپوشاند ؛ ولی پوشاندن سر دیگری، هر چند هر دو مُحرم باشند، از محرّمات احرام نیست.

م۵۷- اگر مرد مُحرم به غیر مُحرم بگوید وقتی که خواب رفتم، پتو را روی سرم بینداز چه حکمی دارد؟ اگر او به این درخواست عمل کند کفّاره واجب می شود؟ و بر فرض وجوب، کفّاره بر عهده ی چه کسی است؟

ج: مُحرم مجاز به چنین درخواستی نیست هر چند اگر شخص به درخواست مُحرم عمل کند، کفّاره واجب نیست.

س۵۸- آیا محافظت از باران با مثل چتر یا ماشین مسقف، در حال حرکت در شب، برای مُحرم جایز است؟

ج: به احتیاط واجب باید ترک کند، مگر آنکه مشقت شدید داشته باشد، یا بر اثر بیماری یا عذر ناگزیر از رفتن زیر سایه باشد ؛ ولی به احتیاط واجب باید کفّاره ی زیر سایه رفتن را بپردازد.

س۵۹- گاهی باران به صورت قطرات ریز و ضعیف (نم نم) می بارد ؛ به گونه ای که بسیار کم است و بیشتر از چند دقیقه طول نمی کشد ؛ آیا از مواردی است که حفظ از باران جایز نیست؟

ج: در صورتی که به اندازه ای نباشد که بر زمین سفت جاری شود، اشکال ندارد ؛ گرچه اگر عرفاً باران به آن گفته شود احتیاط مستحب است خود را از آن حفظ نکند.

س۶۰- آیا در صورت تکرار پوشاندن سر کفّاره تکرار می شود؟

ج: بنا بر احتیاط واجب تکرار می شود.

س۶۱- اگر مُحرم با زن خود ملاعبه کند و منی خارج شود، کفّاره ی آن چیست؟

ج: یک شتر است و اگر نتواند شتر بدهد قربانی کردن گوسفند کفایت می کند.

س۶۲- آیا در وجوب کفّاره ی بوسیدن، بین بوسیدن با شهوت و بدون شهوت فرق است و آیا خروج منی شرط است؟

ج: کفّاره ی بوسیدن همسر، هر چند منی خارج نشود، اگر با شهوت باشد، شتر و اگر بدون شهوت باشد گوسفند است ؛ و بوسیدن غیر همسر مانند مادر و فرزند حرام نیست و کفّاره هم ندارد.

س۶۳- چنانچه بعد از وقوفین و قبل از طواف نساء حاجی جماع کند، حکمش چیست؟

ج: اگر بعد از طواف نساء باشد، اشکال ندارد و اگر بعد از وقوف مشعر و قبل از شروع طواف نساء باشد، حج صحیح است، امّا کفّاره واجب است.

س۶۴- در منطقه ی خلیج فارس مرسوم است زنان با تکه پارچه ای به نام پوشیه، صورت را میپوشانند ؛
۱. حکم پوشاندن صورت با آن در حال احرام چیست؟
۲. آیا در صورتی که پوشیه به چادر دوخته شده باشد و قسمتی از چادر محسوب شود، حکم فرق می کند؟
۳. اگر برای زن جایز باشد در حال احرام با چادر یا پوشیه صورتش را بپوشاند، آیا واجب است آن را از صورت دور کند و از برخورد آن به صورت جلوگیری کند؟
۴. اگر چادر به گونه ای باشد که تکه ای اضافی از همان پارچه بدون دوختن به آن متّصل باشد، آیا جایز است این قسمت اضافی را جلوی صورتش آویزان کند؟

ج: زن جایز نیست در حال احرام صورت را با چادر یا پوشیه ی متّصل به چادر یا جدا از آن، از جنس چادر یا غیر آن، بپوشاند. بله، می تواند چادر، پوشیه، مقنعه یا هر لباس دیگری را از سر آویزان کند، به گونه ای که پیشانی را تا بالای بینی بپوشاند، ولی احتیاط واجب است نگذارد به صورت برخورد کند. و اگر نامحرم نباشد احتیاط واجب است که اینکار را ترک کند.

س۶۵- آیا استفاده از گوشی تلفن ثابت یا همراه به صورت معمولی، پوشاندن گوش شمرده می شود که پوشاندن قسمتی از سر، در حال احرام ممنوع است؟ حکم گوشی کوچک ـ هدست و مانند آن ـ که با تلفن همراه استفاده می شود چیست؟

ج: اشکال ندارد.

س۶۶- کسی که به توصیه ی پزشک در هوای سرد و مانند آن مجبور است سر یا گوش را بپوشاند در حال احرام چه حکمی دارد؟ آیا باید کفّاره بدهد؟

ج: اضطرار فقط حکم تکلیفی، یعنی حرمت پوشاندن سر را برمی دارد ؛ امّا در مواردی که پوشاندن سر ـ به احتیاط واجب ـ کفّاره دارد، با اضطرار کفّاره ساقط نمی شود.

س۶۷- محدوده ی شب در مسئله ی سایه بر سر گرفتن چه مقدار است؟ آیا از غروب آفتاب تا طلوع فجر است یا طلوع خورشید؟

ج: مقدار شب در این مسئله تا طلوع خورشید است.

س۶۸- اگر مُحرم سوار بر ماشین مسقّف باشد و در حالی که در خطّ وسط یا خطّ سبقت در حال طیّ مسیر است باران شروع شود و به دلیل خطر نتواند توقّف کند و انتقال به خطّ کنار برای توقّف، مستلزم مقداری زمان ـ حدود چند دقیقه ـ باشد، آیا این مقدار زمان حضور در ماشین مسقّف اشکال دارد؟

ج: با توجّه به غیر اختیاری بودن این مقدار حضور در ماشین مسقّف، اگر در حدّاقلّ زمان، انتقال به خطّ کنار و توقّف انجام شود، اشکال ندارد.

س۶۹- استفاده از ماسک هایی که برای جلوگیری از تنفّس هوای آلوده به کار می رود و روی بینی و دهان می زنند و بند آن پشت سر قرار می گیرد و بخش کوچکی از سر را می پوشاند، برای مرد و زن مُحرم چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از ماسک برای زن اگر در حدّ متعارف پوشش بینی و دهان باشد و نیز انداختن بند آن بر سر برای مرد جایز است.

س۷۰- حکم پوشیدن (ایزی لایف) برای مردان در حال احرام چیست؟

ج: در حکم پوشیدن لباس است و احکام آن را دارد.

م۲۶۶ - ورود به حرم و نیز ورود به مکه و مسجد الحرام، ادعیه و آداب فراوان دارد که برخی از آنها را ذکر میکنیم. کسی که بخواهد به سایر اعمال و مستحبّات عمل کند، به کتب مفصّلی که دراین باره وجود دارد، مراجعه کند.

دعای ورود به محدوده ی حرم

م۲۶۷ ـ مستحب است هنگام ورود به محدوده ی حرم این دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ: «وَ أَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یأْتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یاْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیق» اللّهُمَّ اِنّی اَرْجُو اَنْ اَکُونَ مِمَّنْ اَجابَ دَعْوَتَکَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَ فَجٍّ عَمیق، سامِعاً لِنِدائِکَ، وَ مُسْتَجیباً لَکَ، مُطیعاً لِاَمْرِکَ وَ کُلُّ ذٰلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَی وَاِحْسانِکَ إِلَی، فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ، أَبْتَغِی بِذٰلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَیکَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَیکَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبی، وَالتَّوْبَةَ عَلَی مِنْهَا بِمَنِّکَ، اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ حَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النّارِ، وَ آمِنّی مِنْ عَذابِکَ وَ عِقابِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ»

مستحبّات ورود به مسجدالحرام

م۲۶۸ ـ مستحبّات ورود به مسجدالحرام عبارتند از:

الف) غسل کردن برای ورود به مسجدالحرام

ب) خواندن دعاهای مخصوص ورود به مسجدالحرام.

استفتائات آداب و مستحبّات مکه

م۷۱- آیا استحباب غسل ورود به مسجدالحرام تنها برای ورود اوّل و کسی است که اعمال عمره به جا می آورد یا برای هر مرتبه رفتن به مسجدالحرام نیز مستحب است؟

ج: اختصاص به ورود اوّل ندارد.

م۷۲- آیا بجز غسل مستحب برای ورود به مسجدالحرام، غسل دیگری برای طواف، مستحب است و در صورت وجود چنین استحبابی، آیا یک غسل به نیت هر دو کافی است؟

ج: برای خصوص طواف هم غسل وارد است ؛ ولی یک غسل به نیّت هر دو کافی است.

دوّم: طواف

م۲۶۹ ـ دوّمین عمل واجب عمره، طواف است. کسی که با قصد عمره ی تمتّع مُحرم و وارد مکّه ی مکرّمه می شود، اوّلین عملی که باید انجام دهد طواف دور کعبه ی معظّمه است.

م۲۷۰- طواف آن است که هفت مرتبه به دور خانه ی کعبه که در مسجد الحرام است بگردد. هر یک بار گشتن به دور کعبه را یک «شوط» می گویند.

م۲۷۱ - لازم نیست پس از ورود به مکه فوراً طواف کند، بلکه می تواند آن را تا زمانی تاخیر بیندازد که وقت برای وقوف اختیاری عرفات [۱] تنگ نشود و محرم بتواند پس از طواف و دیگر اعمال عمره و احرام بستن برای حج، به تمام وقوف در عرفات برسد.

---

[۱] - وقوف اختیاری عرفات از ظهر روز نهم ذی حجه تا مغرب همان روز است.

م۲۷۲ ـ صحّت طواف چند شرط دارد:

۱. نیت

۲. طهارت از حدث اکبر و اصغر

۳. طهارت از نجاست

۴. ختنه بودن مرد

۵. پوشاندن عورت

۶. غصبی نبودن جامه ی طواف

۷. موالات.

م۲۷۳ ـ طواف، عبادت است ؛ پس باید فقط برای اطاعت خداوند متعال و با قصد انجام تکلیف، انجام گیرد و از هر گونه ریا و خود نمائی دور باشد. بنابراین اگر طواف، حتّی بعضی از دورها را، بدون این نیت انجام دهد، مُجزی نیست.

م۲۷۴ ـ در نیتِ طواف باید تعیین شود که طوافِ عمره ی مفرده است یا عمره ی تمتّع، طواف حَجّة الاسلام یا حجّ نذری یا استحبابی و در صورتی که نایب است، نیابت را نیز قصد کند.

م۲۷۵ ـ لازم نیست نیت طواف را بر زبان جاری کند یا از دل بگذراند، بلکه همین اندازه که می خواهد برای اطاعت خداوند متعال و انجام تکلیف دینی خود، طواف کند، کافی است.

م۲۷۶ ـ شایسته است در حال طواف، همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد و ادعیه ی وارده را بخواند.

م۲۷۷ ـ در همه ی اقسام طواف واجب،[۱] طواف کننده باید از جنابت، حیض و نفاس پاک و با وضو باشد.

م۲۷۸ ـ اگر مُحرم در حالی طواف کند که وضو ندارد یا غسل جنابت یا حیض یا نفاس بر عهده دارد، طوافش باطل است، هر چند در اثر ناآگاهی یا فراموشی باشد، یا بعد از اتمام اعمال عمره یا حج متوجّه عدم طهارت خود شود.

م۲۷۹ ـ اگر هنگام طواف، حدث اصغر عارض شود، دو حالت دارد:

۱. حدث اصغر پیش از تمام شدن نصف دور چهارم، یعنی قبل از رسیدن به مقابل رکن سوّم کعبه عارض شود ؛ در این صورت باید طواف را قطع کند و بعد از وضو گرفتن آن را اعاده کند.

۲. بعد از نصف دور چهارم عارض شود ؛ در این صورت باید طواف را قطع کند و بعد از طهارت از همان جا ادامه دهد ؛ به شرطی که مُوالات عرفی به هم نخورده باشد ؛ امّا اگر مُوالات عرفی از بین رفته باشد، باید پس از وضو، بنا بر احتیاط طواف قبلی را به نیت اتمام، کامل کند و نماز آن را بخواند و پس از آن یک طواف کامل دوباره به جا آورد و نماز آن را نیز بخواند ؛ و می تواند به جای این دو، یک طواف کامل به قصد آنچه در واقع وظیفه اوست یعنی اتمام طواف ناقص گذشته یا طواف مستقلّ جدید به جا آورد ؛ همچنین می تواند از طواف قبلی صرف نظر کند و بعد از طهارت، طواف را دوباره از سر بگیرد.

م۲۸۰ ـ اگر بین طواف، حدث اکبر عارض شود، واجب است فوراً از مسجدالحرام خارج شود. در این صورت اگر پیش از اتمام نصف دور چهارم باشد، طواف باطل است و باید بعد از غسل، طواف را اعاده کند ؛ و اگر بعد از اتمام نصف دور چهارم باشد، باید بعد از غسل، طواف را از همان جا که قطع کرده ادامه دهد، مشروط بر اینکه مُوالات عرفی از بین نرفته باشد و اگر مُوالات از بین رفته باشد، همانند ذیل مسأله قبل عمل کند.

م۲۸۱ ـ کسی که وضو و غسل برای او به جهت عذری میسر نیست، اگر می داند که تا آخر وقت عذرش برطرفمی شود، مثلاً مریض است و می داند که بهبود می یابد، باید صبر کند تا عذرش برطرف شود و وضو بگیرد یا غسل واجب را انجام دهد بلکه اگر امید دارد که عذر بر طرف می شود نیز احتیاط واجب آن است که تاهنگامی که وقت طواف تنگ نشده یا از برطرف شدن عذر ناامید نگشته صبر کند و پس از آن با تیمم طواف را به جا آورد.

م۲۸۲ ـ کسی که وظیفه اش تیمّم یا وضوی جبیره است، اگر بر اثر جهل به حکم، طواف یا نماز طواف را بدون طهارت انجام دهد، واجب است در صورت امکان اعاده کند و اگر ممکن نیست، نایب بگیرد.

م۲۸۳ ـ در اعمال عمره و حج، فقط برای طواف و نماز آن لازم است وضو داشته باشد و غسل واجب بر عهده اش نباشد و برای اعمال دیگر، طهارت از حدث (وضو گرفتن و غسل کردن) لازم نیست، هر چند بهتر است در همه حال، با طهارت باشد.

---

[۱] . طواف واجب، طوافی است که بخشی از اعمال عمره و حج به شمار می آید ؛ بنابراین طواف حج و عمره ی مستحبّی نیز طواف واجب محسوب می شوند.

شک در طهارت

م۲۸۴ ـ اگر در طهارت شک کند وظیفه ی او به شرح زیر است:

- اگر پیش از طواف شک کند وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد.
- اگر غسل واجب بر عهده اش بوده و پیش از طواف شک کند که غسل کرده یا نه باید غسل کند.
- اگر قبلاً با وضو بوده و شک کند که آیا وضویش باطل شده یا نه لازم نیست وضو بگیرد.
- اگر قبلاً پاک بوده و شک کند که آیا جنب یا حائض بوده، لازم نیست غسل کند.
- اگر پس از پایان طواف شک کند که آیا آن را با طهارت انجام داده یا نه، طوافش صحیح است ولی برای نماز طواف باید طهارت تحصیل کند.
- اگر با طهارت وارد طواف شده و در بین طواف شک کند که آیا حدثی از او سر زده یا نه، مثلاً وضویش باطل شده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و بنا بر طهارت بگذارد.
- اگر در بین طواف شک کند که آیا با طهارت وارد طواف شده یا نه، در صورتی که پیش از آن وضو داشته به شک اعتنا نکند و طواف صحیح است ولی اگر می داند که پیش از آن وضو نداشته یا شک دارد که وضو داشته یا نه، واجب است وضو بگیرد و طواف را از اول شروع کند.

اگر قبلاً غسلی بر او واجب بوده و در بین طواف شک کند که آیا غسل کرده و سپس وارد طواف شده یا غسل نکرده است، باید فوری از مسجد خارج شود و غسل کند و طواف را از سر بگیرد.

م۲۸۵ ـ در حال طواف، بدن و لباس باید از خون ـ و بنا بر احتیاط واجب از بقیّه ی نجاسات ـ پاک باشد، امّا پاک بودن جوراب و دستمال و انگشتر و مانند اینها شرط نیست.

م۲۸۶ ـ خون کمتر از یک درهم و خون جراحت و زخم که در نماز اشکال ندارد، در طواف نیز اشکال ندارد.

م۲۸۷ ـ اگر بدن یا لباس با خون ـ و بنا بر احتیاط واجب با بقیّه ی نجاسات ـ نجس باشد در صورت امکان باید برای تطهیر، تا زمانی که وقت تنگ نشود، طواف را به تأخیر اندازد.

م۲۸۸ ـ اگر در پاک بودن بدن یا لباس شک کند، پاک است، امّا اگر بداند بدن یا لباس نجس بوده و شک کند آنها را تطهیر کرده یا نه، باید برای طواف تطهیر کند.

م۲۸۹ - اگر پس از پایان طواف بفهمد بدن یا لباسش نجس بوده است، طواف صحیح است.

م۲۹۰ ـ اگر در حال طواف، بدن یا لباس نجس شود، مثلاً بر اثر ازدحام، پا مجروح شود، اگر بدون قطع طواف نتواند آن را تطهیر کند، واجب است طواف را قطع و بدن یا لباسش را تطهیر کند و بلافاصله برگردد و اگر موالات از بین نرفته، طواف را از جایی که قطع کرده ادامه دهد و طواف صحیح است.

م۲۹۱ ـ اگر در حال طواف، در بدن یا لباس نجاستی ببیند و نداند پیش از طواف وجود داشته یا در حال طواف پدید آمده، مانند مسئله ی قبل عمل کند.

م۲۹۲ ـ اگر در حال طواف بفهمد بدن یا لباس نجس است و یقین کند پیش از شروع طواف وجود داشته است، حکم مسئله ی قبل را دارد.

م۲۹۳ ـ اگر نجاست بدن یا لباس را فراموش کند و در حال طواف به یاد آورد، حکم سه مسئله ی قبل را دارد.

م۲۹۴ ـ اگر نجاست بدن یا لباس را فراموش کند و بعد از طواف به یاد آورد، طواف صحیح است ؛ امّا اگر نماز طواف را نیز با همان بدن یا لباس نجس به جا آورده، باید پس از تطهیر، نماز را دوباره بخواند و احتیاط مستحب است پس از تطهیر، طواف و نماز را تکرار کند.

م۲۹۵- ختنه بودن شرط صحّت طواف مرد است ؛ بنابراین طواف کسی که ختنه نشده ـ بالغ یا نابالغ ـ باطل است.

م۲۹۶ ـ بنا بر احتیاط واجب، پوشاندن عورت در طواف شرط است.

م۲۹۷ ـ اگر زن هنگام طواف مقداری از بدن یا موی سر را که باید پوشیده باشد، نپوشاند، طواف صحیح است ؛ اگرچه مرتکب گناه شده است.

م۲۹۸ ـ لباس طواف کننده باید مباح باشد و طواف در لباس غصبی بنابر احتیاط واجب، باطل است.

شرط هفتم ـ موالات در طواف

م۲۹۹ ـ بنا بر احتیاط واجب، باید بین اجزای طواف موالات عرفی وجود داشته باشد ؛ یعنی بین دورهای طواف به اندازه ای فاصله نباشد که آن را از شکل طواف واحد خارج کند ؛ البتّه اگر بعد از نصف طواف (سه ونیم دور) ، آن را برای اقامه ی نماز قطع کند، اشکال ندارد.

م۳۰۰ ـ اگر طواف واجب پس از انجام نیمی از آن برای اقامه ی نماز واجب قطع شود، پس از نماز ادامه ی طواف کافی و مجزی است و اگر پیش از اتمام نصف، طواف قطع شود، در صورتی که فاصله ی زیادی ایجاد شود، احتیاط واجب است طواف را از ابتدا انجام دهد ؛ ولی اگر فاصله ی زیاد نباشد، رعایت احتیاط، هر چند پسندیده است، اما لازم نیست. در این مورد، فرقی نیست نماز جماعت باشد یا فرادی، وقت نماز تنگ باشد یا نباشد.

م۳۰۱ ـ قطع طواف واجب و از سرگرفتن آن جایز است ؛ هرچند احتیاط آن است که طواف واجب را به اندازه ای که عرفاً موالات از میان برود، قطع نکند.

م۳۰۲ ـ واجبات طواف عبارتند از:

اوّل: شروع طواف از حَجَرالأسود

دوّم: پایان هر دور به حَجَرالأسود

سوّم: سمت چپ بودن کعبه

چهارم: طواف از بیرون حِجر اسماعیل

پنجم: طواف از بیرون کعبه ی معظّمه و شاذروان

ششم: هفت دور بودن طواف.

م۳۰۳ ـ واجب است طواف از حَجَرالأسود آغاز شود ؛ یعنی شروع طواف از مقابل حَجَر باشد، نه به این معنا که تمام بدنش از مقابل همه ی قسمتهای حَجَرالأسود عبور کند، بلکه همین که عرفاً، شروع از حَجَر صدق کند، کافی است ؛ بنابراین می تواند طواف را از هر نقطه از مقابل حجر آغاز کند، امّا باید طواف را در همان نقطه که آغاز کرده، پایان دهد ؛ برای تحقّق این نکته نیّت کند پایان طوافش همان نقطه ی آغاز باشد.

م۳۰۴ ـ واجب نیست پایان هر دور، مقابل حَجَرالأسود بایستد و دور بعدی را آغاز کند، بلکه همین که هفت دور را بدون توقّف طی کند و دور هفتم را در نقطه ای که آغاز کرده، پایان دهد، کفایت می کند ؛ البتّه می تواند اندکی بیشتر با نیت احتیاط ادامه دهد تا یقین کند در همان نقطه ی آغاز، طواف را پایان داده است.

م۳۰۵ ـ مُحرم باید مثل همه ی مسلمانان، بدون دقّتهای وسواسی، طواف را از مقابل حجرالأسود آغاز کند و لازم نیست هنگام شروع طواف مقابل حجر توقّف کند سپس طواف را آغاز کند.

م۳۰۶ ـ واجب است حرکت طواف کننده در جهتی باشد که کعبه سمت چپ او قرار گیرد.

م۳۰۷ ـ معیار اینکه کعبه سمت چپ قرارگیرد، مصداق عرفی است، نه معیار دقیق عقلی ؛ پس اگر هنگام عبور از حِجر اسماعیل و چهار گوشه ی کعبه، اندکی منحرف شود، طواف صحیح است و نیاز نیست در این حال شانه های خود را کج کند تا کعبه دقیقاً سمت چپ قرار گیرد.

م۳۰۸ ـ اگر بخشی از مسیر طواف را خلاف جهت متعارف طی کند، مثلاً هنگام طواف برای بوسیدن کعبه، به سمت آن بچرخد، یا بر اثر ازدحام جمعیت، ناخواسته رو یا پشت او به سوی کعبه شود یا

کعبه در سمت راست او قرار گیرد و در این حالتها طواف کند، طوافش صحیح نیست و باید مقداری را که در این حالت طی کرده اعاده کند.

م۳۰۹ ـ واجب است طواف از بیرون حِجر اسماعیل انجام شود.

م۳۱۰ ـ اگر از داخل حجر اسماعیل طواف کند یا از روی دیوار آن بگذرد، طواف باطل است و باید آن را اعاده کند ؛ و اگر در یکی از دورهای طواف از داخل حجر بگذرد، فقط همان دور باطل است.

م۳۱۱ ـ اگر عمداً از داخل حجر طواف کند، مانند کسی است که طواف را عمداً ترک کرده است و اگر سهواً طواف را از داخل حجر اسماعیل انجام داده، مثل کسی است که طواف را سهواً ترک کرده، که احکام آن خواهد آمد.[۱]

م۳۱۲ ـ طواف باید خارج از کعبه ی معظّمه و پایه های دیوار آن که شاذِروان نام دارد، انجام شود.

م۳۱۳ ـ دست گذاردن بر دیوار حجر اسماعیل و دیوار کعبه هنگام طواف اشکال ندارد.

م۳۱۴ ـ انجام طواف در حدّفاصل بین کعبه و مقام ابراهیم شرط نیست و می توان در خارج از این فاصله و در سایر بخشهای مسجدالحرام نیز طواف کرد ؛ بویژه هنگامی که ازدحام شدید مانع از طواف در آن فاصله باشد ؛ البتّه بهتر است در صورت عدم ازدحام، در فاصله ی مذکور طواف انجام شود.

م۳۱۵ ـ طواف در بالاتر از صحن مسجدالحرام تا هم سطح دیوار کعبه معظّمه به نحوی که طواف دور کعبه صدق کند، صحیح است، هر چند خلاف احتیاط استحبابی است.

م۳۱۶ ـ هر گاه به دلیل ناتوانی نتواند در صحن مسجدالحرام یا همکف طواف کند و ناچار باشد در طبقه ی بالاتر از مقابل کعبه طواف کند، به احتیاط واجب باید خودش در طبقه ی بالا طواف کند و کسی را هم نایب بگیرد برایش در صحن مسجد یا همکف طواف کند. نماز طواف را اگر بتواند خودش در صحن مسجد بخواند و اگر نتواند، هم خودش در طبقه ی بالا و هم نایبش در صحن مسجد بخواند.

م۳۱۷ ـ واجب است هفت دور طواف کند.

---

[۱] . مسأله ۳۸۹ به بعد.

احکام ترک طواف و شک در آن

م۳۱۸ ـ طواف از ارکان عمره است و اگر عمداً تا زمان از دست رفتن فرصت ترک شود، عمره باطل می شود و تفاوتی بین عالم و جاهل نیست.

م۳۱۹ ـ زمانی که مُحرم وارد مکّه شد، واجب نیست اعمال عمره را فوری انجام دهد، بلکه می تواند تا زمانی که وقت وقوف اختیاری عرفات ـ ظهر شرعی روز نهم ذی الحجّه ـ تنگ نشده است، آن را به تأخیر اندازد ؛ به گونه ای که بتواند پس از انجام اعمال عمره ی تمتّع و احرام برای حج، وقوف عرفات را درک کند.

م۳۲۰ ـ اگر عمره باطل شود ـ مانند حالتی که ذکر شد و حالتهای دیگری که بیان خواهد شد ـ بنا بر احتیاط واجب، باید حجّ خود را از تمتّع به إفراد تبدیل کند و بعد از آن عمره ی مفرده انجام دهد و سال بعد، عمره و حجّ تمتّع را اگر بر او واجب بوده تکرار کند.

م۳۲۱ ـ اگر طواف فراموش شود و پس از سعی به یاد آید، اگر وقت هست، باید ابتدا طواف و نماز آن انجام شود و پس از آن سعی تکرار شود.

م۳۲۲ ـ اگر مُحرم طواف را فراموش کند و بعد از فوت وقت به یاد آورد، باید در هر فرصت ممکن قضای طواف و نماز آن را انجام دهد ؛ امّا اگر پس از بازگشت به وطن به یاد آورد، در صورت عدم مشقّت، باید برگردد و قضای آن را انجام دهد، در غیر این صورت باید نایب بگیرد ؛ در هر حال تکرار سعی لازم نیست.

م۳۲۳ ـ کسی که بر اثر بیماری یا شکستگی و مانند آن، حتّی با کمک دیگران، نتواند در زمان ممکن طواف کند، باید در صورت امکان او را حمل کرده و طواف دهند، در غیر این صورت باید نایب بگیرد.

م۳۲۴ ـ اگر پس از طواف و خروج از محلّ آن، در تعداد دورهای طواف شک کند، به شک اعتنا نکند، ولی اگر بین طواف شک کند و مثلاً نداند دور هفتم است یا کمتر، طواف باطل است و باید اعاده کند.

م۳۲۵ ـ کثیرالشّک به شک در عدد دورها اعتنا نکند و احتیاط مستحب است برای حفظ عدد دورها از کسی کمک بگیرد.

م۳۲۶ ـ گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

س۷۳- معیار در کثیرالشّک بودن در طواف چیست؟

ج: عرفی است.

س۷۴- شخصی پس از چند دور طواف، مقداری استراحت می کند، هنگامی که برای تکمیل آن برمی گردد، شک می کند دور پنجم بوده یا ششم، تکلیفش چیست؟

ج: شک در عدد دورهای طواف بین پنج و شش در هر صورت طواف را باطل می کند.

س۷۵- شخصی به نیابت از پدرش عمره ی مفرده انجام داده و روز بعد به نیابت از مادرش مُحرم می شود و بین آن، متوجّه می شود طواف و نماز عمره ی اوّل را بدون وضو انجام داده است ؛ تکلیف چیست؟

ج: احرام دوّم صحیح است، باید طواف و نماز عمره ی اوّل را اعاده کند.

س۷۶- آیا واجب است نماز طواف در نزدیک ترین مکان به مقام ابراهیم خوانده شود، هر چند این کار باعث فشار و سختی برای طواف کنندگان شود؟

ج: در فرض سؤال، نزدیک مقام بودن واجب نیست.

س۷۷- آیا برای زن جایز است برای تأخیر انداختن عادت ماهانه از قرص و مانند آن استفاده کند تا بتواند طواف و نماز آن را در وقتش ادا کند؟

ج: اگر ضرر قابل توجّه نداشته باشد، جایز است.

س۷۸- حکم کسی که برای احتیاط یک دور به طوافش اضافه می کند چیست؟ آیا فرق دارد قبل از شروع طواف یا اثنای آن، قصد این اضافه را داشته باشد؟

ج: اگر شک در تعداد دورها نداشته باشد و از ابتدا قصد کرده هفت دور طواف کند، اشکال ندارد.

س۷۹- پس از انجام چند دور طواف گمان کردم یکی از دورها اشکال دارد و از آن دور منصرف شدم و دور جدیدی جایگزین آن کردم ؛ آیا طواف صحیح است؟

ج: جواز انصراف از یک دور از دورهای طواف به تنهایی محلّ اشکال است، هر چند موجب بطلان طواف نمی شود ؛ امّا اگر از همه ی دورهایی که انجام داده اید منصرف شوید و طواف را از سر بگیرید، اشکال ندارد و صحیح است.

س۸۰- پس از انجام یک دور طواف، به گمان اینکه اشکال دارد از آن منصرف شدم و طواف را از سر گرفتم ؛ آیا صحیح است؟

ج: صحیح است.

س۸۱- کسی با این اعتقاد که طواف یا سعی اش باطل است، آن را تکرار کرده است ـ مثل اینکه معتقد بوده نماز جماعت یا استراحت بین طواف یا سعی مُبطل است ـ آیا عمل صحیح است؟

ج: اگر با این اعتقاد، از عمل قبل منصرف شده و عمل جدید انجام داده است، عمل جدید صحیح است.

س۸۲- آیا پس از انصراف از طواف، برای از سر گرفتن طواف جدید لازم است مقداری زمان بگذرد یا یکی از مبطلات انجام شود؟

ج: قصد انصراف و اعراض کافی است و گذشتِ مقداری زمان یا انجام مُبطل لازم نیست.

س۸۳- هر گاه در طواف چند قدم بدون اختیار برود، حکمش چیست؟

ج: اگر گامها را با اختیار برمیدارد، هر چند در اثر فشار جمعیت گاهی به جلو یا به این طرف و آن طرف برود، اشکال ندارد، ولی اگر دیگری او را ببرد به طوری که اراده از او سلب شود اشکال دارد.

س۸۴- حکم طواف و سعی با صندلی چرخ دار با کمک کسی که آن را می راند، در صورتی که خودش می تواند آن را براند چیست؟

ج: کافی نیست.

س۸۵- اگر محدودیّتهایی در طواف اعمال شود، آیا با فاصله ی زیاد از کعبه یا با وجود حائل، که کعبه دیده نمی شود، طواف صحیح است؟

ج: اگر با وجود فاصله ی زیاد یا حائل، طواف کعبه صدق کند، اشکال ندارد.

س۸۶ ـ در بین طواف و بعد از اتمام نصف، وضویم باطل شد و برای تجدید وضو از مسجد الحرام خارج شدم. مجموع رفت و برگشت من حدود ۲۰ الی ۲۵ دقیقه طول کشید، آیا موالات به هم خورده است و باید طواف را از سر بگیرم؟ آیا در موالات میان اشخاص پیر و ناتوان که طبیعتاً تجدید طهارت برای آنها نسبت به افراد جوان و توانا مستلزم صرف زمان بیشتری است تفاوت می کند؟ آیا میان اینکه جمعیت فشرده و شلوغ باشد که سبب اتلاف زمان زیادی است با اینکه مکان خلوت باشد، فرق است؟ اگر شک کنیم که موالات بهم خورده است یا نه تکلیف چیست؟

ج: موالات یک امر واقعی و عرفی است بدون آنکه تابع اشخاص و زمان های متفاوت باشد ؛ لذا تفاوتی میان پیر و جوان و نیز شلوغی و خلوتی و امثال آن نیست.

اگر طواف کننده شک کند که موالات بهم خورده، اصل این است که موالات بهم نخورده است.

س۸۷- با توجه به اینکه شخصی که می تواند خودش طواف کند طواف دادن او توسط دیگران صحیح نیست، حال اگر فردی نتواند تمام هفت دور را خودش طواف کند ولی می تواند مقداری از آن را انجام دهد آیا جایز است در تمام هفت دور او را طواف دهند؟

ج: به مقداری که می تواند باید خودش انجام دهد و برای بقیه ی دورها او را طواف دهند.

م۳۲۷ ـ شایسته است در حال طواف، همواره خشوع و حضور قلب داشته و به ذکر خدا مشغول باشد و ادعیه ی وارده را بخواند.

ـ در حال طواف بگوید: «أللّهُمّ إنّی أسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ کما یُمْشی بِهِ عَلی جُدَدِ الأَرْضِ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الّذِیْ یَهْتَزّ لَهُ عَرْشُکَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الّذِی تَهْتَزّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُّور فاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبّةً مِنْکَ وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الّذی عَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمّدٍ [صلی الله علیه وآله] ما تَقَدّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تأَخّرَ وأَتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أَنْ تَفْعَلَ بی کذا وَکذا». و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

ـ در حال طواف بگوید: «أللّهُمّ إنّی إلَیْکَ فَقِیْرٌ وَإنّی خائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ فَلا تُغَیّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدّلْ إسْمِی».

ـ صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می رسد.

ـ وقتی که به حجر اسماعیل رسید، سر را بلند کند و بگوید: «أللّهُمّ أدْخِلْنِی الْجَنّةَ وَأجِرْنِی مِنَ النّار بِرَحْمَتِکَ وَعافِنِی مِنَ السّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَیّ مِنَ الرّزْقِ الْحَلالِ وَادْرَأ عَنّی شَرّ فُسَقَةِ الجِنّ وَالإنْسِ وَشَرّ فُسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

ـ وقتی از حجر اسماعیل گذشت و به پشت کعبه رسید، بگوید: «یا ذَا الْمَنّ وَالطّوْلِ یاذَا الْجُودِ وَالْکَرَمِ إنّ عَمَلِی ضَعِیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَتَقَبّلْهُ مِنّی إنّکَ أنْتَ السّمِیْعُ الْعَلِیْمُ».

ـ وقتی به رکن یمانی رسید دست ها را به دعا بلند کند و بگوید: «یا أللّهُ یا وَلِیّ الْعافِیَةِ وَخالِقَ الْعافِیَةِ وَرازِقَ الْعافِیَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِیَةِ وَالْمَنّانُ بِالعافِیَةِ والمُتَفَضّلُ بِالْعافِیَةِ عَلَیّ وَعَلی جَمِیعِ خَلْقِکَ یا رَحْمنَ الدّنْیا وَالآخِرَةِ وَرَحِیْمَهُما صَلّ عَلی مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمّدٍ وَارْزُقْنَا الْعافِیَةَ وَتَمامَ الْعافِیَةِ وَشُکْرَ الْعافِیَةِ فی الدّنْیا وَالآخِرَةِ یا أرْحَمَ الرّاحِمِیْنَ».

ـ میان رکن یمانی و حجرالأسود بگوید: «رَبّنا آتِنا فی الدّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّار».

ـ اگر مزاحمتی برای طواف کنندگان نبود، در هر دور، ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید: «أمانَتی أدّیْتُها وَمِیثاقی تعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ».

م۳۲۸ـ سوّمین عمل واجب در عمره، نماز طواف است.

م۳۲۹ ـ مُحرم واجب است بعد از طواف، دو رکعت نماز، با صدای بلند یا آهسته، بخواند و لازم است مانند طواف، در نیت، نوع آن را معیّن کند و آن را با اخلاص و قصد قربت به جا آورد.

م۳۳۰ـ باید بین طواف و نماز آن فاصله ایجاد نشود ؛ معیار تشخیص فاصله یا عدم آن عرف است.

م۳۳۱ ـ نماز طواف مانند نماز صبح است ؛ می توان بعد از حمد هر یک از سوره های قرآن، بجز چهار سوره ی سجده دار را قرائت کرد و مستحب است در رکعت اوّل پس از حمد، سوره ی توحید و در رکعت دوّم سوره ی کافرون خوانده شود.

م۳۳۲ ـ نماز طواف باید در مسجدالحرام پشت مقام ابراهیم و در صورت عدم زحمت برای دیگران، نزدیک به مقام خوانده شود و در صورت عدم امکان، خواندن نماز طواف پشت مقام و با فاصله از آن صحیح است.

م۳۳۳ ـ اگر نماز طواف را عمداً ترک کند تا وقت جبران آن بگذرد، حج باطل است ؛ امّا اگر سهواً یا به دلیل ندانستن مسئله ـ قاصر یا مقصّر ـ ترک کند حج باطل نیست ؛ در این صورت اگر پیش از خروج از مکه به یاد آورد و در برگشت به مسجد الحرام مشقت شدید نباشد، باید برگردد و نماز طواف را بخواند و اگر پس از خروج از مکه یادش آمد می تواند در محلّی که به یاد آورده بخواند.

م۳۳۴ ـ اگر هنگام سعی بین صفا و مروه به یاد آورد که نماز طواف را فراموش کرده، باید سعی را قطع کند و نماز را پشت مقام بخواند و سعی را از جایی که قطع کرده بود، ادامه دهد.

م۳۳۵ ـ اگر مرد و زن کنار هم نماز طواف بخوانند یا زن جلوتر باشد نماز هر دو صحیح است.

م۳۳۶ ـ اقامه ی نماز طواف به جماعت صحیح نیست.

م۳۳۷ ـ بر هر فرد مکلّف، به ویژه کسی که می خواهد حج به جا آورد، لازم است نماز صحیح را فراگیرد تا تکلیف خود را به درستی انجام دهد.

م۳۳۸ ـ مستحب است در رکعت اوّل پس از حمد، سوره ی توحید و در رکعت دوّم سوره ی کافرون خوانده شود.

ـ پس از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«أللّهُمّ تقبّلْ مِنّی وَلا تجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی. أَلْحَمْدُ للّهِ بِمَحامِدِهِ کُلّها عَلی نعْمائِهِ کُلّها حَتی یَنْتَهی الْحَمْدُ إلی ما یُحِبّ وَیَرْضی، أللّهُمّ صَلّ عَلی مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمّدٍ وَتقَبّلْ مِنّی وَطَهّرْ قَلْبی وَزَکّ عَمَلی».

و همچنین بگوید: «أللّهُمّ ارْحَمْنِی بِطاعَتی اِیّاکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَ [صلی الله علیه وآله وسلم] أللّهُمّ جَنّبْنِی أنْ أتعَدّی حُدُودَکَ وَاجْعَلْنِی مِمّنْ یُحِبّکَ وَیُحِبّ رَسُولَکَ وَمَلائِکتَکَ وَعِبادَکَ الْصّالِحِینَ»

ـ بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین بگوید: «سَجَدَ لکَ وَجهِی تعَبّداً وَرقّاً لا إلهَ إلا أنْتَ حَقّاً حَقّاً الأوّلُ قبْلَ کلّ شَی ءٍ وَالآخِرُ بَعْدَ کلّ شَیءٍ وَهاأنَاذا بَیْنَ یَدَیْکَ ناصِیَتی بِیَدِکَ فاغْفِرْ لی إنّهُ لا یَغْفِرُ الذّنْبَ الْعَظیمَ غَیْرُکَ فَاغْفِرْ لِی فإنّی مُقِرّ بِذُنُوبی عَلی نَفْسی وَلا یَدْفَعُ الذّنْبَ الْعَظِیمَ غَیْرُکَ»

ـ بعد از نماز طواف و پیش از سعی، از آب زمزم بنوشد و به سر و پشت خود بریزد و بگوید: «أللّهُمّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً وَرِزْقاً واسِعاً وَشِفاءً مِنْ کلّ داءٍ وَسُقْمٍ».

طواف مستحب

م۳۳۹ ـ طواف مستحب، جدا از اعمال عمره و حج، برای خود یا به نیابت از دیگران، انجام می شود ؛ این عمل از مستحبّات مکه ی مکرّمه است. مستحب است کسی که در مکه است هر چه بتواند، طواف کند.

م۳۴۰ ـ در طواف مستحب با وضو بودن شرط نیست، ولی برای نماز، وضو لازم است، امّا کسی که غسل جنابت، حیض یا نفاس بر عهده دارد علاوه بر آنکه ورود به مسجد الحرام بر او حرام است، طوافش بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست.

م۳۴۱ ـ اگر طواف کننده در عدد دورهای طواف مستحب شک کند، بنا را بر کمتر بگذارد و طواف را به پایان رساند.

م۳۴۲ ـ قطع طواف مستحب، جایز است.

م۳۴۳ ـ خواندن نماز طواف مستحب در هر جای مسجدالحرام جایز است و در صورت ازدحام، بهتر است برای رعایت حال کسانی که نماز طواف واجب دارند، پشت مقام ابراهیم خوانده نشود.

س۸۸- آیا نماز طواف مستحب را می توان در حال حرکت و راه رفتن خواند؟

ج: صحّت نماز طواف، هر چند مستحبّی باشد، در حال راه رفتن محلّ اشکال است و احتیاط در استقرار در حال نماز طواف مستحبّی است.

س۸۹- کسی که زمان ازدحام طواف مستحب انجام دهد به طوری که برای حجّاجی که طواف واجب انجام می دهند مزاحمت باشد، آیا طوافش اشکال دارد؟ بخصوص اگر طواف مستحب در زمان دیگر ممکن باشد.

ج: اشکال ندارد، امّا بهتر بلکه احتیاط مستحب است هنگام ازدحام، طواف مستحب ترک شود.

س۹۰- زنی که می داند در طواف مستحب به بدن مردان نگاه می کند و یا در فشار ازدحام بین مردان قرار می گیرد، آیا می تواند طواف مستحب انجام دهد؟

ج: اگر اختیاراً به بدن نامحرم نگاه نکند، اشکال ندارد، امّا در ازدحام بهتر است رعایت کند ؛ در هر حال طواف صحیح است.

چهارم: سعی

م۳۴۴ ـ چهارمین عمل واجب عمره، سعی است.

م۳۴۵ ـ پس از طواف و دو رکعت نماز آن، سعی بین کوه صفا و کوه مروه واجب است. سعی عبارت است از راه پیمودن میان آن دو، به گونه ای که دور اوّل را از صفا شروع کند و در مروه پایان دهد و دور دوّم را از مروه تا صفا طی کند و به همین صورت هفت دور را بپیماید و در مروه پایان دهد. بنابراین آغاز سعی از مروه و پایان آن در صفا صحیح نیست.

م۳۴۶ ـ برای انجام سعی نیت واجب است. در نیت سعی نیز مانند نیت احرام، باید نوع عمل تعیین شود و با قصد قربت و اخلاص همراه باشد.

م۳۴۷ ـ برای انجام سعی، وضو و طهارت از جنابت و حیض لازم نیست.

م۳۴۸ ـ سعی باید پس از طواف و نماز آن انجام شود و پیش از طواف صحیح نیست.

م۳۴۹ ـ به تأخیر انداختن سعی پس از طواف و نماز آن تا روز بعد جایز نیست، امّا تأخیر تا شبِ همان روز اشکال ندارد.

م۳۵۰ ـ در هر دور باید تمام فاصله ی بین صفا و مروه پیموده شود.

م۳۵۱ ـ در زمان انجام سعی، هنگام رفتن به سمت مروه باید رو به سوی مروه و هنگام رفتن به سمت صفا باید رو به سوی آن داشته باشد و اگر در حال رفتن به طرف صفا یا مروه، پشت به آن کرده، عقب عقب برود، سعی صحیح نیست، امّا گرداندن صورت به چپ و راست یا به پشت سر اشکال ندارد.

م۳۵۲ ـ سعی باید در طبقه همکف یا زیرزمین انجام شود و سعی در طبقات بالاتر صحیح نیست و کسی که نمی تواند در طبقه ی همکف یا زیر زمین سعی کند، باید نایب بگیرد.

م۳۵۳ ـ هنگام انجام سعی، نشستن و استراحت، حتّی بدون عذر، جایز است.

م۳۵۴ ـ مُحرم باید در صورت توان، سعی را خودش انجام دهد و انجام سعی به هر دو صورت پیاده و سواره صحیح است ، امّا پیاده افضل است و اگر برای انجام سعی ناتوان باشد، باید با کمک دیگران سعی کند و اگر این هم ممکن نباشد، باید نایب بگیرد.

م۳۵۵- سعی نیز مثل طواف، رکن است و حکم ترک آن، عمداً یا سهواً، مثل ترک طواف است که پیشتر گفته شد.[۱]

م۳۵۶ ـ اگر سعی را در عمره تمتع فراموش کند و از احرام خارج شود و با همسر آمیزش کند، باید

علاوه بر قضای سعی، بنا بر احتیاط واجب یک گاو کفّاره بدهد.

م۳۵۷ ـ اگر به دلیل فراموشی یا جهل به حکم، یک دور یا بیشتر بر سعی بیفزاید، سعی صحیح است.

م۳۵۸ ـ اگر هفت دور سعی اضافه انجام دهد، به این صورت که گمان کند رفت و برگشت یک دور است، سعی صحیح است و نیازی به تکرار آن نیست ؛ همچنین اگر در حال سعی متوجّه شود بیش از هفت دور سعی انجام داده، مثلاً دور هشتم یا نهم است، سعی صحیح است و باید از ادامه ی آن خودداری کند.

م۳۵۹ ـ اگر کسی سهواً سعی را ناقص انجام دهد، باید پس از متوجّه شدن آن را تکمیل کند، و اگر پس از بازگشت به وطن متوجّه شود، در صورت عدم مشقّت زیاد، باید به مکه برگردد، وگرنه نایب بگیرد.

---

[1] . مسئله ی ۳۸۹ به بعد.

س۹۱- ولیّ کودک ممیز او را برای سعی می برد ؛ کودک در کالسکه و خواب است ؛ آیا لازم است ابتدای سعی او را برای نیت بیدار کند؟ اگر در آغاز بیدار باشد و در بین راه خواب برود چه حکمی دارد؟

ج: باید برای نیت از ابتدا تا پایان سعی بیدار باشد ؛ البتّه در صورت توان باید خودش سعی کند و سعی دادن او صحیح نیست.

س۹۲- در سعی بین صفا و مروه، عدّه ی زیادی کنار کوه صفا و مروه تجمّع می کنند، به گونه ای که موجب دشواری حرکت سعی کنندگان می شود. آیا کسی که سعی انجام می دهد، باید در هر دور دقیقاً به کوه برسد، یا رسیدن به ابتدای سرازیری ـ محلّ شروع سعی افراد ناتوان ـ کفایت می کند؟

ج: بالا رفتن به سوی کوه به اندازه ای که «رسیدن به کوه» و «پیمودن فاصله ی بین دو کوه» بر آن صدق کند، کافی است.

س۹۳- با توسعه ای که در مَسعی (محل سعی) به وجود آمده تمام مکان قبلی برای سعی از یک طرف قرار داده شده و سعی طرف دیگر باید در مقدار توسعه یافته انجام شود. حال اگر شخصی احراز نکند مقدار توسعه یافته بین دو کوه است و احتمال دهد از بین دو کوه یا یکی از آنها خارج است، وظیفه اش چیست؟

ج: سعی در آن صحیح و مُجزی است.

س۹۴- سعی در طبقه ی فوقانی که بالاتر از دو کوه فعلی است برای کسانی که سعی در طبقه ی همکف برایشان امکان ندارد مثل معلولین و جانبازان چه حکمی دارد؟

ج: سعی در مسیری که بالاتر از صفا و مروه است مجزی نیست ؛ کسی که از سعی در زیر زمین یا همکف، حتّی با ویلچر و مانند آن، عاجز است باید نایب بگیرد.

س۹۵- کسی که بعد از سعی متوجّه می شود در نماز طواف، قرائت را که با اعتقاد به صحّت خوانده است، اشتباه خوانده است، چه حکمی دارد؟

ج: با توجّه به اینکه اشتباه در قرائت عمدی نبوده است، عمل صحیح است و تکلیفی ندارد.

س۹۶- کسی که به دلیل جهل به حکم یا فراموشی، چهارده دور سعی انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج: اگر از ابتدا قصد داشته است هفت دور سعی کند صحیح است.

م۳۶۰– در سعی چند چیز مستحب است

با آرامش و وقار بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و حمد و ثنای الهی را به خاطر بیاورد، و این اذکار را بگوید:
هفت مرتبه «اللّهُ أکبَرُ».
هفت مرتبه «ألحَمدُ للّهِ».
هفت مرتبه «لا إلهَ إلا اللّهُ».
«لا إلهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمِیْتُ وَهُوَ حَیّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ».
پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید:
«اللّهُ أکبَرُ عَلی ما هَدانا وَالْحَمْدُ للّهِ عَلی ما أبْلانا وَالْحَمْدُ للّهِ الْحَیّ الْقَیّومِ وَالْحَمْدُ للّهِ الْحَیّ الدّائِمِ»

«أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلا اللّهُ وَأشْهَدُ أنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لا نَعْبُدُ إلا إیّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدّینَ وَلَوْ کرِهَ الْمُشْرِکُونَ».
سه مرتبه

«أللّهُمّ إنّی أسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَةَ وَالْیَقینَ فی الدّنْیا وَالآخِرَةِ»
سه مرتبه

«أللّهُمّ آتِنا فی الدّنْیا حَسَنَةً وَفی الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ».
سپس صد مرتبه

«اللّهُ أکبَرُ».

صد مرتبه

«لا إلهَ إلا اللّه».
صد مرتبه

«ألْحَمْدُ للّهِ»
صد مرتبه «سُبحانَ اللّهِ».
سپس بگوید:
«لا إلهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَغَلَبَ الأحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، أللّهُمّ بارِکْ لِی فی الْمَوْتِ وَفِیما بَعْدَ الْمَوْتِ، أللّهُمّ إنّی أعُوذُ بِکَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ أللّهُمّ أظِلّنی

فی ظِلّ عَرْشِکَ یَوْمَ لا ظِلّ إلا ظِلّکَ».
سپس دین و خود و خانواده و مالش را به خداوند عالم بسپارد و بگوید:
«أسْتَوْدِعُ اللّهَ الرّحْمنَ الرّحِیمَ الّذی لا تَضِیعُ وَدائِعُهُ دِینی وَنَفْسی وَأهْلی، أللّهُمّ اسْتَعْمِلْنی عَلی کتابِکَ وَسُنّةِ نَبِیّکَ وَتَوَفّنی عَلی مِلّتِهِ وَأعِذْنی مِنَ الْفِتْنَةِ».
پس سه مرتبه بگوید «اللّهُ أکبَرُ».
و این دعا را بخواند:
«أللّهُمّ اغْفِرْ لِی کُلّ ذَنْبٍ أذْنَبْتُهُ قَطّ فَإنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَیّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإنّکَ أنْتَ الْغَفُورُ الرّحِیمُ، أللّهُمّ اجْعَلْ بی ما أنْتَ أهْلُهُ فَإنّکَ إنْ تَجْعَلْ بی ما أنْتَ أهْلُهُ تَرْحَمْنی وَإنْ تُعَذّبنی فَأنْتَ غَنیّ عَنْ عَذابی وَأنا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِکَ. فَیامَنْ أنا مُحْتاجٌ إلی رَحْمَتِهِ ارْحَمْنی، أللّهُمّ لا تَجْعَلْ بی ما أنا أهْلُهُ، فَإنّکَ إنْ تَجْعَلْ بی ما أنا أهْلُهُ تُعَذّبْنی وَلَمْ تَظْلِمْنی أصْبَحْتُ أتّقی عَدْلَکَ وَلا أخافُ جَوْرَکَ فَیامَنْ هُوَ عَدْلٌ لا یَجُورُ اِرْحَمْنی».
ـ پیاده سعی کند و از صفا تا قسمتی که با چراغ های سبز مشخص شده است به طور معمول راه برود و از ابتدای محدوده ی چراغ های سبز تا آخر این محدوده، هروله کند و در وقت برگشت از مروه به صفا نیز در قسمت چراغ های سبز به حالت هروله مراجعت کند ؛ البته برای زن ها هروله نیست.

ـ در حال سعی بسیار دعا کند و خود را به گریه وا دارد.

پنجم: تقصیر

م۳۶۱ ـ پنجمین عمل واجب عمره، تقصیر است.

م۳۶۲ ـ واجب است مُحرم پس از سعی هر چند با فاصله از آن، تقصیر کند ؛ یعنی اندکی از موی سر یا ریش یا سبیل یا کمی از ناخن دست یا پای خود را کوتاه کند.

م۳۶۳ ـ تقصیر مثل بقیّه ی اعمال عمره از عبادات است و باید با نیت قربت باشد، همان طور که در نیت احرام بیان شد.

م۳۶۴ ـ حلق (تراشیدن سر) برای خارج شدن از احرام عمره تمتع کافی نیست و برای خروج از احرام عمره تمتع، حتماً باید تقصیر کند. بلکه اگر پیش از تقصیر، سر خود را عمداً و با علم به مسأله بتراشد، علاوه بر آنکه مجزی نیست باید یک گوسفند هم کفاره دهد. اما اگر برای عمره ی مفرده مُحرم شده باشد، می تواند بین تقصیر یا حلق، یکی را برگزیند.

م۳۶۵ ـ اگر عمداً یا به دلیل ندانستن مسئله تقصیر را ترک کند یا به جای تقصیر، حلق کند یا مو را بکند سپس حج به جا آورد، عمره اش باطل و حجّش إفراد محسوب می شود ؛ در این صورت اگر حجّ واجب بر عهده اش بوده است، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از حج، عمره ی مفرده انجام دهد و سال بعد عمره ی تمتّع و حج را اعاده کند.

م۳۶۶ ـ اگر مُحرم سهواً تقصیر نکند و برای حج مُحرم شود، احرام و عمره و حج او صحیح است و کفاره ای بر او واجب نیست، البته مستحب است که یک گوسفند کفاره دهد و دادن کفاره را ترک نکند.

م۳۶۷ ـ پس از تقصیر، در پایان اعمال عمره ی تمتّع، همه ی مُحرّمات احرام، حتّی زن حلال می شود.

م۳۶۸ ـ در عمره ی تمتّع، طواف نساء واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب است طواف نساء و نماز آن به امید ثواب قبل از تقصیر انجام شود ؛ امّا در عمره ی مفرده طواف نساء و نماز آن واجب است.

م۳۶۹ ـ بنا بر احتیاط واجب نباید بین عمره ی تمتّع و حجّ تمتّع، عمره ی مفرده به جا آورد، ولی اگر به جا آورد، عمره و حج صحیح است.

م۳۷۰ ـ خروج از مکه بعد از عمره ی تمتع و قبل از اعمال حج برای کسی که مطمئن است می تواند برای انجام حج تمتع به مکه برگردد جایز است. هرچند احتیاط مستحب آن است که از مکه خارج نشود مگر برای نیاز و کار ضروری. در این صورت بنابر احتیاط مستحب ابتدا در مکه برای حج محرم شود و بعد خارج شود. و اگر مُحرم شدن برای او مشقت داشته باشد، می تواند برای انجام کار خود بدون احرام خارج شود. افرادی که قصد عمل به این احتیاط را دارند و ناچارند یک یا چند مرتبه به مکه وارد و از آن خارج شوند مانند خدمه ی کاروان ها، می توانند برای ورود به مکه ، اول عمره ی مفرده انجام دهند و عمره ی تمتع را به تأخیر بیندازند تا زمانی که بتوانند در آن وقت عمره ی تمتع را قبل از اعمال حج به جا آورند، در این صورت باید از میقات برای عمره ی تمتع محرم شوند و هنگامی که از عمره ی تمتع فارغ شدند از مکه برای حج محرم شوند.

م۳۷۱- ملاک خروج از مکه در مسئله ی قبل، خروج از شهر کنونی مکه است. بنابراین رفتن به مکانهایی که در حال حاضر جزو مکه است، هر چند در گذشته خارج از شهر بوده است، خروج از مکه محسوب نمی شود.

م۳۷۲- اگر بعد از عمره ی تمتّع بدون احرام از مکه خارج شود، چنانچه در همان ماه قمری که عمره انجام داده به مکه برگردد، برای ورود به مکه احرام مجدد لازم نیست ؛ ولی اگر در ماه بعد برگردد، مثل اینکه عمره را در ذی القعده انجام دهد و خارج شود و در ماه ذی الحجّه به مکه برگردد یا ذی القعده عمره انجام دهد و در ذی الحجّه خارج شود و مجدّداً برگردد، واجب است قبل از ورود به مکه برای عمره ی تمتّع مُحرم شود و عمره ی تمتّع وی که جزو حجّ تمتّع است، همین عمره ی تمتّع دوّم است ؛ و اگر بدون احرام وارد شود و عمره ی دوّم را انجام ندهد، حجّ تمتّع وی صحیح نیست.

استفتائات احکام بین عمره ی تمتّع و حج

س۹۷- افرادی مثل مدیر و خدمه ی کاروان که لازم است برای سرکشی به چادرهای عرفات از مکه خارج شوند، در صورت اطمینان به بازگشت و درک وقوف عرفات، آیا می توانند بعد از عمره ی تمتّع از مکه خارج شوند؟

ج: به طور کلّی کسی که نمی ترسد حجّش در آن سال از دست برود، می تواند بعد از عمره ی تمتّع با اختیار از مکه خارج شود ؛ در این صورت اگر خارج شود و در همان ماهی که عمره ی تمتّع به جا آورده داخل مکه شود و احرام حج ببندد و به وقوف عرفات برسد، عملش صحیح است.

س۹۸- اگر شخصی در یکی از ماه های حج مثل شوّال، عمره ی تمتّع انجام دهد و در ماه بعد، از مکه خارج شود، لازم است عمره ی تمتّع را مجدّداً به جا آورد ؛ حال مسائل زیر مورد سؤال است:

۱.آیا عمره ی سابق تبدیل به مفرده شده است و برای تکمیل آن طواف نساء لازم است؟

ج: تبدیل عمره ی سابق به مفرده ثابت نیست، بنابراین وجوب طواف نساء دلیلی ندارد ولی احتیاط است که انجام آن ترک نشود.

۲. اگر مجدّداً عمره ی تمتّع را به جا نیاورد، آیا عمر ه ی تمتّع قبل باطل شده است و نمی تواند حج تمتّع به جا آورد؟

جواب: عمره ی قبلی عمره ی لازم در حج تمتّع محسوب نمی شود پس حج تمتّع صحیح نیست.

۳. آیا میقات احرام عمره ی تمتّع جدید نیز یکی از میقات های پنج گانه است یا می توان از ادنی الحِلّ مُحرم شد؟

ج: باید از یکی از مواقیت پنج گانه مُحرم شد.

س۹۹- شخصی در ماه شوّال یا ذی القعده عمره ی تمتّع به جا می آورد و به مدینه برمی گردد ؛ در ماه جدید مجدّداً قصد تشرّف به مکه را دارد ؛ وظیفه اش نسبت به احرام در مسجد شجره چیست؟ عمره ی مفرده یا تمتّع یا عمره ای که بر ذمّه دارد؟

ج: باید برای عمره ی تمتّع مُحرم شود و عمره ی تمتّع حجّ وی همین عمره است.

س۱۰۰- برخی رانندگان برای رهایی از ازدحام خیابان های مکه، برای رفتن از محلّه ای به محلّه ی دیگر شهر، از جادّه ها و تونل هایی که برای رفتن به منا احداث شده است عبور می کنند که از منا می گذرد ؛ آیا این کار خروج از مکه است؟

ج: اگر عرفاً منا خارج از مکه باشد، تفاوتی بین عبور و غیر آن نیست.

اوّل: احرام

م۳۷۳ ـ نخستین عمل واجب حج، احرام است. احرام حج از نظر کیفیت، شرایط، مُحرّمات، احکام و کفّارات، مثل احرام عمره است، فقط نیت آن متفاوت است و باید به نیت حج انجام شود. البتّه احرام حج ویژگی هایی دارد که در مسائل آینده بیان می شود.

م۳۷۴ ـ میقات احرام حجّ تمتّع، مکه ی مکرّمه است و بهتر است احرام در مسجدالحرام انجام شود. احرام در همه جای مکه، حتّی بافت جدید شهر، صحیح است، امّا در مناطق قدیمی آن احوط است و اگر جزو شهر بودن محلّی مشکوک باشد در آن محل صحیح نیست.

م۳۷۵ ـ احرام حج باید زمانی انجام شود که وقوف اختیاری عرفه ممکن باشد. بهترین زمان احرام، هنگام زوال روز هشتم ذی الحجّه - روز ترویه - است ؛ احرام قبل از آن نیز جایز است، خصوصاً برای سالمندان و بیمارانی که از ازدحام هراس دارند و نیز کسانی که قصد دارند به دلیل نیاز یا ضرورت از مکه خارج شوند.

م۳۷۶ ـ اگر به دلیل فراموشی یا جهل به مسئله احرام نبندد و به منا یا عرفات برود، باید به مکه برگردد و مُحرم شود و اگر به دلیل تنگی وقت یا عذر دیگر بازگشت ممکن نباشد، در همان محل مُحرم شود و حج صحیح است.

م۳۷۷ ـ کسی که به دلیل فراموشی یا جهل به مسئله احرام نبندد و اعمال حج را به پایان برد، حجّش صحیح است و احتیاط مستحب است سال بعد حج را اعاده کند.

م۳۷۸ ـ اگر کسی آگاهانه و عمداً احرام را ترک کند، به طوری که وقوف در عرفات و مشعر را در حال احرام از دست دهد، حجّش باطل است.

م۳۷۹ ـ کسی که برای حج مُحرم شده، واجب است از ظهر روز عرفه لبّیک گفتن را ترک کند.

م۳۸۰ ـ کسانی که مجازند پیش از وقوف عرفات اعمال مکه را انجام دهند، باید قبل از اعمال مُحرم شوند و اگر بدون احرام انجام دهند باید با احرام اعاده کنند.

دوّم: وقوف در عرفات

م۳۸۱ ـ دوّمین عمل واجب حج، وقوف در عرفات است. عرفات محلّی مشهور نزدیک مکه است.

م۳۸۲ ـ وقوف در عرفات از عبادات است و باید با نیت قربت باشد که شرایط آن در نیت احرام بیان شد.

م۳۸۳ ـ منظور از وقوف، حضور در عرفات است، خواه سواره باشد یا پیاده یا خوابیده یا ایستاده.

م۳۸۴ ـ احتیاط واجب آن است که مُحرم از زوال روز نهم ـ ظهر شرعی ـ تا غروب شرعی (وقت نماز مغرب) در عرفات حضور داشته باشد ؛ هر چند بعید نیست که تأخیر به اندازه ی ادای نماز ظهر و عصر به صورت جمع با مقدّمات آن، جایز باشد.

م۳۸۵ ـ وقوف از ظهر روز عرفه تا وقت نماز مغرب واجب است، امّا مقدار رکنی آن، به اندازه ای است که وقوف بر آن صدق کند، هر چند یک یا دو دقیقه باشد. بنابراین اگر عمداً و با اختیار، حتّی این مقدار را انجام ندهد، حج باطل است.

م۳۸۶ ـ خارج شدن از عرفات پیش از غروب شرعی، حرام است و اگر مُحرم عمداً پیش از غروب خارج شود و برنگردد، معصیت کرده است ؛ امّا حجّش صحیح است و باید یک شتر کفّاره بدهد و بنا بر احتیاط واجب عید قربان ذبح کند و احتیاط مستحب است که ذبح در منا باشد و اگر از دادن کفّاره ناتوان باشد، هجده روز روزه بگیرد و اگر پیش از غروب به عرفات برگردد، کفّاره واجب نیست.

م۳۸۷ ـ اگر بر اثر فراموشی یا ناآگاهی از مسئله، پیش از وقت نماز مغرب از عرفات بیرون رود، در صورتی که قبل از پایان وقت وقوف متوجّه شود، واجب است برگردد و اگر برنگردد، معصیت کرده است، امّا کفّاره ای بر عهده اش نیست و اگر پس از پایان وقت متوجّه شود، تکلیفی ندارد.

م ۳۸۸ـ چند چیز از مستحبات وقوف در عرفات است:

۱ ـ در حال وقوف با وضو باشد.
۲ ـ غسل کند و بهتر است نزدیک ظهر باشد.
۳ ـ آنچه موجب تفرق حواس است از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد.
۴ ـ وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد و بالا رفتن کوه مکروه است.
۵ ـ در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد.
۶ـ صد مرتبه «اللهُ أکبَرُ» و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد این دعا را نیز بخواند:
«أللّهُمّ رَبّ المشَاعِرِ کلّها فُکّ رَقبَتی مِنَ النّار وَأوْسِعْ عَلَیّ مِنْ رزْقِکَ الْحَلالِ وَادْرَأ عَنّی شَرّ فُسَقَةِ الْجِنّ وَالاِنْس، أللّهُمّ لا تمْکرْ بی وَلا تخْدَعْنی وَلا تسْتَدْرجْنی یا أسْمَعَ السّامِعینَ وَیا أبْصَرَ النّاظِرینَ وَیا أسْرَعَ الْحاسِبِینَ وَیا أرْحَمَ الرّاحِمینَ أسْأَلُکَ أنْ تُصَلّیَ عَلی مُحَمّدٍ وَآلِ مُحَمّدٍ وَأنْ تفْعَلَ بی کذا وَکذا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را نام ببرد پس دست به آسمان بردارد و بگوید:
«أللّهُمّ حاجَتی إلَیْکَ الّتی اِنْ أعْطَیْتَنِیها لَمْ یَضُرّنی ما مَنَعْتَنی وَإنْ مَنَعْتَنیها لَمْ یَنْفَعَنی ما أعْطَیْتَنی، أسْأَلُکَ خَلاصَ رَقَبَتی مِنَ النّار أللّهُمّ إنّی عَبْدُکَ وَمِلْکُ ناصِیَتی بیَدِکَ وَأجَلی بعِلْمِکَ، أسْأَلُکَ أنْ تُوَفّقَنی لِما یُرْضیکَ عَنّی وَأنْ تُسَلّمَ مِنّی مَناسِکِیَ الّتی أرَیْتَها خَلِیلَکَ اِبْراهیمَ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِ وَدَلَلْتَ عَلَیْها نَبیّکَ مُحَمّدا [صلی الله علیه وآله] أللّهُمّ اجْعَلْنی مِمّنْ رَضِیتَ عَمَلَهُ وَأطَلْتَ عُمْرَهُ وَأحْیَیْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

۷ ـ این دعا را بخواند:
«لا إلهَ إلا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیّ لا یَمُوتُ بیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ، اللّهُمّ لَکَ الْحَمْدُ کالّذی تَقُولُ وَخَیْرا مِمّا نَقُولُ وَفَوْقَ ما یَقُولُ الْقائِلُونَ، أللّهُمّ لَکَ صَلاتی وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی وَلَکَ تُراثی (بَراءَتی خ ل) وَبِکَ حَوْلی وَمِنْکَ قُوّتی، أللّهُمّ إنّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَقْر وَمِنْ وَساوِسِ الصّدور وَمِنْ شَتاتِ الأمْر وَمِنْ عَذابِ الْقَبْر، أللّهُمّ إنّی أسْأَلُکَ خَیْرَ الرّیاح وَأعُوذُ بِکَ مِنْ شَرّ ما یَجیءُ بِهِ الرّیاحُ وَأسْأَلُکَ خَیْرَ اللّیْلِ وَخَیْرَ النّهار، اللّهُمّ اجْعَلْ فی قَلْبی نُورا وَفی سَمْعی وَبَصَری نُورا وَفی لَحْمی وَدَمی وَعِظامی وَعُرُوقِی وَمَقْعَدی وَمَقامی وَمَدْخَلی وَمَخْرَجی نُورا وَأعْظِمْ لی نُورا یا رَبّ یَوْمَ أَلْقاکَ إنّکَ عَلی کُلّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ».

۸ ـ دعای حضرت سید الشهدا [سلام الله علیه] و دعای حضرت زین العابدین [سلام الله علیه] را که

در صحیفه سجادیه است، بخواند

۹ ـ بسیار بگوید: «أللّهُمّ أعْتِقنِی مِنَ النّار».

۱۰ـ نزدیک غروب آفتاب بگوید:
«أللّهُمّ اِنّی أعُودُ بِکَ مِنَ القَقْر وَمِنْ تشَتّتِ الاُمُور وَمِنْ شَرّ ما یَحْدُثُ بِاللّیْلِ وَالنّهار أمْسی ظُلْمِی مُسْتَجِیرا بِعَفْوکَ وَأمْسی خَوْفی مُسْتَجیرا بِأمانِکَ وَأمْسی ذُنُوبی مُسْتَجِیرَةً بِمَغْفِرَتِکَ وَأمْسی ذُلّی مُسْتَجِیرا بِعِزّکَ وَأمْسی وَجْهِی الْفانِیَ الْبالِی مُسْتَجیرا بِوَجْهِکَ الْباقی یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَیا أجوَدَ مَنْ أعْطی جَلّلْنِی بِرَحْمَتِکَ وَأَلْبِسْنی عافِیَتکَ وَاصْرِفْ عَنّی شَرّ جَمِیعِ خَلْقِکَ».
۱۱ـ بعد از غروب آفتاب بگوید:
«أللّهُمّ لا تجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هذا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِیهِ مِنْ قابِلٍ أبَدا ما أبْقَیْتَنی وَاقْلِبْنِیَ الْیَوْمَ مُفْلِحا مُنْجِحا مُستَجابا لِی مَرْحُوما مَغْفُورا لِی بِأفْضَلِ ما یَنْقَلِبُ بِهِ الْیَوْمَ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ وَحجّاج بَیْتِکَ الْحَرامِ وَاجْعَلْنِیَ الْیَوْمَ مِنْ أکرَمِ وَفْدِکَ عَلَیْکَ وَأعْطِنی أفْضَلَ ما أعْطَیْتَ أحَدا مِنْهُمْ مِنَ الْخَیْرِ وَالْبَرَکَةِ وَالرّحْمَةِ والرّضْوانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبارِکْ لِی فِیما أرْجِعُ اِلَیْهِ مِنْ أهْلٍ أوْ مالٍ أوْ قَلِیلٍ أوْ کثیرٍ وَبارِکْ لَهُمْ فِیّ».

سوّم: وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه)

م۳۸۹ ـ سوّمین عمل واجب حج، وقوف در مشعرالحرام است ؛ یعنی از عرفات به سوی مشعرالحرام کوچ کند و در آنجا که محلّی مشهور و شناخته شده است، حضور یابد.

م۳۹۰ ـ وقوف در مشعرالحرام از عبادات است و باید با نیت با شرایطی که در نیت احرام بیان شد، باشد.

م۳۹۱- زمان وقوف واجب از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز عید قربان است و از طلوع فجر باید نیّت وقوف کند و اگر قبل از طلوع فجر وارد مشعر شد، بنا بر احتیاط واجب باید هنگام ورود برای وقوف نیت کند.

م۳۹۲ ـ ماندن در مشعر از طلوع فجر تا طلوع آفتاب، واجب است، امّا آنچه رکن حج است مقداری است که وقوف بر آن صدق کند، هر چند یک یا دو دقیقه باشد و اگر فقط همین اندازه توقّف کند و عمداً از مشعر خارج شود حج صحیح است، امّا مرتکب حرام شده است، ولی اگر با اختیار به اندازه ی مصداق وقوف توقّف نکند، حجّش باطل است.[۱]

م۳۹۳ ـ زنان، ناتوانان، کودکان و سالمندانی که عذری همچون ترس از ازدحام یا بیماری دارند و نیز کسانی که آنان را مراقبت و همراهی می کنند ـ مانند پرستار و خدمتکار ـ می توانند شب عید قربان و پس از اندکی وقوف در مشعر، به مِنا کوچ کنند.

---

[۱] . در خصوص ترک یکی از دو موقف (مشعر و عرفات) یا هر دو، با اختیار یا اضطرار، عمداً یا سهواً یا در اثر فراموشی و...حالات متعدّدی از نظر صحّت و فساد حج وجود دارد، که تفصیل آن در کتاب های مفصّل بیان شده است.

استفتائات وقوف در مشعرالحرام

س۱۰۱- ۱. خدمه ی کاروان ها که شب عید قربان به همراه زنان و ناتوانان از مشعرالحرام حرکت می کنند و پیش از سپیده دم به مِنا می رسند، آیا باید در صورت امکان قبل از طلوع فجر به مشعر برگردند و وقوف اختیاری را درک کنند؟

ج: اگر همراهی آنان لازم باشد و مسمّای وقوف را درک کرده باشند، لازم نیست برای درک وقوف اختیاری به مشعر برگردند.

۲. آیا رمی آنان در شب به همراه زنان و ناتوانان کفایت می کند، یا باید روز رمی کنند؟

ج: رمی شبانه برای آنان کفایت نمی کند، مگر آنکه از انجام رمی در روز معذور باشند.

س۱۰۲- پس از وقوف در عرفات آیا حاجی مجاز است شب عید به مشعر نرود، مثلاً چند ساعتی به مکه برود و پیش از اذان صبح یا پیش از نیمه شب خود را به مشعر برساند، یا باید مستقیم به مشعر برود؟

ج: لازم نیست مستقیم به مشعرالحرام برود ؛ بلکه لازم است هنگام طلوع فجر در مشعر باشد.

س۱۰۳- اگر معذور پس از وقوف اضطراری مشعرالحرام از مشعر خارج و پیش از طلوع فجر معلوم شود معذور نبوده است، آیا بازگشت به مشعرالحرام برای درک وقوف اختیاری لازم است؟

ج: در صورت امکان باید برگردد و وقوف اختیاری مشعرالحرام را درک کند.

م۳۹۴ ـ در وقوف در مشعر الحرام چند چیز مستحب است:

ـ با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام متوجه شده و استغفار کند.

ـ نماز مغرب و عشا را تا مشعر الحرام (مزدلفه) به تأخیر اندازد اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد و در صورتی که از رسیدن به مشعر، پیش از نصف شب مانعی هست، نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد.

ـ شب عید به هر مقدار که میسور باشد به عبادت و اطاعت الهی به سر برد.

این دعا را بخواند:
«أللّهُمّ هذِهِ جُمَعُ، اللّهُمّ اِنّی أسْأَلُکَ أنْ تجْمَعَ لِی فِیها جَوامِعَ الْخَیْر، اللّهُمّ لا تُؤْیسْنی مِنَ الْخَیْر الّذی سَأَلْتُکَ أنْ تجْمَعَهُ لِی فی قَلْبی وَأطْلُبُ اِلَیْکَ أنْ تُعَرّفُنی ما عَرّفْتَ أوْلِیاءَکَ فی مَنْزِلِی هذا وَأنْ تقِیَنی جَوامِعَ الشّرّ».
ـ بعد از نماز صبح در روز عید، از نعم و تفضلات حضرت حق یاد کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:
«أللّهُمّ رَبّ الْمشعرالحرام فُکّ رَقَبَتی مِنَ النّار وَأوْسِعْ عَلَیّ مِنْ رزْقِکَ الْحَلال وَادْرَأ عَنّی شَرّ فُسَقَةِ الْجِنّ وَالاِنْس، أللّهُمّ أنْتَ خَیْرُ مَطْلُوبٍ اِلَیْهِ وَخَیْرُ مَدْعُوّ وَخَیْرُ مَسْؤُولٍ وَلِکُلّ وافِدٍ جائِزَةٌ فَاجْعَلْ جائِزَتی فی مَوْطِنی هذا أنْ تُقِیلَنی عَثْرَتی وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتی وَأنْ تُجاوزَ عَنْ خَطِیئَتی ثُمّ اجْعَلِ التّقْوی مِنَ الدّنیا زادِی».

چهارم: رمی جَمَره ی عقبه

م۳۹۵ ـ چهارمین عمل واجب حج و نخستین عمل از اعمال مِنا، رمی جَمَره ی عقبه در روز عید قربان ـ دهم ذی الحجّه ـ است.

م۳۹۶ ـ رمی جمره باید با شرایط زیر انجام شود:

۱ . نیت، به گونه ای که در نیت احرام بیان شد.

۲. با «ریگ» باشد و کوچک تر از ریگ (شن) یا بزرگ تر از آن (سنگ) نباشد.

۳. در صورت امکان بین طلوع تا غروب خورشید انجام شود.

۴. ریگها به جَمَره برخورد کند ؛ بنابراین اگر برخورد نکند یا گمان شود برخورد کرده است، کافی نیست و باید ریگ دیگری زده شود.

۵. هفت ریگ به جمره بزند.

۶. پرتاب ریگها پی در پی باشد ؛ پس اگر همه را یکباره پرتاب کند، فقط یک بار محسوب می شود.

م۳۹۷ ـ با توجه به اینکه اخیراً بر عرض جَمَره از سوی مکه و مشعر اضافه نمودند و جای جَمَره قدیمی در وسط آن قرار دارد اگر بتواند آن را رمی کند، باید همانجا را رمی کند، و اگر رمی وسط برای او مشقت داشته باشد، هر جای جَمَره فعلی را رمی کند کافی است.

م۳۹۸ ـ رمی از طبقه ی بالا جایز است، هر چند رمی از همکف احوط است.

م۳۹۹ ـ ریگ باید ویژگی های زیر را داشته باشد:

۱ . از محدوده ی حرم باشد ؛ پس اگر از بیرون حرم برداشته شده باشد، کفایت نمی کند.

۲. بِکر باشد ؛ یعنی پیشتر، حتّی در سال های گذشته کسی با آن رمی صحیح انجام نداده باشد.

۳. مباح باشد ؛ بنابراین رمی با ریگ غصبی یا ریگی که شخص دیگر جمع کرده، بدون اجازه ی او صحیح نیست اما پاک بودن ریگ ها شرط نیست.

م۴۰۰ ـ زنان و ناتوانان که اجازه دارند شب عید از مشعر به منا بروند، در صورت ناتوانی از انجام رمی جَمَره ی عقبه در روز عید، می توانند رمی را شب عید انجام دهند ؛ بلکه به طور کلّی همه ی زنان می توانند شب عید رمی کنند به شرط آنکه رمی برای حجّ خودشان، هر چند حجّ نیابتی، باشد ؛ ولی اگر

برای رمی کسی نایب شده باشند، بنا بر احتیاط واجب رمی آنها در شب صحیح نیست هر چند از رمی در روز عاجز باشند ؛ امّا همراهان آنان اگر خود معذور باشند، می توانند جَمَره ی عقبه را شب عید رمی کنند، در غیر این صورت، لازم است روز عید رمی کنند.

م۴۰۱ ـ غیر از زن که رمی شب عید وظیفه ی اختیاری او است، کسی که از رمی در روز عید معذور است، می تواند شب عید یا شب یازدهم رمی کند ؛ همچنین کسی که از رمی در روز یازدهم یا دوازدهم ذی الحجّه معذور است، می تواند شب قبل یا شب بعد از آن رمی کند.

س۱۰۴- هنگام رمی یا پیش از آن، یک ریگ استفاده شده در کیسه ی ریگ ما می افتد و با ریگ های استفاده نشده مخلوط و مشتبه می شود ؛ آیا همین که هشت ریگ به جمره بزنیم که یکی از آنها احتمالاً ریگ استفاده شده است، کافی است؟

ج: رمی صحیح است.

س۱۰۵- کسی که بعد از ظهر عید قربان ـ که جمره ی عقبه خلوت است ـ خودش قادر است رمی کند، آیا می تواند برای رمی در صبح عید نایب بگیرد؟ در صورتی که بخواهد خودش هنگام عصر رمی کند موفق به قربانی در روز عید نمی شود، آیا برای اینکه بتواند روز عید قربانی کند می تواند صبح برای رمی جمره نایب بگیرد؟ با این که عصر شخصاً قادر برآن است؟
همچنین کسی که چندین سال صبح روز عید برای رمی نایب گرفته با اینکه عصر خودش قادر به رمی بوده است اکنون تکلیفش چیست؟

ج: با فرض تمکن از رمی در ساعتی از روز ولو در ساعات عصر یا حتی در شب، نایب گرفتن صحیح نیست. ولی اگر مأیوس از برطرف شدن عذر بوده و برای رمی نائب گرفته و اتفاقاً عذرش بعد از عمل نائب برطرف شده، عمل نائب مجزی است و اعاده بر او لازم نیست. نسبت به سال های گذشته هم اگر نائب گرفتن به نحو غیر صحیح بوده، باید تدارک کند.

س۱۰۶- با توسعه ی اخیر جمرات، اگر قسمتی از ستون جمره ی عقبه، خارج از مِنا باشد، با فرض صدقِ جمره بر مجموع دیوار، آیا رمی آن قسمت صحیح است؟

ج: در صورت یقین به خروج قسمتی از جمره ی توسعه یافته از مِنا، احوط رمی نقطه ای از قسمتی است که از مِنا خارج نیست.

س۱۰۷- با توجّه به اینکه بانوان می توانند رمی روز دهم را شب انجام دهند، آیا حتماً باید شب عید باشد یا شب یازدهم نیز جایز است؟ در صورتی که حجّ زن نیابتی باشد، حکم چیست؟

ج: در صورت تمکن باید شب عید جمره ی عقبه را رمی کند و تأخیر تا شب یازدهم صحیح نیست، مخصوصاً اگر حجّ نیابی باشد.

س۱۰۸- آیا در صورت وجود خطر جانی برای مُحرم در رمی روز عید قربان، رعایت ترتیب بین اعمال عید قربان لازم است یا می شود ترتیب اعمال روز عید را رعایت نکرد؟

ج: اگر این خوف در تمام طول روز عید ادامه داشته باشد، می تواند ترتیب را رعایت نکند ؛ بلکه در این صورت بنا بر احتیاط واجب، باید قربانی و حلق را از روز عید به تأخیر نیندازد.

م ۴۰۲ـ در رمی جمره چند چیز مستحب است:

ـ هنگام رمی جمرات با وضو باشد.
ـ هنگامی که سنگ ها را در دست گرفته و آماده رَمْی است، این دعا را بخواند:

«أللّهُمّ هذِهِ حصَیَاتی فَأحْصِهِنّ لِی وَارْفَعْهُنّ فی عَمَلی».

ـ با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

ـ جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رَمْی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله ایستاده رَمْی نماید.

م۴۰۳ ـ پنجمین عمل واجب حج و دوّمین عمل از اعمال مِنا، قربانی است.

م۴۰۴ ـ کسی که حجّ تمتّع به جا می آورد، باید شتر یا گاو یا گوسفند یا بز قربانی کند ؛ فرقی ندارد که قربانی نر باشد یا ماده و بهتر آن است که شتر باشد،غیر از این چهار حیوان برای قربانی کافی نیست.

م۴۰۵ ـ قربانی کردن از عبادات است و باید با نیت باشد، با شرایطی که در نیت احرام بیان شد.

م۴۰۶ ـ قربانی باید شرایط و مشخّصات زیر را داشته باشد:

۱ . سنّ آن بنا بر احتیاط واجب، در شتر، ورود به شش سالگی و در گاو و بز، ورود به سه سالگی و در گوسفند، ورود به دو سالگی است ؛ اگر سنّ قربانی بیشتر باشد، در صورتی که زیاد پیر نباشد، اشکال ندارد.

۲. سالم و صحیح باشد.

۳. لاغر نباشد.

۴. اعضا و اندام هایش کامل باشد ؛ بنابراین قربانی کردن حیوان ناقص، مانند حیوانی که اخته شده یا بیضه اش کشیده شده کافی نیست ؛ امّا اگر بیضه اش کوفته شده و اخته نشده باشد، اشکال ندارد ؛ و نیز حیوان دم بریده، کور، شَل، گوش بریده و حیوانی که قسمت داخلی شاخ آن شکسته باشد یا از ابتدا با یکی از این عیوب به دنیا آمده باشد یا فاقد یکی از اندامهایی باشد که در همنوعان آن وجود دارد، به گونه ای که فقدان آن عضو نقص به شمار آید، کافی نیست. امّا اگر بخش بیرونی شاخ که مانند غلاف و پوشش بخش داخلی است، شکسته باشد یا گوش شکافته یا سوراخ شده باشد، اشکال ندارد.

م۴۰۷ ـ اگر حیوانی را به گمان اینکه سالم است ذبح کند بعد معلوم شود بیمار یا ناقص بوده است، در صورت داشتن توان مالی واجب است قربانی دیگری ذبح کند.

م۴۰۸ ـ بنا بر احتیاط واجب، قربانی باید پس از رمی جَمَره ی عقبه ذبح شود.

م۴۰۹ ـ بنا بر احتیاط واجب، در صورت امکان، نباید ذبح قربانی را از روز عید به تأخیر اندازد و اگر عمداً یا سهواً یا بر اثر ناآگاهی یا عذر یا سبب دیگر، ذبح را به تأخیر اندازد، بنا بر احتیاط واجب، در صورت امکان باید در ایام تشریق و در غیر این صورت در روزهای دیگر ماه ذی الحجّه ـ روز یا شب ـ ذبح کند.

م۴۱۰ ـ محلّ انجام ذبح، منا است و در صورتی که از ذبح در مِنا ممانعت شود، انجام آن در محلّ تعیین شده در حال حاضر، اشکال ندارد.

م۴۱۱ ـ بنا بر احتیاط واجب، نایب برای ذبح باید شیعه ی اثناعشری باشد ؛ امّا اگر مُحرم نیت کند و فقط برای انجام ذبح نایب بگیرد، شیعه بودن ذبح کننده شرط نیست.

م۴۱۲ ـ قربانی کردن باید به وسیله ی خود شخص یا به نیابت از سوی او انجام شود، اگر دیگری بدون نیابت گرفتن از او برایش ذبح انجام دهد، صحّت آن محلّ اشکال است و بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

م۴۱۳ ـ وسیله ای که ذبح با آن انجام می شود، باید از آهن باشد و استیل ـ فولاد مخلوط با ضدّ زنگ ـ در حکم آهن است ؛ امّا اگر در مورد آهنی بودن آن تردید باشد، تا زمانی که احراز نشود ذبح با آن کفایت نمی کند.

س۱۰۹- با توجّه به اینکه در حال حاضر ذبح خارج از منا انجام می شود آیا جایز است قربانی در محلّ دیگری ـ مثل وطن ـ در روز عید توسّط نایب انجام شود؟

ج: جایز نیست ؛ ذبح باید در محلّی که برای آن تعیین شده است انجام شود تا انجام قربانی که از شعائر الهی است، رعایت شود.

س۱۱۰- در حال حاضر که ذبح در منا ممنوع شده است، آیا حجّاج می توانند قربانی را در مکه یا خارج از حرم ذبح کنند؟

ج: قربانی جز در مِنا صحیح نیست ؛ البتّه اگر از ذبح در مِنا ممانعت شود، انجام آن در محلّی که نزدیک مِنا در نظر گرفته شده است، کفایت می کند.

س۱۱۱- در عربستان مؤسّسات خیریه ای وجود دارد که به نیابت از حجّاج قربانی را ذبح می کنند و در اختیار فقرا و نیازمندان قرار می دهند ؛ آیا انجام قربانی از این طریق کافی است؟

ج: لازم است شرایط انجام قربانی به گونه ای که در مناسک بیان شده، احراز شود.

س۱۱۲- آیا می توان قربانی را پس از ذبح، در اختیار مؤسّسات خیریه قرار داد تا به نیازمندان بدهند؟

ج: اشکال ندارد.

س۱۱۳- عدّه ای قربانی را در مکه نزدیک منا ذبح کرده اند و اکنون در صحّت قربانی تردید دارند ؛ تکلیف چیست؟

ج: در فرض عدم تمکن از ذبح در منا، واجب است احتیاطاً در صورت امکان، در نقطه ای که به منا نزدیک تر است ذبح شود ؛ بنابراین اگر محلّی که قربانی ذبح شده است با منا فاصله دارد به اندازه فاصله ی نزدیک ترین قربانگاه که ذبح در آن ممکن است، قربانی صحیح است ؛ همچنین اگر از آن نزدیک تر باشد.

س۱۱۴- اگر ذبح قربانی به هر دلیل، صحیح نباشد، آیا اعمال مکه که پس از آن انجام شده است، باید پس از ذبح صحیح اعاده شود؟

ج: اگر به دلیل جهل به مسئله باشد، اعاده ی اعمال مکه لازم نیست. هر چند احتیاط خوب است.

س۱۱۵- اگر از انجام قربانی در قربانگاه موجود ممانعت کنند، تکلیف چیست؟ آیا در این صورت، دریافت کوپن قربانی و واگذاری انجام قربانی به سازمان توسعه ی اسلامی که وابسته به دولت عربستان است، کافی است؟

ج: اگر سازمان یادشده قبل از پایان ذی الحجّه در قربانگاه یا مکه قربانی را انجام دهد، کافی است، وگرنه تبدیل به روزه می شود.

ششم: تقصیر یا حلق

م۴۱۴ ـ ششمین عمل واجب حج و سوّمین عمل از اعمال منا، تقصیر (کوتاه کردن مو یا ناخن) یا حلق (تراشیدن سر) است.

م۴۱۵ ـ مرد مُحرم باید پس از قربانی سر را بتراشد یا مو یا ناخن را کوتاه کند، مگر آنکه برای نخستین بار حج به جا می آورد که بنا بر احتیاط واجب باید سر را بتراشد ؛ امّا زن در هر صورت فقط باید تقصیر کند و احتیاط مستحب است که در تقصیر اندکی از مو و ناخن (هر دو) را کوتاه کند.

م۴۱۶ ـ حلق و تقصیر از جمله عباداتند و باید با قصد قربت و نیت خالص و دور از ریا انجام شوند ؛ در غیر این صورت محرّماتی که حلال شدنشان مشروط به حلق یا تقصیر است، حلال نمی شوند.

م۴۱۷ ـ اگر در حلق یا تقصیر از کسی کمک بگیرد، واجب است خودش نیّت کند.

م۴۱۸ ـ بنا بر احتیاط واجب، مُحرم باید حلق یا تقصیر را روز عید قربان انجام دهد و در صورت تأخیر، واجب است شب یازدهم یا پس از آن انجام دهد.

م۴۱۹ـ کسی که به هر دلیل نمی تواند روز عید، قربانی کند، بنابر احتیاط واجب باید حلق یا تقصیر را روز عید انجام دهد و بنا بر احتیاط واجب تا زمانی که قربانی را انجام نداده است، اعمال مکه را انجام ندهد.

م۴۲۰ ـ حلق یا تقصیر باید در منا انجام شود و انجام آن با اختیار در محلّی غیر از منا جایز نیست.

م۴۲۱ ـ اگر عمداً یا بر اثر فراموشی یا ناآگاهی، خارج از منا حلق یا تقصیر کند یا بدون حلق یا تقصیر از منا خارج شود و بقیّه ی اعمال را انجام دهد، واجب است برای حلق یا تقصیر به منا برگردد و بقیه ی اعمال را اعاده کند.

م۴۲۲ ـ مُحرم باید ابتدا روز عید قربان جَمَره ی عقبه را رمی، سپس در صورت امکان، قربانی و پس از آن حلق یا تقصیر کند و اگر عمداً ترتیب را رعایت نکند، معصیت کرده است ؛ امّا تکرار اعمال به ترتیب فوق واجب نیست، هر چند در صورت امکان، موافق احتیاط است. همچنین تکرار اعمال برکسی که بر اثر ناآگاهی یا فراموشی ترتیب را رعایت نکرده واجب نیست.

م۴۲۳ ـ اگر مُحرم نتواند روز عید در منا قربانی کند، امّا بتواند در قربانگاهی خارج از منا، قربانی کند در این صورت نیز بنا بر احتیاط واجب، ترتیب باید رعایت شود ؛ و اگر نتواند در قربانگاه خارج از منا قربانی کند، بنا بر احتیاط واجب باید روز عید، حلق یا تقصیر کند و از احرام خارج می شود، امّا اعمال پنج گانه ی مکه باید پس از ذبح قربانی انجام شود وگرنه صحّت اعمال مکه محلّ اشکال است.

م۴۲۴ ـ پس از حلق یا تقصیر، تمام چیزهایی که با احرام حرام شده بود، بجز زن و بوی خوش، حلال می شود.

س۱۱۶- آیا حلق با ماشینی که مانند تیغ موی سر را از ته کوتاه می کند، کفایت می کند؟

ج: بنا بر احتیاط واجب حلق باید با تیغ انجام شود.

س۱۱۷- آیا جایز است زن شب عید قربان بعد از رمی جمره ی عقبه تقصیر کند؟ آیا در این حکم بین اینکه برای قربانی روز عید نایب گرفته باشد یا نه، تفاوت است؟

ج: واجب است صبر کند تا روز عید، قربانی اش ذبح شود و صِرف وکیل گرفتن برای قربانی در روز عید، برای تقصیر در شب کافی نیست.

س۱۱۸- آیا مُحرم می تواند پس از نایب گرفتن برای قربانی، حلق کند یا باید صبر کند تا قربانی انجام شود؟

ج: باید منتظر بماند تا خبر ذبح برسد، امّا اگر عجله کند و تصادفاً پیش از انجام ذبح، حلق یا تقصیر کند، صحیح است و اعاده لازم نیست.

هفتم: اعمال مکه ی مکرّمه

م۴۲۵ ـ بعد از اعمال روز عید قربان واجب است پنج عمل در مکه انجام شود که عبارتند از: طواف حج، -طواف زیارت- و نماز آن، سعی بین صفا و مروه، طواف نساء و نماز آن.

م۴۲۶ ـ پس از اعمال روز عید قربان مستحب است حاجی همان روز از منا به مکه برگردد و اعمال پنج گانه ی مکه را انجام دهد ؛ هرچند تأخیر انداختن آن تا آخرین روز ایام تشریق، بلکه تا پایان ماه ذی الحجّه جایز است.

م۴۲۷ ـ نحوه ی انجام طواف و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، مانند طواف و نماز و سعی عمره است، امّا نیت آنها باید برای حج باشد.

م۴۲۸ ـ اعمال مکه باید بعد از اعمال روز عید انجام شود، مگر برای سه گروه که می توانند قبل از رفتن به عرفات انجام دهند:

نخست: زنانی که می ترسند پس از بازگشت به مکه با ابتلای به حیض یا نفاس از انجام طواف و نماز آن بازمانند و قبل از خروج از مکه پاک نشوند.

دوّم: مردان و زنانی که از طواف و نماز آن پس از بازگشت به مکه به سبب زیادی ازدحام ناتوان باشند، و یا اصولاً از بازگشت به مکه ناتوان باشند.

سوّم: بیمارانی که پس از بازگشت به مکه ، بر اثر ازدحام یا ترس از آن از انجام طواف ناتوان باشند.

م۴۲۹ ـ اگر گروه های یادشده، اعمال مکه را قبل از وقوف انجام دهند، سپس عذرشان برطرف شود، اعاده ی اعمال واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب اعاده است.

م۴۳۰ ـ اگر گروه های یادشده اعمال مکه را قبل از وقوف انجام دهند، زن و بوی خوش برای آنان حلال نمی شود، بلکه همه ی محرّمات برای آنان پس از حلق یا تقصیر حلال می شود.

م۴۳۱ ـ در پایان حجّ تمتّع، طواف نساء و نماز آن واجب است، امّا رکن حج نیست ؛ بنابراین اگر این دو عمداً ترک شوند، حج باطل نمی شود، امّا زن و مرد بر یکدیگرحلال نخواهند بود.

م۴۳۲ـ طواف نساء به مرد اختصاص ندارد، بلکه بر زن نیز واجب است ؛ پس اگر مردی طواف نساء را انجام ندهد، زن بر او حلال نمی شود و اگر زنی آن را انجام ندهد، مرد بر او حلال نخواهد بود.

م۴۳۳ ـ انجام سعی پیش از طواف حج و نماز آن و انجام طواف نساء پیش از طواف حج و نماز آن و سعی، با اختیار جایز نیست و اگر ترتیب رعایت نشود، باید اعاده شوند.

م۴۳۴- اگر به سهو یا عمد طواف نساء را به طور صحیح انجام ندهد و به وطن مراجعت کند، در صورتی که بدون مشقّت بتواند به مکه برگردد، واجب است برگردد ؛ در غیر این صورت باید نایب بگیرد و پیش از انجام طواف صحیح توسّط خود شخص یا نایب او، زن بر او حلال نیست.

م۴۳۵- برای هر عمره ی مفرده و حج، باید یک طواف نساء جداگانه انجام شود ؛ بنابراین اگر دو عمره ی مفرده یا یک حج و یک عمره ی مفرده انجام شده باشد، هر چند برای حلال شدن زن یک طواف نساء کافی است، ولی برای تکمیل اعمال، باید برای هر یک از دو عمره یا یک عمره و یک حج، یک طواف نساء جداگانه انجام شود.

م۴۳۶- پس از مُحرم شدن به احرام حج، آنچه در مُحرّمات احرام عمره ذکر شد، بر شخص حرام می شود و حلال شدن آنها به تدریج و در سه مرحله انجام می شود:

نخست: پس از حلق یا تقصیر، همه ی محرّمات حتّی شکار، جز زن و بوی خوش، حلال می شود ؛ امّا شکار در محدوده ی حرم همواره حرام است.

دوّم: پس از سعی، بوی خوش حلال می شود.

سوّم: پس از طواف نساء و نماز آن، همسر حلال می شود.

هشتم: بیتوته در مِنا

م۴۳۷ ـ دوازدهمین عمل واجب حج[۱] و چهارمین عمل از اعمال منا، بیتوته[۲] است.

م۴۳۸ ـ بیتوته در منا در شبهای یازدهم و دوازدهم ذی الحجّه واجب است ؛ بنابراین اگر روز عید قربان برای انجام اعمال مکه از منا به مکه ی مکرّمه رفته باشد، باید برای بیتوته در شب های یادشده به منا برگردد.

م۴۳۹ ـ بیتوته در منا در شبهای یاد شده، بر گروه های زیر واجب نیست:

نخست: بیماران و همراهان و مراقبان آنها، بلکه همه ی کسانی که به دلیل عذر، بیتوته برای آنان دشوار است.

دوّم: کسانی که از گم شدن یا سرقت مال و توشه ی خود در مکه بیمناکند.

سوّم: کسانی که این دو شب را تا طلوع فجر در مکه به عبادت بگذرانند و جز عبادت کاری انجام ندهند، مگر برای ضرورت مانند خوردن و آشامیدن به اندازه ی احتیاج و یا قضای حاجت و تجدید وضو.

م۴۴۰ ـ بیتوته در منا عبادت است و باید با نیت باشد، با شرایطی که پیشتر بیان شد.

م۴۴۱ ـ بیتوته از غروب آفتاب تا نیمه شب کفایت می کند و کسی که بدون عذر، نیمه ی نخست شب یا بعض آن را بیتوته نکرده است، باید در نیمه ی دوّم شب بیتوته کند، هر چند بعید نیست بیتوته در نیمه ی دوّم شب، در حال اختیار نیز جایز باشد.

م۴۴۲ ـ کسی که بیتوته ی واجب در منا را ترک کرده، بی آنکه شب را در مکه به عبادت گذرانده باشد، باید برای هر شب یک گوسفند کفّاره بدهد و بنا بر احتیاط واجب بین معذور و غیر معذور و بین فراموشی و جهل به حکم تفاوتی نیست.

م۴۴۳ـ کسی که روز دوازدهم مجاز به خروج از منا است، باید پس از زوال (اذان ظهر) خارج شود و خروج پیش از زوال جایز نیست.

---

[۱] . با توجه به این که اعمال واجب مکه پنج عمل است که گذشت و قبل از آن نیز شش عمل واجب از اعمال حج بیان شد، بیتوته دوازدهمین عمل واجب حج محسوب می شود.

[۲] . بیتوته: حضور شبانه.

استفتائات بیتوته در منا

س۱۱۹- با توجّه به اینکه در اعمال حج، حجّاج میتوانند به جای بیتوته در منا، شب را در مکه ی مکرّمه به عبادت بگذرانند، آیا در طول شب اعمالی مانند خوردن، غسل کردن، وضو گرفتن اشکال دارد؟

ج: خوردن و آشامیدن به اندازه ی رفع نیاز و تجدید وضو یا غسل، اشکال ندارد.

س۱۲۰- در پرسش قبل، اگر انجام عملی منافی با اشتغال به عبادت باشد، آیا کفاره ای بر او واجب می گردد؟

ج: اگر به جای بیتوته در مِنا حتی در مکه عملی غیر از عبادت انجام دهد و آن عمل از جمله ی ضروریات (مانند خوردن و آشامیدن و قضای حاجت) نباشد، کفّاره بر او واجب می شود.

س۱۲۱- برخی از حجّاج بر اثر بیماری یا ناتوانی، به خاطر محدودیّت های ناشی از کرونا، توان درک بیتوته در منا را ندارند یا برای آنها مشقت شدید دارد، آیا عبادت در مکه در شبهای بیتوته بر آنها متعیّنا واجب است؟ اگر عبادت در مکه را رعایت کنند مجزی از بیتوته در منا است و کفّاره ی ترک بیتوته به عهده ی آنها نیست؟

ج: برای بیماران، بیتوته در منا واجب نیست ؛ ولی بنا بر احتیاط واجب باید برای هر شب یک گوسفند قربانی کنند ؛ امّا نسبت به کسانی که بر اثر محدودیتهای ناشی از کرونا نمی توانند بیتوته کنند، اگر به عبادت در مکه بپردازند، کفایت می کند و کفّاره واجب نمی شود.

س۱۲۲- کسانی که از رمی روز دوازدهم معذورند و باید برای رمی نایب بگیرند، آیا می توانند بعد از بیتوته تا نیمه شب از منا به مکه بروند و برای کوچ بعد از ظهر، به منا برنگردند؟

ج: کوچ در شب دوازدهم بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و در صورت خروج، احتیاط واجب است برای کوچ بعد از ظهر، به منا برگردند ؛ هرچند برگشت آنان بعد از ظهر باشد.

س۱۲۳- با توجّه به ازدیاد جمعیت حجّاج و محدودیت منطقه ی منا، تعدادی از چادرهای منا در دامنه ی کوه یا بالای کوه مشرف به منا نصب شده است ؛ آیا بیتوته در این چادرها مجزی است؟

ج: در صورتی که بیتوته در منا ممکن نباشد، بیتوته در آنها مجزی است و کفّاره ندارد.

س۱۲۴- محدوده ی شب برای بیتوته در منا و تعیین نصف شب در وقت نماز مغرب و عشاء، چه مقدار است؟

ج: محدوده ی شب در این دو مسئله، فاصله ی بین غروب آفتاب تا طلوع فجر است.

س۱۲۵- کسی که بعد از ظهر روز دوازدهم از منا کوچ کند و سهواً یا جهلاً یا عمداً به منا برگردد و غروب شب سیزدهم در منا باشد، آیا بیتوته ی آن شب و رمی روز سیزدهم بر او واجب می شود؟

ج: اگر حاجی به هر دلیل غروب روز دوازدهم در منا باشد، باید شب سیزدهم بیتوته کند و روز سیزدهم جمرات را رمی کند.

س۱۲۶- آیا حدّ منا جمره ی عقبه است یا خود عقبه که گردنه ی بزرگی است؟

ج: طبق ظاهر صحیحه ی معاویةبن عمّار وادی محسّر و عقبه جزو منا نیست ؛ یعنی منا منطقه ی بین وادی محسّر و عقبه است و به طور کلّی، حدود مشاعر (عرفات و مشعر و منا) مبنی بر دقّت نیست و ترتیب اثر بر آنچه در نظر عرف جزو مشاعر است، کفایت می کند.

س۱۲۷- کسی که در حال بیتوته ی دوّم منا، به دلیل جهل به محدوده ی منا از آن خارج شود، چه حکمی دارد؟ حکم دو صورت بازگشت و عدم بازگشت به منا را بفرمایید.

ج: اگر خروج از منا دقایق بسیار اندک ـ مثلاً دو تا پنج دقیقه ـ باشد، به گونه ای که عرفاً گفته شود نیمی از شب را بیتوته کرده است، اشکال ندارد ؛ در غیر این صورت باید یک گوسفند کفّاره بپردازد.

س۱۲۸- آیا خروج از منا قبل از ظهر دوازدهم، بدون نیّت بازگشت و کوچ بعد از ظهر، علاوه بر حرام بودن، حکم دیگری دارد؟

ج: غیر از حرمت، حکم دیگری ندارد.

م ۴۴۴- مستحب است در منا از ظهر روز عید قربان تا پانزده نماز، بعد از نماز تکبیر بگوید و بهتر است به این کیفیت تکبیر بگوید: «أاللهُ أکبَرُ، اللهُ أکبَرُ، لا إلهَ إلا اللهُ وَاللهُ أکبَرُ، اللهُ أکبَرُ وَللهِ الْحَمْدُ، اللهُ أکبَرُ عَلی ما هَدانا، اللهُ أکبَرُ عَلی ما رَزَقَنا مِنْ بَهیمَةِ الأنْعام، وَالْحَمْدُ للهِ علی ما أبْلانا».

- روز یازدهم و دوازدهم را در منی بماند و حتی برای طواف مستحب هم از آنجا بیرون نرود.
- مدتی که در منا اقامت دارد نماز های واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد.

نهم: رمی جمرات سه گانه

م۴۴۵ ـ سیزدهمین عمل واجب حج و پنجمین عمل از اعمال منا، رَمی جمرات است. نحوه ی انجام و شرایط آن با رَمی جَمَره ی عقبه در روز عید قربان تفاوتی ندارد.

م۴۴۶ ـ روز یازدهم و دوازدهم ذی حجه، باید جمرات سه گانه ـ اُولی، وُسطی و عقبه ـ رمی شود و کسی که شب سیزدهم در منا بیتوته کرده باشد لازم است روز سیزدهم نیز رمی جمرات انجام دهد.

م۴۴۷- زمان انجام رمی از طلوع تا غروب خورشید است ؛ بنابراین در حال اختیار رمی در شب صحیح نیست و کسانی که برای رمی در روز عذر دارند ـ مثل بیم بر جان یا مال یا عرض خود ـ از این حکم مستثنا هستند. همچنین زنان، سالمندان و کودکانی که به دلیل شدّت ازدحام در روز، بیم دارند رمی در روز برایشان مشقّت داشته باشد، می توانند شب رمی کنند.

م۴۴۸ ـ کسی که از رمی در روز معذور است، باید شب قبل یا بعد رمی کند و صحیح نیست نایب بگیرد ؛ مگر آنکه از رمی در شب هم معذور باشد، مثل بیمار ؛ در این صورت می تواند نایب بگیرد و نایب باید روز رمی کند و اگر پس از رمی نایب عذر برطرف شد، در صورتی که هنگام نایب گرفتن از برطرف شدن عذر مأیوس بوده تکرار لازم نیست، اما اگر نسبت به برطرف شدن عذر نا امید نبوده، هر چند گرفتن نایب در هنگام پدید آمدن عذر جایز بوده است، ولی باید بنابر احتیاط واجب پس از برطرف شدن عذر، خودش رمی را تکرار کند.

م۴۴۹ـ رمی جمرات سه گانه واجب است، امّا از ارکان حج نیست.

م۴۵۰ ـ باید در رمی جمرات سه گانه، ترتیب رعایت شود ؛ یعنی ابتدا جَمَره ی اُولی، سپس وُسطی و پس از آن عقبه رمی شود و برای هر جَمَره، هفت ریگ با شرایط و کیفیتی که بیان شد، پرتاب شود.

م۴۵۱ ـ اگر رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و از منا بیرون رود، در صورتی که در ایام تشریق [۱] به یاد آورد، واجب است در صورت امکان خودش به منا برگردد و رمی کند ؛ در غیر این صورت، نایب بگیرد و اگر بعد از ایام تشریق به یاد آورد، یا عمداً رمی را تا پس از ایام تشریق به تأخیر اندازد، بنا بر احتیاط واجب باید خود یا نایبش به منا برگردد و رمی کند، و سال بعد خود یا نایبش آن را قضا کند ؛ و اگر رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و از مکه بیرون رود، بنا بر احتیاط واجب باید خود یا نایبش سال بعد آن را قضا کند.

م۴۵۲ ـ رمی جمرات از هر طرف آن جایز است و رو به قبله بودن هنگام رمی جمره های اُولی و وُسطی و پشت به قبله بودن هنگام رمی جَمَره ی عقبه شرط نیست.

---

[۱] . ۱۱و۱۲و۱۳ماه قمری.

س۱۲۹- آیا به دلیل ترس از ازدحام در روز، زن می تواند جمرات سه گانه را شب رمی کند؟ و آیا در این صورت، رمی شبانه متعیّن است یا می تواند برای رمی در روز نایب بگیرد؟

ج: اگر بتواند شب، هر چند شب بعد، رمی کند، صحیح نیست نایب بگیرد.

س۱۳۰- کسی که در روز یازدهم و دوازدهم می خواهد قضای رمی روز قبل و ادای آن روز را انجام دهد با توجّه به وجوب تقدّم قضا بر ادا، اگر ترتیب رعایت نشد، آیا رمی ادا صحیح است؟ به عبارت دیگر آیا ترتیب قضا بر ادا حکم تکلیفی است یا وضعی؟

ج: در صورت عدم رعایت ترتیب بین قضا و ادا، رمی باید به نحو صحیح تکرار گردد ؛ این حکم در صورت عمد بنا بر فتوا و در صورت جهل یا سهو بنا بر احتیاط واجب است.

س۱۳۱- خارج شدن از مکه و منا، مثلاً رفتن به جدّه، مدینه یا طائف در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

ـ پس از اعمال عید قربان پیش از اعمال مکه.

ـ روز یازدهم پس از رمی جمرات.

ـ پس از بیتوته ی نیمه ی اوّل شب یازدهم یا دوازدهم.

ـ پس از اعمال ایام تشریق، پیش از اعمال مکه.

ج: در همه ی موارد بی اشکال است ولی باید خروج به نحوی باشد که بتواند مناسک باقیمانده را در وقت خودش انجام دهد.

م۴۵۳ ـ عمره ی مفرده مانند عمره ی تمتّع است، جز در مواردی که عبارتند از:

۱. در عمره ی تمتّع، مُحرم برای خروج از احرام فقط باید تقصیر کند ؛ ولی در عمره ی مفرده مخیر است بین سر تراشیدن و تقصیر. البتّه این حکم مربوط به مردان است، ولی زنان هم در عمره ی مفرده و هم در عمره ی تمتّع فقط باید تقصیر کنند.

۲. در عمره ی تمتّع طواف نساء و نماز آن واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب است که آن دو را قبل از تقصیر به قصد رجاء انجام دهد ؛ ولی در عمره ی مفرده انجام آن دو پس از تقصیر واجب است.

۳. عمره ی تمتّع باید در یکی از ماه های حج (شوّال، ذی القعده، ذی الحجّه) به جا آورده شود، ولی عمره ی مفرده در همه ی ایام سال صحیح است.

۴. میقات عمره ی تمتّع یکی از میقات هایی است که شرح آن در ابتدای فصل چهارم گذشت و میقات عمره ی مفرده برای کسی که فاصله ی منزلش تا مکه بیش از فاصله ی میقات یا محاذات میقات تا مکه است، همان میقات های عمره ی تمتّع است و برای کسی که منزل او بین میقات و مکه واقع شده منزلش میقات وی است و برای کسی که داخل شهر مکه ی مکرّمه است، ادنی الحِلّ میقات وی است ؛ هر چند احرام بستن از میقات های عمره ی تمتّع نیز برای این دو گروه جایز است.

م۴۵۴ ـ کسی که در مکه حضور دارد، برای احرام عمره ی مفرده از ادنی الحِلّ، کافی است از حرم خارج شود و احرام ببندد، هر چند افضل آن است که از حدیبیّه یا جِعرانه یا تنعیم مُحرم شود.

م۴۵۵ ـ اگر زن در حال حیض برای عمره ی مفرده مُحرم شود یا بعد از مُحرم شدن حائض شود و نتواند منتظر بماند تا از حیض پاک شود و اعمال عمره ی مفرده را انجام دهد، باید برای طواف و نماز آن نایب بگیرد و سعی و تقصیر را خودش انجام دهد سپس نائب، طواف نساء و نماز آن را بجا آورد و با انجام این اعمال از احرام خارج می شود.

م۴۵۶ ـ در اعمال عمره، فقط برای طواف و نماز آن وضو لازم است و برای اعمال دیگر لازم نیست وضو داشته باشد ؛ هر چند با وضو بودن در همه حال افضل است.

م۴۵۷ ـ برای هر عمره ی مفرده باید یک طواف نساء جداگانه انجام شود ؛ بنابراین اگر دو عمره ی مفرده انجام شده باشد، هر چند برای حلال شدن زن یک طواف نساء کافی است ؛ ولی برای تکمیل اعمال، باید برای هر یک از دو عمره، یک طواف نساء و نماز آن جداگانه انجام شود.

م۴۵۸ ـ تکرار عمره مانند تکرار حج مستحب است ؛ ولی بنا بر احتیاط واجب در هر ماه قمری فقط یک عمره برای خود یا به نیابت از دیگری می تواند به جا آورد و اگر برای هر یک از افراد مختلف یک عمره انجام دهد یا یک عمره برای خود و یک عمره برای شخص دیگر انجام دهد احتیاط یادشده لازم نیست.

بنابراین اگر نایب، عمره ی مجدّد را به نیابت از دیگری انجام دهد، می تواند برای آن اجرت بگیرد و از عمره ی مفرده منوبٌ عنه هر چند واجب باشد، کفایت می کند.

استفتائات عمره ی مفرده

س۱۳۲- کسی که در عمره ی مفرده تقصیر را فراموش کرده و طواف نساء انجام داده است، چه حکمی دارد؟ آیا واجب است پس از تقصیر دوباره طواف نساء را انجام دهد؟

ج: واجب است پس از تقصیر، طواف نساء و نماز آن را اعاده کند.

س۱۳۳- آیا انجام عمره ی مفرده ی مستحب، به نیّت خود و به نیابت تبرّعی از دیگران صحیح است؟

ج: شریک کردن دیگران در حجّ یا عمره ی مستحب خود، جایز است.

س۱۳۴- اگر مکلّف آخرین روز یکی از ماه های قمری برای ورود به مکه مُحرم شود ولی اعمال عمره ی مفرده را شب یا روز اوّل یا سایر ایام ماه قمری جدید انجام دهد، آیا این عمره به حساب ماه قمری قبل محاسبه می شود یا ماه جدید؟ و اگر در ماه قمری جدید از مکه خارج شود باید برای ورود به مکه مُحرم شود؟ و آیا بین ماه رجب و بقیّه ی ماه ها فرق است؟

ج: معیار در جواز ورود بدون احرام به مکه ، زمان انجام اعمال عمره است ؛ پس اگر در روز آخر ماه، مُحرم شود و اعمال عمره را ماه بعد انجام دهد، عمره به حساب ماه جدید گذاشته می شود و اگر در آن ماه از مکه خارج شود، جایز است بدون احرام وارد مکه ی مکرّمه شود ؛ مگر ماه رجب که بنا بر ظاهر روایات، اگر کسی روز آخر رجب مُحرم شود و اعمال را در ماه شعبان انجام دهد، عمره ی او عمره ی رجبیه محسوب می شود ؛ پس احتیاط واجب آن است که اگر در ماه شعبان از مکه خارج شد، برای دخول به مکه در همین ماه، احرام ببندد و رعایت این احتیاط در ماه های دیگر هم خوب است.

س۱۳۵- شخصی عمره انجام می دهد و پس از یک ماه به جدّه می رود و در برگشت بدون احرام وارد مکه می شود، وظیفه اش چیست؟

ج: فعلاً وظیفه ی خاصّی ندارد ولی اگر عمداً بدون احرام وارد مکه شده است، عمل حرام انجام داده و باید توبه کند.

س۱۳۶- شخصی حجّش باطل شده و سال بعد به مکه آمده تا قضای حجّش را به جا آورد ؛ آیا با اینکه حج بر گردنش است، می تواند عمره ی مفرده انجام دهد؟

ج: اشکال ندارد.

س۱۳۷- زن حائض می داند ایام عادتش اجازه ی انجام اعمال عمره ی مفرده را نمی دهد و همراهانش منتظر او نمی مانند تا اعمال را انجام دهد و باید برای طواف و نماز آن نایب بگیرد و

فقط می تواند سعی و تقصیر را خودش انجام دهد ؛ آیا می تواند احرام عمره ی مفرده ببندد؟

ج: در هر حال باید برای ورود به مکه مُحرم شود و برای طواف و نماز آن نایب بگیرد.

س۱۳۸- اگر مکلّف در یک ماه قمری عمره ی مفرده انجام دهد و در ماه قمری بعد، از شهر مکه خارج شود ولی از محدوده ی حرم خارج نشود ـ مثلاً به منا برود ـ آیا می تواند بدون احرام وارد مکه شود؟ در فرض قبل، اگر تنها تا عرفات برود، آیا برای ورود به مکه احرام واجب است؟

ج: میزان خروج از شهر مکه است ولو از محدوده ی حرم خارج نشود. پس اگر به هر نقطه ی خارج از مکه برود اگر در آن ماه، عمره نگذارده باشد باید برای دخول به مکه مُحرم شود ؛ و مراد از شهر مکه شهر کنونی است با همه ی وسعت جدید آن.

س۱۳۹- کسی که عضو نیروی انتظامی است و در وضعیّت اضطراری ـ مانند وقوع حادثه ـ مأمور می شود سریعاً وارد مکه شود و به خاطر تنگی وقت نمی تواند با احرام وارد شود، آیا در این صورت معصیت کرده و کفّاره واجب است؟

ج: معصیت نیست و کفّاره ندارد.

س۱۴۰- اگر در ماه ذی القعده برای عمره ی مفرده وارد مکه شود و ده روز بعد در ماه ذی الحجّه بخواهد بار دیگر وارد مکه شود، آیا می تواند بدون احرام وارد شود؟

ج: با فرض اینکه در ماه بعد از ماهِ انجام عمره وارد مکه می شود باید مُحرم شود.

س۱۴۱- کسی که محلّ کارش مکه است و در جدّه سکونت دارد و بجز ایام تعطیل بقیه ی روزها پی در پی به مکه میرود و یا اینکه نیمی از روزهای هفته را به مکه می رود، یعنی سه روز وارد مکه می شود و چهار روز در جدّه می ماند، اگر ماهی که در آن عمره به جا آورده به پایان رسد، آیا باید بار دیگر عمره به جا آورد؟

ج: در فرض یاد شده تکرار عمره واجب نیست.

س۱۴۲- در فرض قبل، اگر بعد از انجام عمره از مکه خارج نشود تا ماه بعد فرا برسد، آیا باید دوباره مُحرم شود؟ کجا مُحرم شود؟

ج: تا زمانی که در مکه است، تکرار عمره واجب نیست ؛ اگر بخواهد آن را تکرار کند، می تواند برای مُحرم شدن به نزدیک ترین نقطه ی خارج از محدوده ی حرم مثل مسجد تنعیم برود.

س۱۴۳- کسی که شغلش رانندگی تاکسی است و برای مکه مسافر سوار می کند و پیش از آن عمره به جا نیاورده است، آیا باید با احرام وارد مکه شود؟ ورود بدون احرام چه حکمی دارد؟

ج: باید برای ورود به مکه مُحرم شود و مناسک عمره ی مفرده به جا آورد و اگر بدون احرام وارد شود، معصیت کرده، امّا کفّاره ندارد.

س۱۴۴- اخیراً طی توافقی که سازمان حج و زیارت با بانک ملّی ایران به عمل آورده، متقاضیان حجّ تمتّع با مراجعه ی به بانک، مبلغ یک میلیون تومان به صورت قرارداد مضاربه ای به حسابی به نام خود در بانک ملّی واریز و فیش آن را دریافت می کنند ؛ این پول تا هنگام تشرّف به نام واریزکننده در حساب شخصی او باقی می ماند و طبق قرارداد مکتوب، مبلغی به دارنده ی حساب، در پایان هر سال سود مضاربه تعلّق می گیرد. سازمان حج برای کسانی که زودتر ثبت نام کرده اند اولویت قائل شده و پس از حدود سه سال، نوبت اشخاص را اعلام و در صورت تمایل، آنها را به حج اعزام می کند. زمان اعزام که فرارسید، واریزکننده، پولی را که در حساب مضاربه ای خود دارد، از بانک دریافت و همراه با بقیّه ی هزینه ها به حساب حج و زیارت واریز می کند و به حج مشرّف می شود. با عنایت به اینکه قرارداد کتبی است و گفتگویی بین صاحب پول و بانک رد و بدل نمی شود، مبلغ درصدی که صاحب مال به عنوان منفعت مضاربه دریافت می کند، چه صورتی دارد؟

ج: عملیات بانکی به صورت قرارداد کتبی به نحو یاد شده بی اشکال است و سود حاصل از مضاربه برای سپرده گذار حلال است و اصل سپرده اگر از درآمد کسب غیر مخمّس بوده خمس دارد و سود حاصل اگر پیش از سال عزیمت به سفر حج قابل وصول نبوده، جزو درآمد سال وصول است، که اگر در همان سال به حساب هزینه ی سفر حج واریز شود خمس ندارد.

س۱۴۵- سنگ فرش مسجدالحرام با آب قلیل تطهیر می شود. آیا سجده بر سنگ فرش مسجد صحیح است؟

ج: معمولاً نجس بودن تمام نقاط مسجد احراز نمی شود و بررسی و تحقیق لازم نیست و سجده بر سنگ فرش آن صحیح است.

س۱۴۶- هنگامی که مسجد الحرام بر اثر خون یا ادرار یا نجاست دیگر نجس می شود، کارگران برای تطهیر آن روشی را به کار می برند که به نظر ما پاک کننده نیست ؛ در این حالت، نمازی که بر زمین مسجد الحرام - مرطوب یا غیر مرطوب - خوانده شود، چه حکمی دارد؟

ج: تا زمانی که به نجاست محلّ سجده یقین ندارید، نماز صحیح است.

س۱۴۷- آیا اقامه ی نماز جماعت به شکل دایره ای دور کعبه ـ با رعایت سایر شرایط ـ صحیح و مُجزی است؟

ج: نماز کسی که پشت سر امام یا یکی از دو طرف او بایستد، صحیح است و بنا بر احتیاط مستحب، کسی که یکی از دو طرف امام ایستاده باید فاصله ی میان امام جماعت و کعبه را رعایت کند و از امام به کعبه نزدیک تر نباشد ؛ امّا نماز کسی که طرف دیگر کعبه مقابل امّام بایستد، صحیح نیست.

س۱۴۸- آیا اقتدا به اهل سنّت در نماز قضا صحیح است؟

ج: صحیح نیست.

س۱۴۹- خارج شدن از مسجد الحرام و مسجد النّبی[صلّی الله علیه وآله وسلّم] هنگام اذان و اقامه چه حکمی دارد؟ با توجّه به اینکه اهل سنّت در آن هنگام به سوی مسجد می روند و در مورد خارج شدن ما گفتگو می کنند و بر ما عیب می گیرند.

ج: اگر از نظر دیگران، سبک شمردن نماز اوّل وقت به شمار آید و بخصوص موجب وهن مذهب باشد، جایز نیست.

س۱۵۰- کسی که در مکه قصد اقامت ده روزه کرده است، در عرفات و مشعر و منا و در حدّ فاصل بین آنها، نماز را قصر بخواند یا تمام؟

ج: اگر پیش از رفتن به عرفات، قصد اقامت ده روزه در مکه داشته باشد پس از تحقق اقامت، تا زمانی که سفر جدیدی انجام نداده، حکم اقامت به حال خود باقی است و نماز تمام است و رفتن به عرفات و مشعرالحرام و منا سفر به شمار نمی آید.

س۱۵۱- آیا حکم تخییر بین نماز شکسته و تمام، در شهر مکه و مدینه جاری است یا اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی [صلی الله علیه وآله] و سلم دارد و بین محلّه های قدیم و جدید تفاوت است؟

ج: تخییر بین نماز کامل و شکسته در همه جای این دو شهر مقدّس وجود دارد و محلّه های قدیم و جدید تفاوت ندارند ؛ هرچند احتیاط مستحب است در خارج از دو مسجد مقدّس نماز را بدون قصد اقامت ده روزه، قصر بخواند.

س۱۵۲- آیا مسافر می تواند در اماکن تخییر نوافل ظهر و عصر را بخواند؟

ج: اگر کسی در اماکن تخییر بخواهد نماز را به صورت تمام بخواند، می تواند نوافل یومیه را نیز بخواند.

س۱۵۳- حجّ کسی که از شرکت در مراسم برائت از مشرکین خودداری کند، چه حکمی دارد؟

ج: به صحّت حج خللی وارد نمی کند، هر چند خود را از فضیلت شرکت در مراسم اعلام برائت از دشمنان خدا محروم کرده است.

س۱۵۴- آیا زن در زمان حیض یا نفاس می تواند بر دیوار مشترک میان رواق مسجدالحرام و مَسعی بنشیند؟

ج: اشکال ندارد، مگر آنکه ثابت شود دیوار بخشی از مسجدالحرام است.

س۱۵۵- سنّ یائسگی در زن سیّده و غیر سیّده چند سال است؟

ج. تعیین سنّ یائسگی محلّ تأمّل و احتیاط است ؛ بانوان می توانند در این مسئله به مجتهد جامع الشّرایط دیگر مراجعه کنند.

س۱۵۶- حجّ کسی که به سبب اختلاف در رؤیت هلال، در زمان وقوفها و روز عید شک کند، چه حکمی دارد؟ آیا باید حج را اعاده کند؟

ج: اگر طبق حکم مفتی اهل سنّت بر اثبات رؤیت هلال ذی الحجّه عمل کند، کافی است ؛ پس اگر وقوف ها را همراه با بقیّه ی مردم انجام دهد، حج صحیح است.

س۱۵۷- آیا جایز است با اشتغال به تلاوت قرآن، خواندن دعا یا نماز مستحبّی پشت مقام ابراهیم، مکان را بر کسانی که نماز طواف واجب می خوانند تنگ کنیم؟

ج: اولی بلکه احتیاط مستحب است هنگام ازدحام برای نماز طواف واجب، عبادات یاد شده پشت مقام انجام نشود.

س۱۵۸- آیا در مسجد النّبی سجده کردن بر فرش صحیح است؟ با ملاحظه ی اینکه قرار دادن چیزی که سجده بر آن صحیح است ـ مانند کاغذ و یا سجّاده ی حصیری ـ موجب جلب توجّه می شود و نمازگزار را در معرض نگاه های مغرضانه قرار می دهد و بهانه ای برای تمسخر مخالفین می شود.

ج: جایی که تقیّه لازم است می تواند بر فرش و مانند آن سجده کند و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود ؛ ولی اگر در همان محل بتواند طوری که به زحمت نیفتد بر حصیر یا سنگ و امثال آن سجده کند، بنا بر احتیاط واجب باید بر این اشیاء سجده کند.

س۱۵۹- آیا سجده بر سنگ فرش مسجدالحرام و مسجدالنّبی صحیح است؟ و به طور کلّی بر چه نوع سنگ هایی می توان سجده کرد؟ و سجده بر آجر و سفال چه حکمی دارد؟

ج: سجده بر سنگ مرمر و سنگهایی که در ساخت یا تزیین بنا به کار می روند و نیز بر آجر و سفال و گچ و آهک و سیمان صحیح است ؛ و سجده بر عقیق و فیروزه و دُرّ و امثال آن، هر چند صحیح است، امّا احتیاط مستحب است بر اینها سجده نشود.

س۱۶۰- وضو با آبهایی که برای آشامیدن اختصاص داده اند چه حکمی دارد؟

ج: وضو با آبی که مباح بودن آن مشکوک است، صحیح نیست.

س۱۶۱- اگر اعلم در مسئله ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالاعلم آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلّد اعلم بداند مرجعش احتیاط واجب کرده و باید نیت رجوع به فالاعلم کند، یا همین که در مقام انجام وظیفه ی شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالاعلم است کافی است؟

ج: اگر عمل او هنگام صدور مطابق با فتوای کسی بوده که می توانست شرعاً از او تقلید کند و در این مسئله بنای بر تقلید او بگذارد، مُجزی است.

س۱۶۲- در برخی موارد، زائران بیت اللّه الحرام یا سایر مسافران، وقت نماز در هواپیما هستند ؛ با توجّه به اینکه نماز در هواپیما معمولاً مانع استقرار و طمأنینه نیست، در صورتی که سایر شرایط، مثل قیام و قبله و رکوع و سجود مراعات شود، آیا در صورت علم یا احتمال اینکه پیش از اتمام وقت نماز به مقصد می رسند و می توانند نماز را پس از پیاده شدن از هواپیما بخوانند، نماز در هواپیما کفایت می کند یا باید تأخیر بیندازند و در صورتی که نماز را در آن حال خواندند و پیش از اتمام وقت نماز پیاده شدند، اعاده ی نماز لازم است؟

ج: با تمکن از استقرار و استقبال قبله، نماز صحیح و مُجزی است ؛ بلکه جهت درک فضیلت اوّل وقت افضل است.

س۱۶۳- شخصی اعمال عمره ی تمتّع استحبابی را به پایان برده و اکنون نمی تواند حجّ تمتّع به جا آورد ؛ مثلاً موظّف است در ایام تشریق برای خدمت به حجّاج در مکه بماند ؛ وظیفه اش چیست؟

ج: در فرض سؤال می تواند عمره ی تمتّع استحبابی را رها کند و احتیاط مستحب است طواف نساء را انجام دهد.

س۱۶۴- شخصی پس از استقرار حج دیوانه شده، وظیفه ی ولیّ نسبت به حجّ او چیست؟

ج: ولی مجنون نسبت به حجّ او تکلیف ندارد ؛ اگر عاقل شد خودش حج به جا می آورد وگرنه پس از مرگ از ترکه اش نایب بگیرند.

س۱۶۵- در ایران مبالغی به ما داده اند تا در حرم مطهّر نبوی یا قبور مطهّر بقیع بریزیم ؛ با توجّه به اینکه انجام این درخواست ممکن نیست، آیا می توانیم به فقرای شیعه ی بدهیم؟

ج: اگر صاحبان وجوه راضی باشند، صرف آن در فقرای شیعه اشکال ندارد.

س۱۶۶- بسیاری از زائران خانه ی خدا مشتاق اعتکاف در مسجدالحرام هستند ؛ با توجّه به لزوم روزه برای اعتکاف، آیا می توانند در مکه ی مکرّمه برای روزه نذر و اعتکاف کنند؟

ج: بنا بر احتیاط واجب باید نذر در وطن یا محلّ اقامت منعقد شده باشد.

س۱۶۷- شخصی قصد اعتکاف در مسجدالحرام را دارد ؛ آیا می تواند قبل از اذان صبح در تنعیم مُحرم شود و بقیه ی اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد، با توجّه به اینکه محلّ سعی جزو مسجد نیست؟

ج: می تواند مُحرم شود و خروج از مسجد برای انجام سعی اشکال ندارد.

س۱۶۸- آیا استحباب سه روز روزه ی مستحبّی در مدینه ی منوّره، برای برآمدن حاجت، اختصاص به مسافر دارد یا برای اهالی مدینه و کسی که قصد اقامت ده روز دارد نیز مستحب است؟

ج: اختصاص به مسافر ندارد ؛ ذکر مسافر به جهت استثنای از روزه در حال مسافر بودن است.

«هر چه می توانید در مسجدالحرام، در مدینه ی منوّره آن عملی را که خدای متعال دوست می دارد که عبارت است از آن عمل مخلصانه و نگاه مخلصانه و تضرّع الی الله تعالی، این را تکرار کنید، زیاد کنید، افزایش بدهید... ادعیه ای که وارد شده یا ادعیه ای که مخصوص آنجا هم نیست، [مثل] همین دعای کمیل ؛ این [خواندن] دسته جمعی دعای کمیل بسیار کار خوبی است.»[۱]

«برای فردِ انسان، فرصت حج، فرصت ورود یک انسان در فضای بی کرانه ی معنویّت است ؛ از لابه لای زندگی معمولی خودمان با همه ی آلودگی هایش، با همه ی اشکالاتش، خودمان را بیرون می کشیم و به فضای صفا و معنویّت و تقرّب الی اللّه و ریاضت اختیاری می رویم. از اوّلی که وارد این مراسم می شوید، چیزهایی را که در زندگی متعارف معمولی مباح است، بر خودتان حرام می کنید ؛ احرام. احرام، حرام کردن چیزهایی است بر خود که در زندگی متعارفِ معمولی رایج و مباح است، جایز است ؛ و بسیاری از آنها هم مایه ی غفلت است، بعضی هم مایه ی انحطاط است.

همه ی وسایل تفاخر ظاهری و مادّی از ما گرفته می شود ؛ اوّلش لباس. درجه و مقام و رتبه و لباس و لباس فاخر و همه ی اینها کنار می رود و همه در یک لباس قرار میگیرند. به آینه نگاه نکنید که یک جلوه ای از خودخواهی و خودشیفتگی است. بوی خوش استعمال نکنید که وسیله ای برای جلوه گری است. از زیر آفتاب یا زیر باران نگریزید، زیر سقف نروید - در حال حرکت - که مظهر راحت طلبی و آسایش طلبی است. اگر از جایی عبور می کنید که بوی متعفّنی دارد، بینی تان را نگیرید ؛ و همین طور بقیّه ی کارهای احرام ؛ حرام کردن بر خود چیزهایی را که مایه ی راحت و مایه ی شهوت نفس، شهوات جنسی محرَّم، در این مدّت است ؛ چه مایه ی تفاخر است، چه مایه ی تبعیض است. اینها همه برداشته می شود.

بعد وارد فضای بیت اللّه و مسجدالحرام شدن و آن شکوه و عظمتی را که در عین سادگی و بی پیرایگی وجود دارد، با چشم، با دست، با همه ی وجود لمس کردن. عظمت، شکوه، منتها نه از نوع شکوه مادّی و زر و زیورهای مادّی ؛ از نوع دیگری که برای انسان های معمولی قابل توصیف هم حتّی نیست. بعد وارد شدن در این سیل خروشان دوّار، بر گرد یک مرکز حرکت کردن، آن هم با ذکر، با دعا، با گریه، با خشوع، با تکلّم با خدای متعال. بعد سعی صفا و مروه همین جور است، وقوف عرفات و مشعر همین جور است، فرایض روزهای منا همین جور است. این حج است.»[۲]

«کسانی که به مکه میروند، مکه را فدای بازارگردی و دکان گردی نکنند. مکه بالاتر از این حرفها است. می توانند بعداً یک سفر هم برای تجارت بروند و هر جا می خواهند بگردند. امّا در حج، این «ایّام معلومات» را برای خودشان و برای زیارت و توجّه و تذکر نگه دارند و آن را فدای کارهای بی ارزش نکنند. در نمازهای جماعت، شرکت کنید. در اجتماعات، شرکت کنید. نماز اوّل وقت را به

جماعت در حرمهای عالی مقام حتماً درک کنید. بگذارید حضور شما، حضور مؤمنانه و پرهیزکارانه ای باشد که از ملّت ایران انتظار می رود.»[۳]

«یکی از مهم ترین مسائلی که در حج هست، «همزیستی» است. افرادی که با هم هیچ آشنایی ای ندارند، با فرهنگهای مختلف، از جاهای مختلف، رنگ مختلف، زبان مختلف اینجا با همدیگر باید همزیستی کنند.»[۴]

«در بُعد سیاسی، محور اصلی در حج، نمایش هویّت متّحد امّت اسلامی است. دوری برادران از یکدیگر، عرصه را برای بدخواهان می گشاید و تخم تفرقه میان مسلمانان را بارور می کند. امّت اسلامی از ملّتها و نژادها و پیروان مذاهب گوناگون تشکیل یافته است. این تنوّع که با پراکندگی جغرافیایی در بخش حسّاس و مهمّی از کره ی زمین همراه است می تواند خود نقطه ی قوّتی برای این پیکره ی عظیم به شمار آید و میراث و فرهنگ و تاریخ مشترک آنان را در گستره ای پهناور، از کارآمدی بیشتر برخوردار سازد، و انواع استعدادها و قابلیّتهای انسانی و طبیعی را در خدمت آن به کار گیرد.»[۵]

«حج، رزمایش قدرت در برابر مستکبرانی است که کانون فساد و ظلم و ضعیف کشی و غارتگری اند و امروز جسم و جان امّت اسلامی از ستمگری و خباثت آنان آزرده و خون آلود است. حج، نمایش توانایی های سخت و نرم امّت است. این، طبیعت حج و روح حج و بخشی از مهم ترین هدفهای حج است ؛ این همان است که امام راحل خمینی کبیر، آن را حجّ ابراهیمی نامید.»[۶]

«حجّ ابراهیمی که اسلام به مسلمانان هدیه کرده است، مظهر عزّت و معنویّت و وحدت و شُکوه است ؛ عظمت امّت اسلامی و اتّکاء آنان به قدرت لایزال الهی را به رخ بدخواهان و دشمنان میکِشد و فاصله ی آنان را با منجلاب فساد و حقارت و استضعافی که زورگویان و قلدران بین المللی بر جوامع بشری تحمیل میکنند، برجسته میسازد. حجّ اسلامی و توحیدی، مظهر «أَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ»[۷] است ؛ جایگاه برائت از مشرکان و الفت و وحدت با مؤمنان است.»[۸]

---

[۱] . در دیدار کارگزاران حج ۲۷/۲/ ۱۴۰۲.

[۲] . در دیدار مسئولان و کارگزاران حج ۱۵ /۸/ ۱۳۸۷.

[۳] . در دیدار کارگزاران حج ۳۱ /۱/ ۱۳۷۳.

[۴] . در دیدار کارگزاران حج ۱۸ /۳/ ۱۴۰۱.

[۵] . پیام به کنگره ی عظیم حج ۸ /۱۰/ ۱۳۸۵.

[۶] . پیام به مناسبت فرارسیدن ایّام حج ۷/۵/ ۱۳۹۹.

[۷] . سوره ی فتح، بخشی از آیه ی ۲۹.

[۸] . پیام به مسلمانان جهان به مناسبت فرارسیدن موسم حج ۱۵/۶/ ۱۳۹۵.